احکام
راه سبز



بسم الله الرحمن الرحیم

راه سبز احکام ویژه دختران دوره دبیرستان

نویسنده:

واحد پاسخگویی به سوالات نماز

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ۵
راه سبز احکام ویژه دختران دوره دبیرستان ۱۳
مشخصات کتاب ۱۳
اشاره ۱۴
طلیعه ۲۸
سخنی با مربّیان، دبیران دینی و ائمه جماعات مدارس ۲۹
گُل محبت خدا ۳۲
شناخت احکام ۳۵
آگاهی از احکام ۳۵
چاره عصر غیبت ۳۶
کارشناس عرصه احکام ۳۶
گستره احکام ۳۶
بزرگ دانستن احکام الهی ۳۷
۲ پایه های فهم احکام ۳۸
تقلید و مرجع تقلید ۳۹
شرایط دیگر ۳۹
شناسایی مرجع تقلید ۴۰
فراگیری مسائل دینی ۴۱
صادقانه با احکام ۴۱
قداست فتوا ۴۲
۳ فدایی ولایت ۴۴
ولایت فقیه ۴۶
شرایط و صفات ولیّ فقیه (رهبر) ۴۷
وظایف و اختیارات ولیّ فقیه (رهبر) ۴۷

اطاعت از رهبری ----- ۴۸
۴ بلوغ شاخه ها ----- ۵۰
نشانه های بلوغ ----- ۵۱
پنجره های اعمال ----- ۵۲
آشنایی با زبان احکام ----- ۵۳
اشاره ----- ۵۳
۱. فتوا (یا بیان حکم توسّط مجتهد) ----- ۵۳
۲. احتیاط واجب ----- ۵۳
۳. احتیاط مستحبّ ----- ۵۴
راه های دستیابی به احکام ----- ۵۴
دوران بازنگری ----- ۵۵
۵ بر صراط مستقیم ----- ۵۶
پاک ها و نَجس ها ----- ۵۷
نجس ها ----- ۵۷
اشاره ----- ۵۷
نجاست مُسری ----- ۵۸
احکام نجس ها ----- ۵۸
پاک کننده ها ----- ۵۹
اشاره ----- ۵۹
اقسام آب مطلق ----- ۵۹
آب راکد (دوگونه است): ----- ۵۹
مقدار آب کُرّ و قلیل ----- ۶۰
آب لوله ها ----- ۶۰
احکام آب مطلق ----- ۶۰
۶ فرهنگ پاکسازی ----- ۶۲
تطهیر ظروف ----- ۶۳

تطهیر غیرظروف ----- ۶۳
لباسشویی ها ----- ۶۴
خشک شویی ها ----- ۶۵
تطهیر جامدات ----- ۶۵
تطهیر زمین نجس ----- ۶۶
۷ پاکسازی بدن ----- ۶۸
غسل های واجب ----- ۶۹
اشاره ----- ۶۹
غسل مسّ میّت ----- ۶۹
جنابت ----- ۷۰
آداب ویژه غسل ----- ۷۱
احکام غسل ----- ۷۲
۸ پدیده قاعدگی ----- ۷۴
اشاره ----- ۷۴
تشخیص کامل ----- ۷۶
مقرّرات ایّام قاعدگی ----- ۷۷
پایان قاعدگی ----- ۷۷
۹ دوره نفاس ----- ۷۸
اشاره ----- ۷۸
احکام نفاس ----- ۷۹
خون استحاضه ----- ۷۹
اشاره ----- ۷۹
راه های تشخیص ----- ۷۹
اقسام استحاضه ----- ۸۰
نکته های مهمّ ----- ۸۱
۱۰ در اوجِ آسمان ها ----- ۸۲

وضو ---------- ۸۳
وضوی مستحبّی ---------- ۸۳
وضوی واجب ---------- ۸۴
برطرف کردن موانع ---------- ۸۴
محلّ وضوی بانوان ---------- ۸۵
کیفیّت وضو ---------- ۸۵
شستن اعضای وضو ---------- ۸۵
اعضای مسح ---------- ۸۶
مسح سر ---------- ۸۶
مسح پاها ---------- ۸۶
بطلان وضو ---------- ۸۷
۱۱ انتظارِ سبز ---------- ۸۸
نماز ---------- ۸۹
احکام نماز ---------- ۸۹
پوشش نماز ---------- ۸۹
نکته های مهمّ: ---------- ۹۰
بدن و لباس نمازگزار ---------- ۹۰
مکان نمازگزار ---------- ۹۱
۱۲ امامِ فرشتگان ---------- ۹۲
حضور قلب ---------- ۹۳
تکبیرهُ الاحرام ---------- ۹۳
سوره حمد ---------- ۹۴
سوره توحید ---------- ۹۷
ذ کر رکوع ---------- ۹۸
ذ کر سجده ---------- ۹۸
قُنوت ---------- ۹۹

تسبیحات اربعه ---------- ۹۹
تشهُّد ---------- ۱۰۰
سلام ---------- ۱۰۰
احکامِ «فراموش شده ها» در نماز ---------- ۱۰۱
اشاره ---------- ۱۰۱
قاعده کلّی ---------- ۱۰۲
احکامِ «فراموش شده ها» پس از نماز ---------- ۱۰۳
اشاره ---------- ۱۰۳
سجده سَهو ---------- ۱۰۳
طریقه بجا آوردنِ سجده سهو ---------- ۱۰۴
۱۳ سیر و سفر ---------- ۱۰۵
وطن ---------- ۱۰۷
اشاره ---------- ۱۰۷
قصد ده روزه ---------- ۱۱۰
نیّت نماز شکسته ---------- ۱۱۱
۱۴ آنجا کجاست؟ ---------- ۱۱۲
نماز جماعت ---------- ۱۱۳
اشاره ---------- ۱۱۳
برپایی نماز جماعت ---------- ۱۱۴
احکام نماز جماعت ---------- ۱۱۴
شرایط امام جماعت ---------- ۱۱۵
استفتاء از مقام معظّم رهبری ---------- ۱۱۵
وظیفه مأموم در نماز جماعت ---------- ۱۱۵
طریقه پیوستن به نماز جماعت ---------- ۱۱۶
چگونه اقتدا کنیم؟ ---------- ۱۱۶
۱۵ سیلِ رحمت ---------- ۱۲۰

امام جمعه ----- ۱۲۱
اشاره ----- ۱۲۱
برپایی نماز جمعه ----- ۱۲۱
اعتکاف ----- ۱۲۲
۱۶ در سُوگِ هجران ----- ۱۲۵
روزه ----- ۱۲۶
برخی از آثار روزه ----- ۱۲۶
اقسام روزه ----- ۱۲۸
جبران گذشته ها ----- ۱۲۹
قضای روزه ----- ۱۲۹
قضا و کفّاره ----- ۱۳۰
قضا و اطعام ----- ۱۳۱
اطعام ----- ۱۳۲
۱۷ از سَرِ اخلاص ----- ۱۳۴
اشاره ----- ۱۳۴
اَدای تکلیف ----- ۱۳۶
تهیّه جهیزیّه ----- ۱۳۶
سال خُمسی ----- ۱۳۶
قانون کلّی خمس ----- ۱۳۷
فرهنگ اقتصاد ----- ۱۳۸
رشوه ----- ۱۳۸
۱۸ فریادگر حق ----- ۱۴۰
اشاره ----- ۱۴۰
معروف و منکر ----- ۱۴۱
جلوگیری از گناه در جامعه ----- ۱۴۱
واکنش های نخستین ----- ۱۴۲

فرهنگ امر و نهی ---------- ۱۴۳

مراحل امر به معروف و نهی از منکر ---------- ۱۴۴

دفاع همگانی ---------- ۱۴۴

۱۹ گُل پاک ---------- ۱۴۶

مصونیّت نه محدودیّت ---------- ۱۴۷

اعتراف دانشمندان ---------- ۱۴۸

خلأ عشق ---------- ۱۴۹

۲۰ الگوی بانوان ---------- ۱۵۱

پوشش اسلامی ---------- ۱۵۳

اشاره ---------- ۱۵۳

چهره و دست ها ---------- ۱۵۳

پوشش کامل ---------- ۱۵۴

معیارهای انتخاب لباس ---------- ۱۵۴

جلب نامحرم ---------- ۱۵۵

۲۱ در حریمِ عفاف ---------- ۱۵۷

اشاره ---------- ۱۵۷

اختلاط دختر و پسر ---------- ۱۵۸

خلوت با نامَحرم ---------- ۱۵۹

مکالمه با نامَحرم ---------- ۱۵۹

مراجعه به نامَحرم ---------- ۱۶۰

نگاه به نامَحرم ---------- ۱۶۰

مَحرم و نامَحرم ---------- ۱۶۱

روابط دختر و پسر ---------- ۱۶۱

۲۲ بنیانی مقدّس ---------- ۱۶۴

اشاره ---------- ۱۶۴

خواستگاری ---------- ۱۶۶

اجازه پدر ----- ۱۶۶
مهریّه ----- ۱۶۷
دوران نامزدی ----- ۱۶۸
مراسم ازدواج ----- ۱۶۹
عروسی ----- ۱۶۹
برنامه های عروسی ----- ۱۷۰
۲۳ بر قُلّه خوشبختی ----- ۱۷۲
اصول همسرداری ----- ۱۷۳
شغل بانوان ----- ۱۷۶
اشاره ----- ۱۷۶
معیارهای انتخاب شغل ----- ۱۷۷
اخلاق همسرداری ----- ۱۷۸
درباره مرکز ----- ۱۸۰

راه سبز احکام ویژه دختران دوره دبیرستان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : راه سبز احکام ویژه دختران دوره دبیرستان/ گردآورنده ستاد اقامه نماز وزارت آموزش و پرورش.

وضعیت ویراست : ویراست ۲.

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۶۸ص.

شابک : ۱۲۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۰۹-۳۷-۰ ؛ ۱۵۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ قبلی: ستاد اقامه نماز و احیای زکات، ۱۳۸۱. (۱۹۴ص.)

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۹.

یادداشت : عنوان دیگر: احکام راه سبز (ویژه دختران دبیرستانی).

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

عنوان دیگر : احکام راه سبز (ویژه دختران دبیرستانی).

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع : دختران -- وضع حقوقی و قوانین (فقه)

شناسه افزوده : ایران. وزارت آموزش و پرورش. ستاد اقامه نماز

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/ر۱۷۵ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۱۰۹۶۰

اشاره

طلیعه

طبیعت، گوناگون بر ما جلوه می کند.

باشکوه ترین جلوه های آن، دوران نشاط و سرسبزی اوست، آن زمان که لحظه به لحظه می بالد و می شکفد تا به اوج طراوت و زیبایی می رسد. آن زمان که بحبوحه تلاش و کوشش اوست و قلبش مالامال از امید است.

آن زمان که خود را می فهمد و به فرداهای خود می اندیشد.

آن زمان، که بهار جوانی اوست. جوانی دوران بسیار حسّاس و سرنوشت ساز است، دوران طراوت و نشاط، دوران رشد و شکوفایی، دوران تفکّر، تلاش، تحقیق، تصمیم و عمل. جوان با قدم نهادن به این دنیای سرسبز به خود و جهان پیرامون خود می اندیشد. او پس از تفکّر و تحقیق به سر حلقه هستی یعنی خداوند متعال ایمان می آورد و با اعتقاد راستین به امامان و پیامبران و باور کردن معاد و روز واپسین، جایگاه خود را در هندسه هستی می یابد و به شخصیّت والای خویش پی می برد. این جاست که جوان برای تقرّب به خداوند و تأمین آینده ابدی خود، به جستجوی برنامه ها و دستورالعمل هایی برمی آید چرا که او به خوبی دریافته است که بدون برنامه و دستورالعمل های دقیق و عمل بر اساس آن ها به هیچ هدفی نمی توان رسید. جوان با تفکّر و اندیشه به این باور

می رسـد که بایـد به برنـامه هـا و دسـتورالعمل هایی که از سوی خـدا توسّط پیامبر اسـلام و امامان معصوم علیهم السـلام برای هـدایت انسـان هـا آمـده است روی آورد. به این برنامه ها و دسـتورالعمل ها «احکام» می گوینـد. جوان همان گونه که در هر رشــته و فنی سـراغ متخصّـِص و کارشـناس آن رشـته و فـنّ می رود برای آگـاهی کامـل و درسـت از احکـام بـه متخصّـِص و کارشـناس این رشته یعنی «مرجع تقلید» مراجعه می کند و برای آشنایی با احکام، رساله مرجع تقلید خود را تهیّه و براساس آن عمل می کند.

این مجموعه که در پیش رو داریـد، شـما را در راه اسـتفاده هرچه صـحیح تر و بهتر و کاملتر از رساله مرجع تقلیدتان یاری می رساند.

در نظر داشـته باشـید که احکام این کتاب براساس فتاوای حضـرت امام خمینی قدس سره تنظیم شده و در چند مورد به فتاوای مقـام معظّم رهبری حضـرت آیت اللّه خـامنه ای (دام ظلّه) اشـاره شـده است. شـما با کمک و راهنمایی مربّی و امام جماعت و دبیر دینی می توانید به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید و اگر چنانچه در پاره ای موارد فتوای مرجع تقلید شـما با آنچه در این کتـاب آمـده است فرق داشت، براساس همان فتوای مرجع تقلیـد خود عمل کنیـد. جوانی که از احکام الهی بااطّلاع است چون مسافری است که در طلیعه سفر، راه مقصد را به خوبی شناخته و در آن گام برمی دارد راهی سبز، نرم و هموار.

ما برای شما عزیزان آرزوی سعادت و پیروزی داریم و از نظرات و پیشنهادهای شما استقبال می کنیم.

سخنی با مربّیان، دبیران دینی و ائمّه جماعات مدارس

این کتاب می کوشد جوانان عزیز را با بخشـی از احکام دینی شان آشنا کند و به پاره ای از مشکلات آنان پاسخ گوید امّا این کتاب به تنهایی نمی تواند

ص: ۱۶

رسالت خود را به انجام رساند و به یاری شما بزرگواران سخت نیازمند است. شما می توانید در بخش های زیر ما را یاری نمایید.

۱. بخش تهیّه و تنظیم مطالب کتاب: شما که از نزدیک با جوانان ارتباط دارید و به خوبی نیازها و مشکلات آنان را لمس می کنید می توانید مشکلات و نیازهایی را که کتاب احکام می تواند پاسخگوی آن ها باشد و در کتاب نیامده است برای ما بازگو نمایید.

۲. بخش طرح و برنامه ریزی: آشناسازی نسل جوان با احکام دینی در قالب های نوین و طرح های جذّاب و کارآمد رسالت سنگینی است که بدون همفکری ناتمام می ماند، شما می توانید با ارائه طرح های همه جانبه و قابل اجرا ما را در راه بالندگی این طرح یاری رسانید.

۳. بخش اجرا و پیاده سازی: تهیّه کتاب و در دسترس جوانان قرار دادن قدم های اوّلیه این کار بزرگ است، قسمت عمده آن به بخش اجرا و پیاده کردن این طرح بستگی دارد، که همّت و پشتکار شما بزرگواران را می طلبد. در این بخش به دو گونه همکاری شما نیازمندیم:

الف: مطالب این کتاب به صورت توضیحی و گزینشی و با حفظ محتوا براساس فتاوای حضرت امام خمینی قدس سره تنظیم و در پاره ای از موارد به فتاوای مقام معظّم رهبری (دام ظلّه) اشاره شده است. و منبع عمده مطالب در پاورقی ها آمده است شما می توانید جوانان را در تطبیق مطالب کتاب با فتاوای مرجع تقلیدشان یاری رسانید.

ب: اطّلاع از میزان بازدهی و کارآیی این طرح و تأثیر این مطالب در جوانان برای ادامه کار، نقش اساسی و کلیدی دارد. اطّلاع رسانی شما در این زمینه نیز برای ما کارساز و ارزشمند است.

ستاد اقامه نماز

وزارت آموزش و پرورش

ص: ۱۷

گُل محبت خدا

به سیاهی نیندیش

امیدوار باش به روزهای روشنِ فردا

به آسمانِ آبی

و به دریای آسمانی بنگر

به رودهای خروشان نگاه کن

هنوز گُلدان احساست

شاخه محبّت دارد

اگر گُل محبّت خدا را

در گلدان دلت آبیاری کنی

همیشه پُرِ عطرِ گُل یاس

پُرِ احساس، پُرِ چلچله ها خواهی بود(۱)

زهرا (ماهرخ) طهوری - ساری

ص: ۱۹

۱- ۱. پله پله تا خدا، ص ۹۷ و ۹۸.

۱ گَل شناسی

خدمت او کن که سلطانت کند خار اوشو تا گلستانت کند بنده او گر شدی آزاد زی گر غم او می خوری دلشاد زی(۱) بوی معطّر، رنگِ شاد، و طراوت و نشاط گل تو را به وجد و سرور وامی دارد، احساس می کنی که از صمیم جان گل را دوست داری، برمی خیزی و با دست شوق شاخه ای از گل می چینی. بر لب چشمه ساری که در کنار گل است زیر نَم نَمِ باران می نشینی و به گل می اندیشی:

دلنشینی گل از چیست؟ بی شکّ، اگر «ساقه» نبود از شاخه و گل خبری نبود و اگر «ریشه» نبود، ساقه و شاخه و گلی نبود.

و اگر «آب باران» و «چشمه سار» نبود اصلاً بوته گل نمی رویید.

آن بوته، دین است و آن آب باران، وحی و آن چشمه سار، فطرت و آن ریشه، عقاید و آن ساقه، اخلاق و آن گل، «احکام» است.

ص: ۲۱

۱- ۱. دیوان مثنوی طاقدیس، ملّا احمدنراقی، ص ۱۲۴.

شناخت احکام

اگر بخواهیم به شناخت واقعی احکام دست یابیم باید حقیقت دین را بشناسیم و به ریشه های احکام که همان عقاید پاک است نظری بیفکنیم.

عقاید پاک که از «وحی» و «فطرت» تغذیه می کنند و سیراب می گردند به ما می گویند:

خداوند، خالق و مدبّر جهان و انسان است، انسان در این جهان بیهوده نیامده و سرانجام نابود نخواهد شد. انسان، موجودی ابدی است و این ابدیّت با اعمال او در این جهان ساخته می شود، و چون فطرت به تنهایی توان هدایت او را ندارد باید از هدایت های پیامبران و امامان مدد بگیرد.

از این جاست که مجموعه هدایت های الهی تحت عنوان «احکام» شکل می گیرد و برای رسیدن به سعادت ابدی باید آن ها را فرا گرفته و بکار بست.

آگاهی از احکام

سُراغ گل را باید از باغبان و گُلبان گرفت و مردمی که در عصر حضور پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمّه علیهم السلام می زیستند چنین می کردند.

آن روزها دسترسی به احکام کار چندان دشواری نبود، نماینده ای می فرستادند و یا خود حضور می یافتند و حکم مسائلی را که برای آنان پیش آمده بود جویا می شدند.

با غیبت امام عصر علیه السلام دسترسی به احکام از طریق گذشته ممکن نبود و از طرف دیگر با تغییراتی که در بافت های اجتماعی و ساخت های حکومتی پیش می آمد و نوآوری های علم و تمدّن، مسائل نو و نسبتاً پیچیده ای پدید می آمد که حکم آن ها برای توده مردم نامعلوم می نمود.

چاره عصر غیبت

بی شکّ دین اسلام چون دین کاملی است، حکم هیچ مسأله و پیشامدی را فرو نگذاشته است و ما با مراجعه جدّی و کارشناسانه به دین توان فهمیدن حکم مسائل و پیشامدها را داریم.

آری عقل چاره کار را در مراجعه به منابع دین می داند.

و این؛ مجموعه قرآن و سُنّت است. قرآن را که می دانیم، امّا سُنّت عبارت است از: گفتار، کردار، و امضاء و تأیید معصوم علیه السلام .

کارشناس عرصه احکام

فهم احکام از منابع دین، دقت نظر و باریک بینی می خواهد، همه افراد برای شناخت احکام، آزادند تا با آموختن علوم و دانش های این رشته، تخصّص لازم را پیدا کنند. تحصیل در این رشته استعداد فراوان و علاقه زیاد می طلبد، کسانی که دارای این دو ویژگی باشند دختر یا پسر می توانند با شرکت در آزمون ورودی دانشگاه علوم دینی یعنی حوزه های علمیّه و شرکت فعّال در کلاس های درس، دانش های موردنیاز را فرا بگیرند ولی قطعاً کسانی که در این عرصه به سرحدّ تخصّص نرسیده باشند نمی توانند احکام دین را از منابع اصلی به دست آورند و چنین افرادی باید به کارشناس این عرصه یعنی «مجتهد» رجوع کنند.

به آن مجتهدی که مردم به او رجوع می کنند و در احکام دین از او تقلید و پیروی می کنند «فقیه» و «مرجع تقلید» می گویند.

گستره احکام

هرچیز که به رشد و تکامل معنوی انسان مرتبط است در قلمرو دین است و هرگز دین درباره آن ساکت ننشسته است؛ و هرجا سخن از

تکلیف و وظیفه است در قلمرو احکـام است، ماننـد عبـادات، معاملات، مسائل فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسـی، حقوقی، فرهنگی و مسائل حکومتی و کشورداری.

بزرگ دانستن احکام الهی

احکـام الهی تـأمین کننـده دنیـا و آخرت و مقرّب انسـان به خـدای بزرگ هسـتند و نبایـد آن هـا را از اوج خود پائین بیاوریم. استخفاف احکام به راه های زیر است:

۱. احکام را منحصر در احکام فردی بدانیم.

۲. احکام را تنها در محدوده اجتماع لازم بدانیم.

۳. احکام را فقط تأمین کننده مسائل دنیوی بدانیم.

۴. احکام را از سیاست و حکومت جدا بدانیم.

۵. احکام را تنها تأمین کننده آخرت بدانیم.

۲ پایه های فهم احکام

فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدّینِ(۱).

پس چرا از هر فرقه ای از آنان، دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند؟!

مجتهد و فقیه که رسالت بزرگ فهم دقیق احکام و ابلاغ آن را به جامعه به عهده گرفته است برای استنباط احکام از منابع دینی به علوم زیر نیازمند است:

۱. ادبیّات عرب (شامل: صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع و لغت)

۲. منطق

۳. اُنس و آشنایی با قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام

۴. آشنایی با علم رجال برای تشخیص راویان حدیث

۵. اصول فقه (برای به کسب قدرت استخراج احکام از منابع آن).

۱- ۱. سوره توبه، آیه ۱۲۲.

تقلید و مرجع تقلید

کسانی که توان استنباط احکام را ندارند و یا در راه تحصیل این شاخه از علوم اسلامی هستند ولی هنوز به حدّ اعلای تخصّص نرسیده اند به حکم عقل و دین موظّفند از فقیه جامع الشّرایط که به او مرجع تقلید می گویند، تقلید کنند.

مرجع تقلید کسی است که به حدّ اعلای تخصّص و تعهّد رسیده است؛ فهم او از سایر فقیهان دقیق تر و تقوای او شدیدتر است.

کسی که ما باید به نظریّه کارشناسی او در مسائل دینی عمل کنیم باید دارای این نشانه ها و ویژگی ها باشد:

۱. دانا و دانشمند باشد.

۲. به مرحله «اجتهاد» رسیده باشد.

۳. بنابر احتیاط واجب از همه متخصّصین، داناتر و ورزیده تر باشد (اعلم باشد).

۴. به اوضاع زمان، آن اندازه که در تشخیص موضوعات احکام و اظهارنظر جدید فقهی دخالت دارد، آشنا باشد.

۵. عادل باشد؛ آن گونه که «گناه کبیره»(۱) انجام ندهد و از تکرار «گناه صغیره» بپرهیزد.

شرایط دیگر

اگر فقیهی نشانه های تخصّص و تعهّد در او جمع بود، با چهار شرط می توانیم از او تقلید کنیم:

۱. زنده باشد

۲. مرد باشد

۱- ۱. گناه کبیره، گناهی است که عذاب شدید و آتش جهنّم را در پی دارد.

۳. بالغ باشد

۴. شیعه دوازده امامی باشد.(۱)

از یاد نبریم که:

۱. در انتخاب مرجع تقلید نباید در پی کسی باشیم که فتاوایش آسان تر از دیگران باشد بلکه باید ببینیم کدام فقیه، نشانه های کامل اجتهاد در او جمع است و سایر شرایط را نیز داراست.

۲. دختران نیز می توانند با خواندن درس های لازم به مرحله اعلای تعهّد و تخصّص در فهم احکام دین راه یابند و نظیر بانوی اصفهانی(۲) به مرحله اجتهاد برسند.

شناسایی مرجع تقلید

از راه های زیر می توان مرجع تقلید خود را شناخت:

۱. خودمان عالم دینی هستیم و قدرت شناسایی مرجع تقلید را داریم.

۲. دو تن از عالمان عادل که توان تشخیص دارند او را به ما معرّفی می کنند؛ البتّه به شرط آن که دو عالم عادل دیگر برخلاف آن دو، نظر ندهند. ۳. گروهی از عالمان دینی که از عهده تشخیص مرجع تقلید برمی آیند او را به ما معرّفی کنند و ما به گفته آنان اطمینان پیدا کنیم.(۳)

بنابراین اگر تاکنون در انتخاب مرجع تقلید مشکلی داشته ایم یا بدون تقلید، عمل می کرده ایم هم اینک از راه هایی که گفته شد باید مرجع تقلید

۱- ۱. استفتائات، جلد ۱، سؤال ۱۵.

۲- ۲. بانوی مجتهده سیّده نصرت امینی معروف به بانوی اصفهانی در سال ۱۲۶۵ هجری شمسی در اصفهان متولد شد. او سراسر عمر پربرکتش را صرف تعلیم و تعلّم معارف اسلامی کرد و در رشته های فقه، حکمت، تفسیر قرآن، حدیث و اخلاق، تألیفاتی از خود به یادگار گذاشت. تفسیر مخزن العرفان یکی از آثار این بانوی مجتهده است.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۳.

خود را شناسایی کنیم و تکلیف خود را نسبت به اعمالی که تاکنون انجام داده ایم از او جویا شویم.

فراگیری مسائل دینی

انسان نباید در فراگیری مسائل دینی کوتاهی کند بلکه واجب است مسائلی را که غالباً به آن ها نیاز دارد، فرا بگیرد.

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند که فرمود:

اُفٍّ لِکُلِّ مُسْلِمٍ لایَجْعَلُ فی کُلِّ جُمُعَهٍ یَوْمَاً یَتَفَقَّهُ فیهِ اَمْرَ دینِهِ وَ یَسْأَلُ عَنْ دینِهِ.(۱)

وای بر هر مسلمانی که در هفته (لااقلّ) یک روز را برای فهم مسائل دینی و پرسش از آن ها قرار نمی دهد.

صادقانه با احکام

پس از انتخاب مرجع تقلید و فراگیری احکام مورد نیاز، باید صادقانه آن ها را به کار بندیم. چه بسا فلسفه حکمی برای ما معلوم نباشد و یا عمل به آن مطابق با میل ما نباشد، ما به حکم عقل و دین موظّفیم آن حکم را در زندگی به کار بندیم؛ چرا که مرجع تقلید با ویژگی هایی که دارد تمام توان خود را برای استنباط آن حکم به کار گرفته است و از روی صداقت و امانت بی هیچ اضافه و کاستی آن را برای ما بیان داشته است.

بندگان شایسته خدا همیشه در برابر احکام الهی سراپا تسلیم بوده اند یکی از یاران امام صادق علیه السلام به ایشان عرض کرد: «به خدا سوگند اگر اناری را دو نیم کنی و بگویی نیمی از آن حلال و نیم دیگرش حرام است؛ من گواهی می دهم آنچه را حلال دانسته اید حلال است و آنچه را حرام

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۱، ص ۱۷۶.

دانسته اید، حرام است.» امام عقیده پاک و زلال او را آفرین گفت و فرمود:

«خدا تو را رحمت کند، خدا تو را رحمت کند!»(۱)

قداست فتوا

وحی الهی مقدّس است چون از سوی خداست و در آن خطا و اشتباه راه ندارد و مرجع تقلید نیز که به فهم احکام دینی از وحی الهی موفّق می شود و براساس آن فتوا می دهد فتوای او مقدّس است چرا که تلاش کرده تا حکم الهی را بازگو کند.

گرچه مرجع تقلید، معصوم نیست و ممکن است در مواردی به فهم صحیح وحی نائل نیامده باشد ولی چون تنها راه مطمئنّ ما به وحی الهی، فتوای اوست و او نیز در کمال امانت و صداقت آنچه را فهمیده است بازگو می کند فتوای او محترم و مقدّس است و به حکم عقل باید از آن پیروی کنیم.

پیروی از مرجع تقلید که به آن «تقلید» گفته می شود، پیروی از کارشناس و متخصّص دینی است و کاری است عاقلانه و سنجیده و منطقی.

ما به مرجع تقلید عشق می ورزیم و به او احترام ویژه می گذاریم و احکام دینی خود را از او فرا می گیریم.

۱- ۱. منتهی الآمال، ص ۷۶۷.

۳ فدایی ولایت

ولا-یتی که برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمّه علیهم السلام می باشد برای فقیه هم ثابت است. در این مطلب هیچ شکّی نیست.(۱)

من هم مثل شما تعجّب کردم وقتی که دیدم عدّه ای از بانوان پشت در خانه جمع شده اند. شما به من فرمودید: اسماء! ببین چه خبر است.

من رفتم و خبر آوردم که: عدّه ای از زنان مهاجر و انصار به عیادت شما آمده اند.

عدّه شان زیاد بود. وقتی دور بستر شما را گرفتند، اتاق کاملاً پر شد.

شما را دیدند که پهلویتان شکسته بود، میخ های در، سینه تان را زخم آلود کرده بود.

بازویتان مجروح بود و صورتتان کبود!

یکی از آنان به نیابت از همه احوالتان را پرسید:

ای دختر رسول خدا! با این بیماری، شب را چگونه به صبح آوردید؟

- «از دنیای شما بیزارم و از مردان شما خشمگین.

۱- ۱. ولایت فقیه، حضرت امام خمینی قدس سره ، ص ۱۴۹.

چرا نگذاشتند حقّ در مرکز رسالت قرار یابد؟ و چرا پایگاه خلافت نبوی را از منزل وحی دور کردند؟

همـان منزلی که محلّ فرود آمـدن جبرئیل بود و پیکره رسالت بر پایه های آن اسـتوار شـده بود. چرا افراد مسـلّط به امور دنیا و آخرت را کنار زدند و دیگران را جایگزین کردند؟

این، بی تردید زیانی آشکار و بزرگ است.

چه چیز سبب شد که از ابوالحسن (علی علیه السلام) کینه به دل بگیرند و او را کنار بگذارند؟

من به شما می گویم:

به این دلیل که شمشیر عدالت او خویش و بیگانه نمی شناخت.

به این دلیل که او از مرگ هراس نداشت.

به این دلیل که در مسیر رضای خدا از هیچ چیز باک نداشت و به هیچ کس رحم نمی کرد.

به این دلیل که در کار خدا اهل سازش و مُداهنه و مدارا نبود.

سوگند به خدا اگر زمام امور را به او می سپردید، او کارها را سامان می بخشـید و امّت را به آسانی در مسیر هدایت و سعادت قرار می داد و به مقصد می رساند و کمترین حقّی از کسی ضایع نمی شد.

او در پنهان و آشکار و در حضور یا غیبت مردم، خیرشان را می خواست.

اهل اسـتفاده شخصـی از بیت المال نبود و از حُطام دنیا هم تنها به قدر نیاز برمی گرفت؛ آب آن قدر که تشـنگی فرو بنشـیند و غذایی مختصر آن قدر که گرسنگی با آن مرتفع شود، همین و بس(۱).»

۱- ۱. گزیده ای از کشتی پهلو گرفته، سیّدمهدی شجاعی، ص ۲۵ تا ۱۳۰.

ولایت فقیه

نقش «ولایت امام» را در جامعه شناختیم. سخن این جاست که آیا در عصر غیبت، که مردم دسترسی به امام معصوم ندارند، ولایت و سرپرستی جامعه با کیست؟

بی شکّ همان گونه که ولایت امام از سوی خدا و ابلاغ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است، پس از امامان نیز ولیّ و سرپرست جامعه باید با ابلاغ امام علیه السلام تعیین شود.

و امام زمان علیه السلام وظیفه ما را در دوران غیبت چنین تعیین کردند:

وَ اَمَّا الْحَوادِثُ الْواقِعَهُ فَارْجِعُوا فیها اِلی رُواهِ اَحادیثِنا فَاِنَّهُمْ حُجَّتی عَلَیْکُمْ وَ اَنَا حُجَّهُ اللّه ِ.

و در پیشامدها - و مسائل دینی - به راویان حدیث (فقیهان جامع الشّرایط) مراجعه کنید که آنان بر شما حجّت و راهنمایند و من حجّت خدایم.(۱)

یعنی: قلب تپنده جامعه اسلامی «ولیّ فقیه» است.

نگاهبان دین از تحریف ها «ولیّ فقیه» است.

نجات دهنده دین ازچنگال دشمنان«ولیّ فقیه»است.

ومرجع نهایی حلّ وفصل اختلاف ها«ولیّ فقیه»است.

ولایت فقیه، استمرار حضور امامان است. ولیّ فقیه نماینده امام زمان است و با وجود او به دین و مملکت آسیبی نخواهد رسید.

ولیّ فقیه چون سایرین، موظّف به رعایت موازین اسلام است. یعنی آنچه حاکم است دین و فقاهت است.

۱- ۱. وسایل الشّیعه، جلد ۱۸، ص ۱۰۱.

شرایط و صفات ولیّ فقیه (رهبر)

۱. صلاحیّت علمی لازم برای استنباط احکام در ابواب مختلف فقه (اجتهاد).

۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امّت اسلامی.

۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریّت و قدرت کافی برای رهبری.

در صورت تعدّد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدّم است.(۱)

وظایف و اختیارات ولیّ فقیه (رهبر)

۱. تعیین سیاست های کلّی نظام جمهوری اسلامی ایران، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. نظارت بر حُسن اجرای سیاست های کلّی نظام.

۳. فرمان همه پرسی.

۴. فرماندهی کلّ نیروهای مسلّح.

۵. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها.

۶. نصب و عزل و قبول استعفاء:

الف: فقهای شورای نگهبان.

ب: عالیترین مقام قوّه قضائیّه.

ج: رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

د: رئیس ستاد مشترک.

ه: فرمانده کلّ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

و: فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.

۱- ۱. قانون اساسی، اصل ۵.

۷. حلّ اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه.

۸. حلّ معضلات نظام که از طرق عادّی قابل حلّ نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۹. امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، صلاحیّت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اوّل به تأیید رهبری برسد.

۱۰. عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلّف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی براساس اصل هشتاد و نهم.

۱۱. عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوّه قضائیّه.

اطاعت از رهبری

با گوشه هایی از شکوه های حضرت زهرا علیهاالسلام آشنا شدیم. روح کلام ایشان این بود که اگر حمایت مردم نباشد رهبر اسلامی قدرت اجتماعی برای حاکم ساختن قانون اسلام را ندارد.

حمایت از رهبری ویژه مردان نیست در طول تاریخ بانوانی قهرمان از ولایت و رهبری ائمّه علیهم السلام دفاع کردند و در دوران انقلاب حضور بانوان و حمایت آنان از مقام بلند ولایت فقیه چشمگیر بوده و هست.

امروز که روز حکومت قانون اسلام است باید بدانیم که حکومت قانون تنها با ولایت و نظارت ولیّ فقیه و حضور مردم ممکن است.

ص: ۳۵

۴ بلوغ شاخه ها

یا اَیُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَاَنْزَلْنا اِلَیْکُمْ نُورًا مُبیناً.(۱)

ای مردم، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستادیم.

در صبح دل انگیز بهاری بر لب حوض خانه نشسته ای و غرق در تفکّر گشته ای؛ به درختان می اندیشی که چگونه ناگهان عوض شده اند و به شاخه ها که چگونه پر از برگ و شکوفه گشته اند.

شاخه ها از این پس می خواهند با طراوت و معطّر باشند، میوه بدهند، و سایه مهر و عطوفت بر دیگران بگسترانند.

نشسته ای و به «بلوغ شاخه ها» می اندیشی!

از بلوغ شاخه ها به بلوغ خود پی می بری، چرا که دیگر حسّ پرستش و وظیفه شناسی در تو سبز و شکوفا شده، دیگر کودکی نیستی که در شناخت پیرامون خود تنها از حواسّ پنج گانه ات کمک بگیری، عقل تو بیدار شده است، همه چیز در نگاه تو تحوّل و تغییر یافته است.

۱- ۱. سوره نساء، آیه ۱۷۴.

دیگر دوست نداری مثل همیشه به لهو و لعب و به سرگرمی ها و بازی های بی هدف بپردازی و کارهایت بدون هدف و آرمان باشد.

می خواهی در تمام گذشته های خود تجدیدنظر کنی و افکار و عقاید خود را بر اساس حقّ و حقیقت و با واقع بینی تنظیم کنی.

در این بحبوحه فکری شدیداً به راهنمایی دانا، دلسوز و مهربان نیاز داری. تو دیگر بالغ شده ای، خداوند، پیامبران و امامان را به یاری تو فرستاده تا دنیا و آخرت تو را براساس عقل و فطرت تو پی ریزی کنند و تو «مکلّف» هستی که براساس دستورها و راهنمایی آنان زندگی کنی.

نشانه های بلوغ

بلوغ جنسی دختران به حسب آب و هوا، نژاد و تغذیه و وضعیّت روحی و جسمی آنان متفاوت است. از نشانه های آشکار و مهمّ آن «اوّلین قاعدگی» است که معمولاً در سنین ۱۲ یا ۱۳ سالگی، دختران با آن مواجه می شوند.(۱)

دختران بلوغ دیگری نیز دارند که چند سال زودتر از بلوغ جنسی به آن می رسند، که از آن به «بلوغ دینی» تعبیر می شود، با رسیدن به بلوغ دینی، باید تکالیف دینی را به خوبی انجام دهند.

بلوغ دینی سه نشانه دارد که می توان با رجوع به توضیح المسائل از آن آگاهی یافت. ما به یک نشانه بسنده می کنیم و آن پایان یافتن ۹ سال قمری است(۲) و چون هر سال قمری، ۱۰ روز و ۱۸ ساعت از سال شمسی کمتر می باشد، دختران ۹۶ روز و ۸ ساعت زودتر از ۹ سال شمسی به سنّ بلوغ دینی قدم می گذارند.

۱- ۱. رجوع کنید به درس هشتم.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۲۲۵۲.

پنجره های اعمال

خـانه قلب تو پنجره هـای لطیف و ظریف دارد، تو بـا انجـام دادن هر کار پنجره ای از قلبت را به سوی آن کار می گشایی و با ترک کردن هر کار پنجره ای از قلبت را به روی آن کار می بندی، اسـلام براساس شناخت کاملی که از تو و جهان پیرامون تو دارد در برابر هر کـاری، حکمی دارد او می دانـد که اگر پنجره ای از قلبت را به سوی کـدام کارهـا بگشـایی نسـیم معطّری به خانه قلبت خواهد وزید. و اگر به سوی کدام کارها بگشایی فضای قلبت را آلوده خواهد کرد.

احکام دینی عبارتند از:

۱. واجب؛ عملی است پسـندیده که انجام آن لازم است و ترک آن عذاب دارد؛ مانند پوشـش بدن و موی زن در برابر نامحرم و اطاعت از خدا و پیامبر و امامان.

۲. حرام؛ عملی است که ترک آن لازم است و انجام آن عـذاب دارد؛ مانند جلوه گری در برابر نامحرم، آزردن پدر و مادر، و نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم.

۳. مسـتحبّ؛ عملی است پسندیده که انجام آن پاداش دارد، ولی ترک آن عذاب ندارد؛ مانند شستن میوه پیش از خوردن، یاد کردن امام حسین علیه السلام بعد از آشامیدن آب و نفرین کردن بر قاتلان آن حضرت.

۴. مکروه؛ عملی است که ترک آن زیبـاست و پاداش دارد ولی انجامش عـذاب نـدارد؛ ماننـد گذاشـتن نان زیر ظرف غـذا، و آشامیدن آب بعد از غذای چرب.

۵. مبـاح؛ عملی است که انجـام و ترک آن یکسـان است و پـاداش یـا عـذاب نـدارد؛ ماننـد استراحت کردن، و سرگرمی های حلال.(۱)

ص: ۳۹

۱- ۱. الفتاوی الواضحه، جلد ۱، ص ۸۳.

آشنایی با زبان احکام

اشاره

هر علم و فنّی زبان مخصوص به خود را دارد. زبان شعر و هنر با زبان روانشناسی فرق دارد، زبان زیست شناسی با زبان تاریخ متفاوت است.

احکام نیز زبان مخصوص به خود را داراست.

رساله را برمی داریم به واژه هایی برمی خوریم که معانی آن ها را نمی دانیم.

اکنون با چند واژه آشنا می شویم.

۱. فتوا (یا بیان حکم توسّط مجتهد)

حکم مسأله ذکر شده است مثلاً گفته شده است:

واجب است، حرام است، جایز است، واژه های زیر نیز به معنای فتواست:

اَظهر این است - اَقرب این است - اقوی این است - بعید نیست.

این واژه ها به معنای فتواست یعنی باید براساس آن عمل شود.

۲. احتیاط واجب

حکم مسأله ذکر نشده فقط گفته است (احتیاط این است که) و یا گفته است (احتیاط واجب این است که) مقلّد موظّف است یکی از این دو کار را انجام دهد:

الف: براساس همین احتیاط عمل کند.

ب: اگر مجتهد دیگری که از نظر علمی نسبت به هم سطح ایشان یا ایشان پایین تر و از دیگران بالاتر است در این مسأله فتوا داده است، به فتوای او عمل کند.

مثال: اگر از روی معصیت یا به واسطه عذری، نماز مغرب یا عشا را تا

نصف شب نخواند، بنابر احتیاط واجب، باید تا قبل از اذان صبح، بدون این که نیّت اداء یا قضا کند نماز را بجا آورد.(۱)

۳. احتیاط مستحبّ

حکم مسأله ذکر شده ولی در کنار آن گفته شده: (احتیاط آن است که) و یا گفته شده (احتیاط مستحبّ آن است که).

در این جا بهتر است به احتیاط عمل کنیم و به ثواب بیشتری دست یابیم.

مثال: اگر مکلّف نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نماز او صحیح است ولی احتیاط آن است که اگر وقت دارد نماز را دوباره بخواند.(۲)

به طور خلاصه اگر:

الف: هم حکم بود و هم احتیاط، این احتیاط، مستحبّ است.

ب: اگر از اوّل با لفظ «احتیاط» یا «احتیاط واجب» بیان شد، و حکم، ذکر نشد این احتیاط واجب است.(۳)

راه های دستیابی به احکام

از راه های زیر می توان از حکم مرجع تقلید خود در مسائل گوناگون اطّلاع یافت و براساس آن عمل کرد:

۱. با شنیدن از خود ایشان.

۲. با خواندن از رساله معتبری که با مُهر و اجازه ایشان چاپ شده است.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۷۳۹.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۸۰۲.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۷ و ۸.

۳. با پرسیدن از یک یا دو شخص عادل که فتوای ایشان را می دانند.

۴. با پرسیدن از شخص راستگو و مورد اعتمادمان.(۱)

دوران بازنگری

دوران سبز بلوغ باید دوران بازنگری به گذشته هم باشد.

گاهی انسان در ایّام کودکی کارهایی انجام داده است که هم اکنون موظّف است آن ها را جبران کند مانند ضایع کردن حقوق دیگران که از آن به «حقّ النّاس» یا «حقوق النّاس» تعبیر می شود.

یکی از حقوق النّاس، حقوق مالی آن هاست. بنابراین اگر چیزی از اموال مردم را از بین برده و یا خسارتی وارد کرده ایم نزد صاحبان آن اموال می رویم و به هر طریق ممکن، آن ها را راضی و خشنود می کنیم.(۲)

خمس نیز از حقوق مالی است، بنابراین اگر در ایّام پیش از بلوغ سرمایه ای داشته ایم و از آن منافعی به دست آورده ایم بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بپردازیم.(۳)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۵.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۲۵۴۸.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۹۴.

۵ بر صراط مستقیم

مایُریدُ اللّهُ لِیَجْعَلَ عَلَیْکُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلکِنْ یُریدُ لِیُطَهِّرَکُمْ(۱).

خدا نمی خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می خواهد شما را پاک گرداند.

ظرف ها را چند بار آب می کشد، هر روز لباس هایش را می شوید، گاهی در و دیوار خانه را آب می کشد. کمتر اتّفاق می افتد به میهمانی برود و یا غذاهای آن ها را نجس نداند، همیشه تُرشرو و عصبانی است، فکر می کند همه چیز نجس است و همه مردم بی مبالات هستند.

او به بلای شیطانی «وسواس» گرفتار شده است. باید بداند که زندگی روز به روز بر او تنگ تر خواهد شد و روی آرامش و خوشبختی را نخواهد دید. او از جادّه مستقیم دین منحرف گشته است، هرچه سریعتر باید وسوسه های شیطانی را نادیده انگارد و به همان راه و رسمی که آدم های متدیّن و مسأله دان عمل می کنند، عمل کند.

بعضی ها برخلاف وسواسی ها، همه چیز را پاک می دانند به قول

۱- ۱. سوره مائده، آیه ۶.

خودشان دلشان پاک است، کمتر اتّفاق می افتد که به طهارت و نجاست اهمیّت دهند و جایی را که نجس شده است به روش صحیح تطهیر نمایند.

این ها نیز مسیر انحرافی را می پیمایند باید هرچه سریعتر به دستورات اسلام در این زمینه اهمّیّت داده و براساس آن زندگی کنند. برای آن که دچار اشتباه و کج سلیقگی نگردیم باید ابتدا نجس ها را بشناسیم و آن گاه راه پاکسازی چیزهای نجس را فراگیریم.

پاک ها و نَجس ها

ممکن است چیزی کثیف باشد ولی نجس نباشد و یا چیزی تمیز باشد ولی پاک نباشد.

بنابراین پاکی و نجسی غیر از تمیزی و کثیفی است.

نجس ها انگشت شمارند. با احکام برخی از آن ها آشنا می شویم.

نجس ها

اشاره

نجس ها عبارتند از:

۱. اِدرار و مدفوع انسان و حیوان های حرام گوشتی که خون جهنده دارند، یعنی اگر رگ آن ها را ببرّیم خون بیرون می جهد مانند گربه، موش و روباه.

۲. مَنی، مردار و خون انسان و حیوان هایی که خون جهنده دارند مانند گوسفند و گربه.

۳. سگ و خوکی که در خشکی زندگی می کنند.

۴. شراب و هر مایع مست کننده دیگر.

۵. آبجو غیرطبّی.

۶. عرق شتر نجاستخوار.

۷. کافر(۱).

برخی نجاست های دیگر نیز هست که برای اطّلاع بیشتر می توانید به توضیح المسائل رجوع کنید.

نجاست مُسری

نجس ها را شناختیم. نجس ها می توانند چیزهای پاک را از طریق زیر نجس کنند:

* پاک با نجس تماس برقرار کند.

* یکی از آن ها یا هر دو، مرطوب باشند.

* رطوبت یکی به دیگری سرایت کند.

بنابراین اگر نجاست، خشک باشد و چیزی که با آن تماس برقرار می کند آن هم خشک باشد، نجاست سرایت نمی کند.

احکام نجس ها

از نجس ها و چیزهایی که نجس شده اند بپرهیزیم به عنوان نمونه:

۱. خوردن و آشامیدن نجس و چیز نجس شده حرام است.(۲)

۲. با بدن یا لباس نجس نماز نخوانیم که اگر عمدی باشد نماز، باطل است.(۳)

۳. بر نجس تیمّم نکنیم که باطل است.(۴)

۴. بر نجس سجده نکنیم که باطل است.(۵)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۸۳، ۱۱۱ و ۱۱۵.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۱.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۷۹۹.

۴- ۴. توضیح المسائل، مسأله ۶۹۲.

۵- ۵. توضیح المسائل، مسأله ۱۰۶۵.

پاک کننده ها

اشاره

انسان دوست دارد پاک و پاکیزه باشد. خداوند نیز به این خواسته پسندیده او پاسخ مثبت داده و بعضی از چیزها را پاک کننده قرار داده است.

یکی از پـاک کننـده هـا «آب» است البتّه ممکن است بعضـی از مایعـات دیگر و موادّ شـیمیایی و بخـار آب در بین مردم پاک کننده به شمار آیند ولی از نظر شرعی پاک کننده نیستند.

هم چنین آب نیز اگر با چیز دیگری مخلوط شود به طوری که دیگر به آن آب نگویند نمی تواند پاک کننده باشد مثل آبدوغ یا آب میوه و در اصطلاح به آن «آب مضاف» می گویند.

آب اگر مضاف نباشد، مطلق است و تنها آب مطلق پاک کننده است.

اقسام آب مطلق

۱. آب باران

۲. آب چاه

۳. آب جاری (آبی که از زمین می جوشد و جاری می شود)

۴. آب راکد (آبی که از زمین نمی جوشد)

آب راکد (دوگونه است):

۱. آب قلیل (آبی که کمتر از اندازه مخصوص است)

۲. آب کُرّ (آبی که به اندازه مخصوص یا بیشتر از آن است)

مقدار آب کُرّ و قلیل

اگر حوضچه ای داشته باشیم که ۳۸۵ لیتر آب را در خود جای دهد مطمئن هستیم که این مقدار آب، کُرّ است(۱)؛ البتّه حضرت امام خمینی رحمه الله کمتر از این مقدار را نیز کُرّ می دانند یعنی ۳۷۸ لیتر آب. آبی که از مقدار کُرّ کمتر باشد «آب قلیل» نامیده می شود.(۲)

آب لوله ها

آب لوله ها که به منبع بزرگ آب، متّصل است و آب هر لوله ای که به آب کُرّ متّصل باشد، حکم آب کُرّ را دارد البتّه تا آن لحظه که آب از لوله می آید و منبع آن، کمتر از کُرّ نشده است. ولی آب لوله های حمام که از شیرها و دوشها می ریزد اگر متّصل به کُرّ باشد در حکم آب جاری است.(۳)

احکام آب مطلق

۱. تمام آب های مطلق، به جز آب قلیل تا آن زمان که بو یا رنگ یا مزه نجاست به خود نگرفته باشند پاک و پاک کننده هستند.(۴)

۲. آب قلیل به محض تماس با نجاست، نجس می شود و دیگر پاک کننده نیست.(۵)

به عنوان مثال:

اگر در آب کرّ یا آب جاری لباس های نجس را شسته باشند آن آب ها پاک و پاک کننده هستند مگر آن که بو یا رنگ یا مزه نجاست به خود گرفته

ص: ۴۷

۱- ۱. این مقدار، مقتضای احتیاط و جمع بین فتاوای مراجع تقلید است.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۲۵.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۳۵.

۴- ۴. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۱۳، مسأله ۴.

۵- ۵. توضیح المسائل، مسأله ۲۶.

باشند البتّه در این صورت ممکن است این آب، بهداشتی نباشد ولی مسأله بهداشت و تمیزی چیز دیگری است.

همین طور اگر کوچکترین نجاست یا چیز نجسی به آب ظرف و تشت بخورد دیگر آن آب، پاک و پاک کننده نخواهد بود.

ص: ۴۸

۶ فرهنگ پاکسازی

اِنَّ اللّه َطَیِّبٌ یُحِبُّ الطَّیِّبَ، نَظیفٌ یُحِبُّ النَّظافَهَ

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «خدا پاک است، پاک را دوست دارد، پاکیزه است، پاکیزگی را دوست دارد.»(۱)

همیشه تمیز و نظیف است، خانه را تمیز نگه می دارد، شیشه های در و پنجره را تمیز می کند، دیوار و سقف اتاق ها را گردگیری می کند تار عنکبوت ها را می گیرد، اثاث خانه را گردگیری می کند، ظرف های کثیف و چرب را روی هم انباشته نمی کند به موقع همه چیز را تمیز می کند و در جای خودش قرار می دهد او پاک و پاکیزه است و خدا نیز او را دوست دارد.

ارزش ما در این نیست که وسائل و لوازم منزلمان نو و گران قیمت باشند بلکه ارزش در این است که همه چیز تمیز، منظّم و مرتّب باشد. البتّه باید توجّه داشته باشیم که در اسلام پاکی و طهارت با تمیزی فرق می کند بنابراین علاوه بر تمیزی باید پاک هم باشیم.

۱- ۱. میزان الحکمه، جلد ۴، حدیث ۱۰۳۱۴، ص ۳۳۰۲.

چیزهای نجس را باید پاک کرد. بعضی فکر می کنند اگر پارچه مرطوبی را روی فرش یا زمین نجس بکشند پاک می شود و یا با ریختن مقداری آب و جمع کردن آن آب ها، چیز نجس پاک می شود، این گونه نیست.

تطهیر و پاکسازی اشیاء نجس آداب خاصّی دارد که می توان به آسانی آن را فرا گرفت.

قبل از تطهیر، عین نجاست را از چیز نجس برطرف می کنیم آن گاه آن را با آب به روشی که خواهیم گفت تطهیر می کنیم:

تطهیر ظروف

با آب کُرّ، جاری و چاه: یک بار در آب فرو می بریم و بیرون می آوریم.

با آب لوله (وصل به کر یا جاری): آن را زیر شیر آب می گیریم تا آب به همه جای آن برسد و از ظرف جدا شود.

با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده خالی می کنیم و یا سه مرتبه مقداری آب داخل آن می ریزیم و هر مرتبه آب را طوری داخل آن می گردانیم که به جاهای نجس برسد و بیرون می ریزیم. البتّه ظرفی را که سگ آن را لیسیده و یا از آن مایعی نوشیده است باید قبل از تطهیر با خاکّ پاک، خاکمالی کرد آن گاه بنابر احتیاط واجب دومرتبه آب کشید.(۱)

تطهیر غیرظروف

غیر ظروف مانند لباس و فرش را به طریق زیر تطهیر می کنیم:

با آب کُرّ، جاری و چاه: یک مرتبه در آب فرو می بریم و بیرون می آوریم و اگر آب را به خود می گیرد و قابل فشردن است بنابر احتیاط

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۵۰، ۱۵۵ و ۱۵۹.

واجب آب را داخل آن می رسانیم و آن را خارج می کنیم.

بـا آب لوله (وصل به کُرّ یا جاری): یک مرتبه زیر شـیر آب می گیریم و یا شـلنگ آب را روی آن می گیریم و اگر آب را به خود می گیرد و قابل فشردن است بنابر احتیاط واجب آب را داخل آن می رسانیم و خارج می کنیم.

بـا آب قلیـل: اگر بـا بـول نجس شـده آن را دو مرتبـه و اگر بـا چیز دیگری نجس شـده آن را یـک مرتبه می شـوییم. و در هر صورت اگر آب را به خود می گیرد و قابـل فشـردن است بایـد بعـد از هر بار شسـتن آن را بفشاریم تا آب های داخلش بیرون بیاید و یا به گونه ای دیگر آب را بگیریم.

توجّه:

غیر ظروف، اگر به بول پسـر بچه شـیرخواری که غـذاخور نشـده نجس شونـد، اگر یـک مرتبه آب روی آن بریزیم که به تمام جاهای نجس برسد پاک می شود و در فرش و لباس و مانند آن، فشار دادن هم لازم نیست.(۱)

لباسشویی ها

ابتـدا عین نجاسـت را از لباس ها برطرف می کنیم، آن گاه لباس ها را داخل لباسـشویی می ریزیم اگر لباسـشویی پس از جمع شـدن مقداری آب در مخزن، آبش قطع می شود و شـروع به شسـتن می کند باید دوبار آن را بشوید و هر دفعه آب آن خارج گردد و اگر آب لباسشویی قطع نمی شود یک بار شستن کافی است.(۲)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱ و ۱۶۲.

۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، ص ۱۹۱ و ۱۲۰، سؤال ۳۲۷ و ۳۲۸.

درباره لباسشویی های عمومی به این دو نکته توجّه کنیم:

۱. اگر لباس را پاک تحویل داده ایم ولی شکّ داریم که نجس شده است یا نه، پاک است.

۲. اگر لباسمان نجس بوده و متصدّی شُستن که مسلمان است بگوید آن را تطهیر کرده ام، حکم لباس پاک را دارد.

خشک شویی ها

لباسی را که نجس است نباید داخل خشک شویی انداخت باید ابتدا خودمان یا متصدّی خشک شویی آن را تطهیر کند و داخل دستگاه بیندازد. چون خشک شویی با موادّ شیمیایی مانند بنزین و سایر موادّ پاک کننده، لباس ها را تمیز می کند و با آب و شستن سر و کار ندارد. بنابراین:

۱. اگر لباس پاک خود را تحویل خشک شویی دادیم و شکّ کردیم که آیا در دستگاه نجس شده است یا نه، آن لباس، پاک است.

۲. اگر یقین پیدا کنیم که لباس ما با لباس های نجس مخلوط شده، لباس ما نجس است.

۳. اگر لباس ما نجس بوده و فراموش کرده ایم که به متصدّی خشک شویی تذکّر دهیم باید از او بپرسیم چنانچه آن را تطهیر نکرده باشد، نجس است.(۱)

تطهیر جامدات

اگر گندم، برنج، گوشت، صابون و چیزهای جامد دیگر نجس شوند:

۱. اگر فقط ظاهر آن ها نجس شده باشد، تطهیر آن ها همانند ظروف نجس انجام می پذیرد.

۱- ۱. استفتائات، جلد ۱، ص ۱۲۱، سؤال ۳۳۰، ۳۳۱ و ۳۳۲.

۲. اگر نجاست به درون آن ها هم رسیده باشد، قابل تطهیر نیستند.

۳. اگر شکّ داریم نجاست به باطن آن ها رسیده است یا نه، تطهیر ظاهر آن ها کافی است.(۱)

تطهیر زمین نجس

بـا آب کُرّ، جـاری و لوله: ابتـدا عین نجـاست را برطرف می کنیم آن گـاه آب را روی آن می گیریم تـا تمام جاهای نجس را فراگیرد.

با آب قلیل: اگر زمین سخت و محکم نیست و آب را فرو می گیرد قابل تطهیر نیست ولی اگر آب بر آن جاری می شود، آب قلیل را روی محلّ نجس می ریزیم تا آب، جاری شود، آن گاه آب را به داخل چاه و فاضلاب هدایت می کنیم.

زمینی که روی آن شن یا ریگ است با آب قلیل پاک می شود ولی زیر شن ها و ریگ ها نجس می ماند.(۲)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۶۴، ۱۶۵ و ۱۶۶.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۹ و ۱۸۰.

۷ پاکسازی بدن

وَاللّه ُیُحِبُّ الْمُطَّهِّرینَ.(۱)

و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد.

بهشت سراسر پاکی و قداست است و بهشتیان همه پاک اند آنان پاکی را از این دن_یا به ارم_غان برده اند. میل به طهارت و پاکی امری فطری اس_ت، همه به ویژه دوش_یزگان و بانوان دوس_ت دارن_د پاک و پاکیزه باشند.

اگر آدمی در همین انـدام و زنـدگی دنیـا خلاـصه می شـد، پاکیزگی او به همین شسـتشوی عادی بود؛ ولی او علاوه بر انـدام، روح لطیف و پـاک خواه دارد و زنـدگی او بـا پایـان یافتن دنیا به شـکلی زیباتر، لطیف تر و برتر ادامه می یابـد از این رو برای تحصیل طهارت و پاکی باید همه جانبه عمل کند تا روح او نیز پاک گردد و گستره پاکیزگی او آخرت را هم فراگیرد.

اسـلام که به خـوبی، آدمی و نیازهـای فطری او را می شـناسد، برای پـاکیزگی روح و انـدام او راه هـایی را ارائه داده است که یکی از آن ها «غسل»

۱- ۱. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

است. غسل تنها شستن انـدام نیست بلکه یک امر معنوی و عبادی است از این رو بایـد همراه با نیّت «اطاعت دسـتور خداونـد» باشد.

غسل های واجب

اشاره

غسل های واجب دو دسته اند:

۱. غسل هایی که بر دختران و پسران واجب می شوند که عبارتند از: غسل جنابت، غسل مسّ میّت و غسل میّت.

۲. غسل هایی که ویژه دختران و بانوان هستند که عبارتند از: غسل حیض، غسل استحاضه و غسل نّفاس.(۱)

غسل مسّ میّت

اگر انسان جایی از بـدن خود را به مُرده ای که بـدنش سـرد شده و هنوز غسـلش نداده اند، برساند باید غسل مسّ میّت کند و برای انجام کارهایی که به وضو نیاز دارند، وضو هم بگیرد.(۲)

روشن بینی

با قدم نهادن به دوران سبز بلوغ جنسـی دنیایی شیرین، لذیذ و در عین حال شگفت و رؤیاگونه در برابر چشمان نوباوگان ظاهر می شود. در این دوره ویژگی های جنسی و ترکیب و تناسب اندام کاملاً مشخّص و نمایان می گردد.

میـل و غریزه جنسـی که خداونـد آن را برای تشـکیل یک خانواده گرم و صـمیمی، در انسان به ودیعت نهاده است، شـکوفا و شکوفاتر می گردد.

در این دوران حسّاس مواظبت و مراقبت از آرزوها، میل ها و

۱- ۱. توضیح المسائل، بعداز مسأله۳۴۴.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۵۲۱ و ۵۳۰.

خواسته ها در پرتو تعالیم نجات بخش اسلام، لازم و ضروری است.

چه بسا دختـرانی که تحت تـأثیر محیـط هـای آلوده و برنـامه هـای فسـادانگیز قرار گرفته و کرامت خود را فراموش کرده و به پشیمانی ابدی دچار شده اند.

غرب که می کوشد فرهنگ و تمدّن خود را بر نوجوانان و جوانان ما غالب کند، دختران و دوشیزگان را به دنیایی پر از تیرگی ها و سرگردانی ها کشانده است و خود نیز به این معترف است.

اسـلام از مـا می خواهـد که به خصوص در این ایّـام از هرگونه برنـامه و حتّی خیـالی که غریزه جنسـی را تحریک می کنـد به شدّت بپرهیزیم.

اسـلام از دختران پاک و معصوم می خواهـد که در اوّلین وقت ممکن ازدواج کنند و از حوادث ناگوار روزگار خود را نجات دهند.

جنابت

اگر منی از انسان خارج شود چه در خواب باشـد و چه در بیـداری، انسان «جُنُب» می شود البتّه از راه آمیزش حلال یا حرام نیز انسـان جُنُب می شـود.(۱) بنـابراین تـوجّه بـه ایـن نکتـه لازم اسـت کـه ممکـن است دختـران نیز به واسـطه خروج منی، جنب شوند.(۲)

در تاریخ آمده است:

زنی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمد و با شرم و حیا پرسید:

اگر زنی در خواب آنچه را که مردان می بینند ببیند حکمش چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: آیا همراه با لذّت است؟

زن گفت: آری.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۳۴۵.

۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، ص ۵۰، سؤال ۹۰ و ۹۱.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: آنچه بر مردان است بر او نیز هست (باید غسل جنابت کند)(۱).

بنابراین اگر کسی یقین کند که آنچه بیرون آمده منی است باید غسل کند و اگر یقین ندارد، چنانچه رطوبتی که از او خارج شده همراه با شهوت باشد حکم منی را دارد و باید غسل جنابت کند و اگر این نشانه را نداشته باشد و یا شکّ کند که این گونه بوده است یا نه، غسل بر او واجب نیست.(۲)

بنابراین ترشّحات سفید رنگ و سایر ترشّحات و آب ها، همگی پاک اند و نباید زمینه وسواس ما را فراهم سازند.(۳)

آداب ویژه غسل

به دو روش می توان غسل کرد:

۱. ترتیبی

به نیّت غسل ابتدا سر و گردن را می شوییم، سپس نیمه راست بدن، و بعد از آن نیمه چپ بدن را.

۲. ارتماسی

به یکی از دو روش زیر غسل می کنیم:

* یا به نیّتّ غسل به تدریج زیر آب می رویم تا تمام بدن در آب قرار گیرد. هر چند احتیاط آن است که یکدفعه زیر آب رویم.

* و یا زیر آب رفته و در آب به نیّت غسل، بدن را تکان می دهیم.

ص: ۵۸

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۷۸، ص ۵۹.

۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، ص ۵۰ و ۵۳، سؤال ۹۰، ۹۱، ۱۰۳ و ۱۰۴.

۳- ۳. استفتائات، جلد ۱، ص ۵۳.

احکام غسل

با کیفیّت غسل کردن آشنا شدید، در این جا به برخی نکته های مهمّ اشاره می کنیم:

۱. چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید برطرف کنیم و اگر پیش از این کار غسل کنیم، غسل، باطل است.(۱)

۲. در غسل، باید آب بر بدن جاری شود و به تمام آن برسد ولی دست کشیدن لازم نیست.(۲)

۳. شستن قسمت داخلی لاله گوش و نیز بین انگشتان پا واجب است ولی شستن جاهایی که دیده نمی شوند مانند داخل گوش و بینی واجب نیست.

۵. هنگام غسل پای خود را از زمین برداریم تا کف پا هم آب برسد و شسته شود.

۶. اگر در بین غسل کردن کاری که وضو را باطل می کند از انسان سر زند، غسل او باطل نمی شود. ولی برای نماز باید وضو بگیرد.(۳)

۷. اگر کسی شکّ دارد که غسل کرده است یا نه، واجب است غسل کند.

۸. کسی که غسل کرده و پس از غسل شکّ می کند که غسل او صحیح بوده یا نه، لازم نیست دوباره غسل کند.(۴)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۳۷۷.

۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، ص ۵۶، سؤال ۱۱۷ و ۱۱۹.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۳۸۶.

۴- ۴. توضیح المسائل، مسأله ۳۸۵.

۸ پدیده قاعدگی

اشاره

یَسْـءَلُونَکَ عَنِ الْـمَحیضِ قُلْ هُوَ اَذًیً(۱)

(ای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم) از تو درباره عادت ماهانه (زنان) می پرسند، بگو: «آن، یک نوع رنج است.»

صدای گریه نوزاد، تبسّم های نمکین، چنگ زدن ها و خوشمزگی هایش؛ همه چیزش زیبا و دوست داشتنی است.

او به یک «روح لطیف» نیاز دارد تا زیبایی هایش را درک کند.

یک «عاطفه عالی» که او را با مهر بپروراند.

و یک «احساس سرشار» که خواسته هایش را لمس کند.

او به یک «مادر» نیاز دارد.

این مادر است که با عشق و علاقه، رنـج و زحمتّ بارداری او را تحمل می کند. عادت ماهانه یا قاعدگی، اعلان آمادگی برای پرورش جنین و مادر شـدن است. این پدیده تازه و کاملاً طبیعی معمولاً در سـنین ۱۲ یا ۱۳ سالگی برای دختران پیش می آید سطح داخلی رحم کنده می شود؛ ابتدا

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۲۲۲.

عروق منقبض و سپس منبسط شده خونریزی شدید آغاز می شود و لایه ها در اثر نداشتن خون و از پا درآمدن کننده شده خارج می گردد، امّا خونی است که لخته نمی شود و به طور متوسّط تا روز چهارم زیاد است، حرارت بدن در نیمه دوم قاعدگی بیشتر ولی فشار خون کمتر است.

در این ایّام زن، بیمار نیست ولی ممکن است کم خون و عصبانی باشد و نتواند به خوبی کارهایش را انجام دهد. او نیاز به عواطف پدرانه و مادرانه دارد.(۱) البتّه چنانچه او به این حقیقت آگاه باشد که قاعدگی هرگز حالت بیماری نیست بلکه کاملاً طبیعی و برای بدن او لازم است، بی شکّ می تواند طبق معمول و بدون ناراحتی و نگرانی به کارهای روزانه خود بپردازد بدون آن که حتّی اطرافیان او متوجّه شوند، ولی توجّه به نظافت و جلوگیری از کارهای سنگین و خسته کننده در دوران قاعدگی بیش از هر زمان ضرورت دارد.(۲)

به خونی که در ایّام قاعدگی دیده می شود «خون قاعدگی» یا «خون حیض» گفته می شود. این خون دارای نشانه های زیر است:

۱. سُرخ و بعضی اوقات مایل به سیاه است.

۲. غالباً گرم بوده و با فشار و سوزش همراه است.

۳. مدّت آن از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نیست.

۴. خونریزی در سه روز اوّل به طور مستمرّ می باشد.

۵. فاصله دو حیض حدّاقلّ ده روز می باشد.

۶. حدّاقلّ سنّ برای قاعدگی ۹ سال قمری و حدّاکثر سنّ برای بانوان سیّده ۶۰ سال قمری و برای دیگران ۵۰ سال قمری است.(۳)

۱- ۱. ازدواج، شهید دکتر پاک نژاد، جلد ۲، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۲- ۲. دانستنیهای پزشکی برای زنان، دکتر کریم توکّلیان، ص ۲۴ و ۲۵.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۰ و ۴۴۱.

تشخیص کامل

زن خونریزی های دیگری نیز دارد مانند «خون استحاضه» و «خون نفاس». از این رو برای تشخیص کامل خون حیض باید دقّت های زیر را بکار بندد:

چهار گروه از بانوان باید دقّت کنند اگر خونی را که می بینند نشانه های خون حیض را داراست باید آن را حیض به حساب آورند، وگرنه حیض نیست.

۱. کسانی که برای اولین بار خونریزی آن ها شروع شده است.

۲. کسانی که خونریزی آن ها سابقه دارد ولی هنوز تعداد روزها و زمان آن مشخّص و منظّم نیست.

۳. کسانی که تنها تعداد روزهای خونریزی آن ها مشخّص و معیّن است.

۴. کسانی که خونریزی آن ها مشخّص و منظّم بوده ولی اکنون آن نظم را فراموش کرده اند.

دو گروه دیگر از بانوان، از ابتدای خونریزی باید آن را حیض به حساب آورند.

۱. کسانی که تعداد روزها و زمان خونریزی آن ها مشخّص و منظّم است.

۲. کسانی که تعداد روزهای خونریزی آن ها مشخّص نیست ولی وقت آن منظّم است.(۱)

ص: ۶۳

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۵۰۰.

مقرّرات ایّام قاعدگی

دوران قاعدگی دو مشخّصه دارد: یکی آلودگی جسمی و دیگری ناراحتی روحی.

دین مقدّس اسلام برای هر دوی این مشخّصه ها، تدابیری اندیشیده است.

۱. زن را با آلودگی جسمی که دارد از برخی حریم ها دور کرده است مثلاً کارهایی را که بر جُنُب حرام است بر او نیز حرام کرده است.

۲. زن را با ناراحتی روحی که دارد از برخی عبادات موقّتاً و یا به طور کلّی معاف داشته است مثلاً نماز را به طور کلّی از عهده او برداشته است. هم چنین او را از روزه گرفتن معاف داشته ولی قضای آن روزه ها را بر او واجب کرده است.(۱)

* زن در ایّام قاعدگی نسبت به شوهرش وظایفی دارد که می توان با رجوع به توضیح المسائل آن ها را فراگرفت.(۲)

پایان قاعدگی

زن پس از پایان یافتن ایّام قاعدگی به حالت عادّی برمی گردد، ولی برای انجام عبادات و وظایف شرعی باید نخست «غسل حیض» را انجام دهد.

۱. غسل حیض مانند بقیه غسل ها انجام می گیرد، تنها نیّت آن فرق می کند.

۲. پس از غسل حیض، برای نماز باید وضو بگیرد.(۳)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۴۵۰ و ۴۶۹.

۲- ۲. رجوع شود به احکام حائض، مسأله ۴۵۰ به بعد.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۴۶۶.

۹ دوره نفاس

اشاره

وَوَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ اِحْسانًا حَمَلَتْهُ اُمُّهُ کُرْهًا وَوَضَعَتْهُ کُرْهًا.(۱)

و انسان را به نیکی به پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش با تحمّل رنج و سختی به او باردار شد و با تحمّل رنج و سختی او را به دنیا آورد.

سرانجام پس از نه ماه و چند روز رنج و سختی، همراه با شیرینی انتظار، کودک پا به دنیای تازه ای می گذارد. مادر با دیدن او همه سختی های دوران بارداری و وضع حمل را به فراموشی می سپارد.

با به دنیا آمدن نوزاد در محلّ اتّصال جفت در رحم، پس از خارج شدن جفت، زخم های سطحی باقی می ماند که به زودی طی روزهای بعد از زایمان التیام می یابند، ترشّحاتی که در اثر این زخم ها حاصل می شود در اوایل، خون آلود و سپس قهوه ای رنگ می باشد و کم کم در اثر التیام کم رنگ تر و بالاخره طبیعی می شود.(۲)

به خونی که هنگام زایمان و پس از آن بیرون می آید «خون نفاس»

۱- ۱. سوره احقاف، آیه ۱۵.

۲- ۲. دانستنیهای پزشکی برای زنان، دکتر کریم توکّلیان، ص ۴۸.

می گویند.

البتّه خون نفـاس ممکن است یک لحظه و گاهی تا ده روز دیـده شود. اما خونی که پس از ده روز دیـده می شود خون نفاس نیست.(۱)

احکام نفاس

در دوران نفـاس بایـد همان مقرّرات دوران قاعـدگی را مراعات کرد.(۲) امـا پس از قطع شـدن خون نفاس بایـد «غسل نفاس» کرد و از آن حالت بیرون آمد. البتّه در برخی مناطق مرسوم است که زن پس از هفت یا ده روز، غسل می کند و قبل از آن هر چند خونریزی پایان یافته باشد غسل نمی کند، این رسم باطلی است و ریشه دینی ندارد.(۳)

غسـل نفـاس هماننـد غسـل حیض انجـام می شود، تنها در نیّت تفاوت دارد و کفایت از وضو نیز نمی کند(۴)، یعنی برای نماز باید وضو بگیرد.

خون استحاضه

اشاره

خون اسـتحاضه مربوط به بلوغ و بعد از آن نیست بلکه ممکن است پیش از بلوغ، و هم چنین در «دوران یائسگی» که دیگر زن غالباً باردار نمی شود و خون قاعدگی و نفاس نمی بیند، مشاهده گردد.

راه های تشخیص

در دو مورد زیر به احتمال بسیار قویّ خون، خون استحاضه است البتّه اگر خون، ناشی از زخم یا نفاس نباشد.

۱. خونی که قبل از بلوغ و پس از یائسگی دیده می شود.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۵۱۱.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۵۱۳.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۵۱۵.

۴- ۴. توضیح المسائل، مسأله ۳۹۱.

۲. خونی که کمتر از سه روز جریان می یابد.(۱)

برای تشخیص خون استحاضه باید به نشانه های آن توجّه کرد: خون استحاضه غالباً زردرنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش می آید و غلیظ نیست.(۲)

اقسام استحاضه

جریان خون استحاضه همیشه یکسان نیست؛ گاهی کم، گاهی زیاد و گاهی متوسّط است که هر کدام احکام ویژه ای دارد.

۱. استحاضه قلیله (جریان کم)

خون، تنها یک طرف پنبه بهداشتی را آلوده می کند ولی از طرف دیگر ظاهر نمی شود. در این صورت فقط باید بدن را تطهیر کرد بنابر احتیاط واجب پنبه را عوض کرد، نماز را با وضو خواند، و روزه گرفتن هم صحیح است.(۳)

۲. استحاضه متوسّطه (جریان متوسّط)

خون دو طرف پنبه بهداشتی را آلوده می کند ولی به دستمال بهداشتی نمی رسد. در این جا هر شبانه روز یک بار برای همان نمازی که پیش از آن خون دیده غسل می کند، برای نمازها وضو می گیرد، روزه گرفتن او (به شرط انجام غسل) مانعی ندارد. البتّه پس از پایان یافتن خونریزی هم باید غسل کند.(۴)

۱- ۱. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۵۰۱.
۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۳۹۲.
۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۳۹۳ و ۳۹۴.
۴- ۴. توضیح المسائل، مسأله ۳۹۳، ۳۹۵ و ۴۱۲.

۳. استحاضه کثیره (جریان زیاد)

خون از پنبه می گذرد و به دستمال بهداشتی سرایت می کند. در این هنگام قبل از هر نماز باید غسل کرد.

البتّه اگر بین نماز ظهر و عصر، و بین مغرب و عشاء را فاصله نیندازد، یک غسل برای دو نماز کافی است.(۱)

نکته های مهمّ

در جریان متوسّط و زیادّ خون باید به این نکته ها توجّه داشت:

۱. برای هر نماز بدن، پنبه و دستمال بهداشتی از خون استحاضه پاک باشند.

۲. پس از وضو یا غسل تا حدّی که امکان دارد و بیم ضرر ندارد باید از بیرون آمدن خون جلوگیری کرد.

توجّه:

دختران باید با مطالعه و استمداد از مربّیان و مادر یا خواهر بزرگ خود برداشت درستی از خون قاعدگی و استحاضه داشته باشند تا دچار تصوّرات عجیب و غریب و در نتیجه گوشه نشینی و دلهره و سردرگمی نگردند و از انجام وظایف خود باز نمانند.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۳۹۳ و ۳۹۶.

۱۰ در اوجِ آسمان ها

یآا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا اِذا قُمْتُمْ اِلَی الصَّلوهِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَکُمْ وَاَیْدِیَکُمْ اِلَی الْمَرافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُوءُسِکُمْ وَاَرْجُلَکُمْ اِلَی الْکَعْبَیْنِ.(۱)

ای کسانی که ایمان آورده ایـد چون به [قصد] نماز برخیزید، صورت و دست هاتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی مسح کنید.

آن شب چه زیبا با من سخن می گفت.

آهنگ کلامش مثل علی بود.

ای محمّد! دستت را بلند کن می خواهم چیزی را که از ناحیه راست عرشم جاری است به تو بدهم.

و آب فرو ریخت.

دست راستم را بلند کردم و قدری از آن آب را برگرفتم.

سپس ندا آمد: ای محمّد! با آبی که گرفتی صورتت را بشوی؛ چرا که می خواهی با آن به عظمت من نگاه کنی.

۱- ۱. سوره مائده، آیه ۶.

سپس دست راست و چپ خود را از آرنـج بشوی؛ چرا که می خواهی بـا آن دو، کلاـم مرا بگیری، آن گاه با آنچه در دسـت بـاقی مانـده سـرت را و دو پـایت را تا برآمـدگی مسـح کن؛ چرا که من می خواهم برکت را بر تو فرود آرم و گام هایت را بر جایی بگذارم که احدی پیش از تو به آنجا گام ننهاده و پس از این هم، نخواهد نهاد.(۱)

تنهـا این شب معراج نبـود که خداونـد وضـو را به من تعلیم داد. در زمین هم، همـان اوائلی که به نبوّت برگزیـده شـدم، روزی جبرئیل بر من فرود آمد.

جامی لبریز از آب از آسمان برایم آورده بود.

به من گفت: ای محمّد! برخیز و برای نماز وضو بگیر. آن گاه وضو گرفتن را از ناحیه خدا به من تعلیم داد.(۲)

وضو

وضوی مستحبّی

وضو، نور است و مستحبّ است همیشه و در همه حالات با وضو باشیم به چند نمونه از وضوهای مستحبّی توجّه کنیم:

۱. وضو برای خواندن قرآن و همراه داشتن آن.

۲. وضو برای ورود به مساجد و مشاهد مشرّفه و زیات ائمّه معصومین علیهم السلام .

۳. وضو گرفتن شخص جنب برای خوردن، آشامیدن و خوابیدن.

۴. وضو گرفتن در ایّام قاعدگی برای نشستن در محلّ نماز و خواندن ذکر(۳).

ص: ۷۰

۱- ۱. علل الشّرائع، جلد ۲، ص ۵.

۲- ۲. کشف الغُمّه، جلد ۱، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۳- ۳. العروه الوثقی، جلد ۱، ص ۱۳۶، ۱۳۷ و ۱۳۸.

وضوی واجب

برای خوانـدن نمازهای واجب بایـد وضو بگیریم، هم چنین تماس برقرار کردن با نام خـدا و نوشـته قرآن و بنابر احتیاط واجب نام ائمّه معصومین علیهم السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام بدون وضو حرام است. بنابراین به دو نکته توجّه کنیم:

۱. اسـتفاده کردن از گردن بنـدها و انگشترهـایی که نـام خـدا و آیات قرآن و نام ائمّه معصومین علیهم السـلام در آن ها نقش بسته است، اشـکالی نـدارد ولی شخصـی که وضو نـدارد نبایـد به آن قسـمت ها دست بزنـد و یا بدنش با آن ها تماس برقرار کند.(۱)

۲. بعضـی فکر می کننـد شب زفاف و عروسـی، نماز خواندن از عهده عروس برداشـته می شود چون اگر بخواهد وضو بگیرد، آرایش او بـه هـم می ریزد، ایـن فکر ریشـه مـذهبی نـدارد نمـاز خوانـدن بر عروس واجـب است، او می توانـد قبـل از رفتن به آرایشگاه وضو بگیرد و نماز مغرب و عشاء را با همان وضو بخواند.

برطرف کردن موانع

اگر یقین داریم مـانعی از رسـیدن آب به اعضـای وضـو هست یـا شـکّ داریم که این چیزی که در اعضـای وضو هست، مـانع هست یا نه، واجب است آن را برطرف کنیم، آن گاه وضو بگیریم بنابراین:

۱. اگر بر اعضای وضو، لاک، کرم و موادّ آرایشـی باشـد، در صورتی که جِرم دارنـد و یا در اثر چربی مانع از رسـیدن آب به اعضای وضو هستند و یا شکّ داریم که مانع هستند یا نه، واج_ب است آن ها را ب_رطرف کنیم.

۲. برخی ناخن های خود را بلندتر از حدّ معمول می گذارند، این افراد

ص: ۷۱

۱- ۱. استفتائات، جلد ۱، ص ۴۷، سؤال ۸۱.

باید توجّه داشته باشند که هنگام وضو اگر در زیر آن مقدار اضافی چرک هست واجب است آن را برطرف کنند.(۱)

محلّ وضوی بانوان

دختران و بانوان باید دور از چشم نامحرمان وضو بگیرند و باید از وضو گرفتن در محلّ هایی که مردها آمد و شد دارند اجتناب کنند.

به این نکته نیز توجّه کند که نامحرم، نامحرم است چه غریبه باشد و چه آشنا و فامیل. بنابراین در خانه ها نیز باید این نکته را رعایت کرد؛ و از وضو گرفتن در برابر چشم نامحرمان خودداری کرد.

کیفیّت وضو

اگر از ما بپرسند که چگونه وضو می گیرید به طور خلاصه می توان گفت: ابتدا صورت آن گاه دست راست و پس از آن دست چپ خود را می شوییم سپس با رطوبتی که از شستن دست بر کف مانده است سر را مسح می کنیم بعد پای راست و در پایان پای چپ را مسح می کنیم.

این تصویر کلّی از وضوست ما به برخی نکته های مهمّ درباره وضو اشاره می کنیم:

شستن اعضای وضو

هنگام وضو، لازم نیست صورت و دست ها خشک باشند ولی اگر پیش از وضو دست دها را شسته ایم باید هنگام وضو از آرنج تا نوک انگشتان را بشوییم وگرنه وضو، باطل است.(۲)

۱- ۱. استفتائات، جلد ۱، ص ۳۶، سؤال ۴۰ و ۴۱ و ۴۲.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۲۴۷.

اعضای مسح

۱. اعضای مسح باید خشک باشند.

۲. اگر یک بار مسح کشیدیم و شکّ کردیم که مسح ما کامل بودیا نه می توانیم آن محلّ را خشک کنیم و از نو مسح کنیم. امّا نباید فاصله مسح اوّل و دوم به قدری باشد که از حالت وضو خارج شود.

۳. احتیاط این است که وقتی دست رطوبت دارد از سایر اعضای وضو رطوبت نگیریم، مثلاً دست به صورت نکشیم و سپس مسح کنیم.(۱)

مسح سر

۱. قسمت جلوی سر که بالای پیشانی است محلّ مسح سر می باشد.

۲. لازم نیست مسح بر پوست سر باشد ولی اگر موهای جلو سر به قدری بلند است که اگر آن ها را شانه کنیم روی صورت می ریزند، باید موی سر را کنار بزنیم و پوست یا بیخ موها را مسح کنیم.

۳. به موهایی که از سایر قسمت های سر به جلو سر آورده ایم نمی توان مسح کرد.

۴. هنگام مسح سر، اگر مسح را تا پیشانی بکشیم و دستمان به رطوبت پیشانی برخورد کند وضو، باطل نمی شود ولی با این رطوبت نمی توان پا را مسح کرد بلکه باید از رطوبت سایر قسمت های کفّ دست کمک گرفت.(۲)

مسح پاها

۱. مسح پا لازم نیست از نوک انگشت بزرگ شروع شود بلکه از هریک از انگشتان که شروع شود صحیح است.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۵۶.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۲۵۱.

۲. مسح بر روی جوراب هرچند که نازک باشد و رطوبت به پا برسد، صحیح نیست.(۱)

بطلان وضو

هفت چیز وضو را باطل می کند که با بیشتر آن ها آشنا هستید. ما به دو مورد آن اشاره می کنیم:

۱. کاری که برای آن باید غسل کرد.

۲. استحاضه.(۲)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۵۲ و ۲۵۹.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۳۲۳.

۱۱ انتظارِ سبز

از مهالـک در دو عـالم این صَـِلات اهـل خود را می دهـد بی شـکّ نجات(۱) نـامه را بـا اشـک شوق گرفتم. مثـل این بود که جبرئیل از آسمان نامه ای برایم آورده باشد.

مدّت ها انتظار فرا رسیدن این لحظه های خوش و معطّر را کشیده بودم.

نامه را بر دیدگانم کشیدم و آن گاه با اشتیاق آن را گشودم.

خطّ و امضای آن درست بود، امام رضا علیه السلام به همه سؤال هایم پاسخ داده بودند:

(ای محمّدبن سنان)... این که پرسیده ای چرا نماز، واجب شده است باید بگویم حکمت های فراوانی دارد:

نماز، اقرار به ربوبیّت خداوند عزیز و بلندمرتبه است و هر گونه مثل و مانندی را از او نفی می کند.

ص: ۷۵

۱- ۱. دیوان اشعار رجاء اصفهانی، ص ۲۴.

نماز، ایستادن در پیشگاه خداوند است با ذلّت و مسکنت و خضوع و اعتراف.

نماز، پشیمان شدن از گناهان گذشته و درخواستّ بخشیدن آن ها از سوی خدا است.

گذاشتن چهره بر زمین است برای بزرگداشت خداوند...

با نماز، فروتن هستی و افزونی در دین و دنیا را خواهانی.

با نماز، از گناهان بیزار می شوی و مُدام به یاد خدا هستی.

با نماز، آقا و مدبّر و آفریننده خود را فراموش نمی کنی، در نتیجه در عیش و خوشگذرانی ها فرو نمی روی و طغیان نمی کنی.

با یاد خدا و ایستادن در مقابل او از گناهان و انواع فسادها و آلودگی ها بازداشته می شوی.»(۱)

نماز

احکام نماز

بخشی از احکام نماز را پیش از این فرا گرفته اید. اینک به ذکر چند نکته در این باره می پردازیم.

پوشش نماز

دختران و بانوان هنگام نماز باید تمام بدن خود را بپوشانند، خواه کسی آن ها را ببیند و خواه نبیند. البتّه پوشاندن سه قسمت از بدن واجب نیست اگرچه بهتر است آن قسمت ها را نیز بپوشانند:

۱. صورت

۲. دست ها تا مچ

۳. پاها تا مچ

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۷۹، ص ۲۶۱ و ۲۶۲.

نکته های مهمّ:

۱. پوشاندن مقداری از صورت که هنگام وضو گرفتن باید شسته شود، لازم نیست.

۲. برای آن که یقین پیدا کنیم که مقدار واجب را پوشانده ایم باید مقداری از اطراف صورت و زیر چانه را بپوشانیم و هم چنین مقداری پایین تر از مچ دست ها و پاها را نیز بپوشانیم.

۳. اگر نامحرمی شاهد نماز خواندن ماست باید پاها را نیز بپوشانیم و اگر دست و صورت ما زیور و زینتی دارد باید آن ها را نیز از او بپوشانیم و اگر نامحرم به قصد لذّت به ما نگاه می کند اگرچه دست و صورت ما زیور و زینتی نداشته باشد باید آن ها را نیز از نامحرم بپوشانیم.(۱)

بدن و لباس نمازگزار

بدن و لباس نمازگزار باید پاک باشد؛ بنابراین:

۱. اگر ذرّه ای خون حیض یا نفاس در بدن یا لباس نمازگزار باشد نماز او باطل است.

۲. بنابر احتیاط واجب باید خون استحاضه در بدن یا لباس نمازگزار نباشد.

۳. غیر از خون حیض، نفاس و استحاضه اگر خونی در بدن یا لباس نمازگزار باشد در صورتی که کمتر از (اندازه یک سکّه دو ریالی) باشد اشکال ندارد.

۴. کسی که ناچار است با بدن یا لباس نجس نماز بخواند مثلاً آب برای تطهیر ندارد، نماز او با بدن یا لباس نجس صحیح است.(۲)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۷۸۹.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۸۴۸ و ۸۵۵.

مکان نمازگزار

بهتر است دختران در خانه نماز بخوانند ولی با رعایت دو مسأله زیر نماز خواندن آن ها در مساجد فضیلت بیشتری دارد:

۱. کاملاً خود را از نامحرم بپوشانند.

۲. با رضایت ولیّ (پدر و جدّ پدری) باشد.(۱)

نمازی شکوهمند

در حجله نشسته است و غرق در امیدها و آرزوهاست. به جهانی زیبا و آراسته قدم نهاده است آینده ای سراسر روشن در دیدگان او جلوه می نماید.

چه کسی این همه لطافت و زیبایی را به من داد؟ و چه کسی من را فرشته اُنس خانواده قرار داد؟

چه کسی محبّت من را در قلب داماد جای داد؟ و...

باید برخاست و او را سپاس گفت، در برابرش تعظیم کرد و زبان به مدح و ثنایش گشود، باید برخاست و به نماز ایستاد. نماز واجب را مثل همیشه خواند، و نماز مستحبّی ویژه شب زفاف را نیز به شکرانه این همه نعمت به جای آورد. چقدر غافلند آنان که می گویند یک شب که هزار شب نیست، عروس اگر بخواهد نماز بخواند، آرایشش به هم می خورد و با لباس عروسی نمی تواند به رکوع و سجده رود. نه، هرگز چنین نیست می توان برنامه ها را به گونه ای تنظیم کرد که عروس پیش از آرایش، وضو بگیرد، تا نمازخواندن برای عروس ممکن گردد و نماز بخواند، نمازی شکوه مند در بحبوحه شادی ها.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۸۹۴.

۱۲ امامِ فرشتگان

در بدن داری اگر سوزِ حیات هست معراج مسلمان در صَلات(۱) برادرم جبرئیل مرا در آسمان ها همراهی می کرد، به سدره المنتهی که رسیدیم ناگهان صدای اذان را شنیدم. فرشته ای اذان می گفت که تا آن شب در آسمان ها دیده نشده بود.

او اذان می گفت و هر جمله ای از آن را که می گفت پروردگارم او را تصدیق می کرد.

به «حَیَّ عَلَی الصَّلاة» که رسید پروردگارم فرمود: «بنده من راست می گوید». هرکس از روی میل و رغبت به نماز بایستد و حقّ آن را ادا کند، این کفّاره گناهان گذشته او خواهد بود. و چون گفت: «حَیَّ عَلَی الْفَلاح» پروردگارم فرمود: نماز، صلاح و نجات و رستگاری است.

چون اذان تمام شد، جلو ایستادم و همه فرشتگان به من اقتدا کردند.

پیش از این در بیت المقدس هم به نماز ایستاده بودم و همه پیامبران به

۱- ۱. دیوان اقبال لاهوری، ص ۳۱.

من اقتدا کرده بودند.

و این جا چون از نماز فارغ گشتم از سر شوق و ارادت به پروردگارم مدهوش گشتم و به حالت سجده فرو افتادم(۱).

حضور قلب

مرغ خیـال لحظه ای نمی آسایـد، پیوسـته از شـاخه ای به شاخه ای دیگر پرواز می کنـد و نمازگزار را که در حال راز و نیاز با خداست می آزارد.

اگر بخواهیم مرغ خیـال خود را رام کنیم تـا در نمـاز، فکر و قلبمـان متوجّه نمـاز باشـد بایـد اعمال و رفتار روزانه خود را برای رضای خدا و براساس تعالیم نورانی اسلام تنظیم کنیم. با حضور قلب در نماز می توان به مدارج عالی بندگی بار یافت.

از فرزند امام نقل شده است که می گفت:

«شبی در ماه مبارک رمضان، من پشت بام خوابیده بودم. خانه ایشان یک خانه کوچک ۴۵ متری بود. بلند شدم دیدم که صدا می آیـد و بعد متوجّه شدم که آقاست که در تاریکی در حال نماز خواندن است و دست هایش را طرف آسـمان دراز کرده و گریه می کند.»(۲)

تکبیرهُ الاحرام

اَللّه ُاَکْبَرُ؛

خداوند بزرگتر است (از آن که در وصف بگنجد).

برای ورود به نماز، اَللّه ُاَکْبَر می گوییم یعنی خدا را از همه موجودات حسّـِی، عقلی، زمینی و آسمانی برتر می یابیم. دیگر دل از دنیا و مظاهر

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۷۹، ص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۲- ۲. فرازهایی از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی امام خمینی قدس سره ، ص ۷۰.

فریبنده آن می شوییم و همه چیز و همه کس جز او نزد ما کوچک می شوند.

اللّه اکبر، بیشترین ذکری است که هم در مقدّمات نماز و هم در خود نماز و هم در تعقیبات آن گفته می شود به طوری که یک مسلمان در طول یک شبانه روز تنها در نمازهای پنجگانه واجب حدود ۳۶۰ مرتبه آن را تکرار می کند.

سوره حمد

بِسْمِ اللّه ِالرَّحْمنِ الرَّحیمِ؛

بسم اللّه، سرآغاز کتاب وحی است. بسم اللّه، نه تنها در ابتدای قرآن که در آغاز تمام کتاب های آسمانی بوده است. بسم اللّه، سرلوحه عمل همه انبیاء بوده است. به زبان آوردن بسم اللّه در شروع هر کاری سفارش شده است.

امامان معصوم علیهم السلام اصرار داشتند که در نماز بسم اللّه را بلند بگویند تا جایی که بلند گفتن بسم اللّه از ویژگی های شیعه به حساب آمده است.

اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ؛

ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.

وقتی انسان در برابر عظمت بیکران خداوند قرار می گیرد و همه کمال ها و جمال ها و زیبایی ها را از او می یابد و او را پروردگار و مدبّر همه آفرینش می شناسد زبان به حمد و ستایش می گشاید حمد و ستایشی که در آن معنای پرستش نهفته است.

ما، در آغاز مکالمه خود با خدا شیرین سخن می گوییم و زبان به بیان خرّمی ها و کمالات او می گشاییم پس چه بهتر که در آغاز سخن گفتن با دیگران نیز چنین باشیم.

اَلرَّحْمنِ الرَّحیمِ؛

(خداوندِ) رحمت گرِ مهربان.

رحمن و رحیم هر دو از کلمه رحمت گرفته شده اند. رحمن، رحمت گسترده الهی است که همه انسان ها را شامل می شود و چون آفتابی است که بر خوب و بد، و زشت و زیبا می تابد ولی رحیم، رحمت ویژه ای است که به عنوان پاداش و نتیجه کارهای خوب تنها بر نیکوکاران نازل می شود.

مالِكِ یَوْمِ الدّینِ؛

مالك و فرمانروای روز جزا

یکی از نام های روز قیامت «یومُ الدّین» است یعنی روز کیفر و پاداش. خداوند هم مالك است و هم مَلّك. مالك است یعنی همه چیز در واقع برای اوست و مالکیّت دیگران اعتباری است. مَلّك است یعنی پادشاه و فرمانروای حقیقی است.

روز قیامت که پرده ها از جلو چشمان ما کنار می رود او را مالك و مَلّك خواهیم یافت وگرنه او هم در دنیا و هم در آخرت مالك و مَلّك است.

اِیّاکَ نَعْبُدُ وَ اِیّاکَ نَسْتَعینُ؛

تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم.

وقتی نمازگزار خداوند را همه کاره خود و جهان دانست و بدان اعتراف کرد، از جان و دل به او دل می بندد، تنها او را می پرستد و تنها از او یاری می جوید. او دیگر بنده طاغوت ها، بنده شرق و غرب و بنده زر و زور نمی شود و در برابر هیچ قدرتی سر کُرنش فرود نمی آورد.

اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیمَ ؛

ما را به راه راست راهبر باش!

کلمه صراط که بیش از ۴۰ بار در قرآن آمده است، به معنای راه هموار، روشن و وسیع است. ما از خدا می خواهیم که همه مسلمانان را به

بزرگراه سعادت هدایت کند؛ بزرگراهی که به راحتی ما را به خدا برساند.

کسی که می خواهد در صراط مستقیم قرار گیرد باید راه هوس های خود، راه هوس های مردم، راه طاغوت ها، و راه نادرست نیاکان و پیشینیان خود را کنار بگذارد و تنها در راه مستقیمی که توسّط انبیاء و امامان ترسیم شده است، حرکت کند.

صِراطَ الَّذینَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ؛

راه آنان که نعمتشان دادی.

نمازگزار این حقیقت را باور دارد که راه مستقیم، راهی است پیمودنی و پیش از او کسانی این راه را پیموده اند، لذا از خدا می خواهد که او را در زُمره آنان قرار دهد. آن ها کسانی هستند که خداوند آنان را مشمول نعمت های خود ساخته است.

قرآن، پیامبران، صدّیقان، شهدا و صالحان را از جمله کسانی می داند که از نعمت هدایت برخوردار شده اند.

و نمازگزار از خدا می خواهد که دنباله رو آنان باشد.

غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَ لاَالضّالّینَ؛

همانان که نه در خور خشم اند و نه گمراهان و گمگشتگان(اند).

نمازگزار در پایان سوره حمد از خدا می خواهد که جزء دو گروه نباشد و راه آنان را نپیماید.

۱. غضب شدگان، آنان که چون فرعون و قارون و ابولهب و چون قوم عاد و ثمود و بنی اسرائیل در برابر حقّ و حقیقت و دین و خدا جبهه گیری می کردند و مورد خشم او قرار گرفتند.

۲. گمراهان و گمگشتگان، آنان که حیران و سر در گم اند. نه راه انبیاء را برگزیده اند و از آنان جانبداری می کنند و نه راه مخالفان و معاندان را برگزیده اند آنان افرادی بی تفاوت، بی درد، و رفاه طلب هستند که به فکر

شهوت و شکم خود هستند و کاری به حقّ و باطل ندارند. مانند عابدان پس از حضرت عیسی یا عالم نمایان دنیادوست.

سوره توحید

این سوره سراپا از یگانگی خدا سخن می گوید از این رو «سوره توحید» نام گرفته است.

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ؛

به نام خداوند رحمتگرِ مهربان

قُلْ هُوَ اللّه ُ اَحَدٌ؛

بگو او خدایی است یکتا.

توحید که همان یگانه دانستن خداست، اساسی ترین اصل همه ادیان آسمانی است. توحید مرز میان ایمان و کفر است. او یکتاست یعنی دومی ندارد، شبیه و مثل و مانندی ندارد، جزء و عضوی ندارد.

کسی که توحید خدا را باور کند، دچار شرک و ریا نمی شود و همه کارهایش را برای او انجام می دهد.

اَللّه ُ الصَّمَدُ؛

خدای بی نیاز (پاک از عیب و پناه نیازمندان)

همه موجودات سرتا پا نیازند و در وجود و بقاء خود، به خدا نیازمندند، همه به او پناه می آورند و خود را پُر از عیب و نقص می یابند. کسی که تنها خدا را «صمد» می داند، و خود و دیگران را فقیر و نیازمند و بی پناه، جز به خدا تکیه نمی کند.

لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ؛

نه کسی زاده اوست و نه او زاده کسی است.

او سرچشمه هستی است. همه چیز و همه کس آفریده او هستند امّا او

خود همیشه بوده و همیشه خواهد بود، او ازلی و ابدی است. دل بستن و پناه آوردن به چنین حقیقت بیکرانی، انسان را در برابر همه خطرات مادّی و آسیب های اجتماعی بیمه می کند.

وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ؛

و اَحَدی همتای او نیست.

در پایان سوره باز تأکید می کنیم که خدا یکتاست و هیچ کس، همتا و همانند او نیست و اگر این حقیقت را به خوبی باور کنیم، همه کارهای خود را برای خدا انجام می دهیم و در اهداف فردی و گروهی و اجتماعی خود، غیر خدا را دخیل و شریک نمی کنیم.

ذکر رکوع

سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ؛

پروردگار بزرگم را منزّه می دانم و می ستایم.

ذکر سجده

سُبْحانَ رَبِّیَ الاَعْلی وَ بِحَمْدِهِ؛

پروردگار بلندمرتبه ام را منزّه می دانم و می ستایم.

نمازگزار پس از بیان آن همه عظمت و بزرگی خدا، خود را کوچک و بی مقدار بلکه هیچ می یابد و در برابر عظمت او خم می شود (رکوع) و آن گاه به زمین می افتد (سجده) و زبان به تسبیح او می گشاید.

او خدا را منزّه از هر عیب و نقص می یابد، پس از آن باز به حمد و ستایش رو می آورد. او دریافته است که خداوند حقیقت بی کرانی است که از فهم و درک او بالاتر است و باید تنها در برابر عظمت او سر فرود آورد. او دیگر در برابر غیرخدا و طاغوت ها کرنش نخواهد کرد.

قُنوت

رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْاخِرَهِ حَسَنَهً وَقِنا عَذابَ النّارِ؛(۱)

پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.

در هنگـام قنوت دست هـا را بالا می آوریم و به عنوان عرض نیاز و اظهار تهیـدستی و امیـد به عطای خـدا، آن ها را در مقابل صورت قرار می دهیم. در قنوت هر دعـایی را می توان خوانـد ولی بهتر است دعـایی را برگزینیم که همگانی باشـد مثل دعای «رَبَّنا آتِنا»، که در قرآن آمده است.

ما در این دعا از خدا می خواهیم هم نیکی ها و خوبی های دنیا را و هم نیکی ها و خوبی های آخرت را به ما عطا کند.

چرا که گرفتن دنیا و رها کردن آخرت خطاست، همینطور گرفتن آخرت و رها کردن دنیا نیز خطاست.

دنیا، مزرعه آخرت است و با نیکی ها و حسنات دنیا می توان آخرت خود را آباد کرد.

در پایان از خدا می خواهیم که ما را از آتش جهنّم برهاند.

تسبیحات اربعه

سُبْحانَ اللّه ِ، وَالْحَمدُ لِلّهِ، وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ، وَاللّه اَکْبَرُ.

منزّه است خدا، و ستایش تنها برای خداست، و معبودی جز او نیست، و خدا بزرگتر است (از آن که در وصف بگنجد).

تسبیحات اربعه، مشتمل بر چهار ذکر است:

۱. تسبیح (سُبْحانَ اللّه)

۲. تحمید (اَلْحَمْدُ لّلّه)

۱- ۱. این دعا در سوره بقره، آیه ۲۰۱ آمده است.

۳. تهلیل (لا اّلهَ اّلاّ اللّه ُ)

۴. تکبیر (اَللّه ُ اَکْبَرُ)

حضرت ابراهیم به هنگام ساختن خانه کعبه لب هایش به ذکر مقدّس تسبیحات اربعه مترنّم بود. نمازگزار، ابتدا خدا را پاک و منزّه می یابد آن گاه زبان به ستایش او می گشاید سپس تنها او را شایسته پرستش می شمارد و در پایان، خدا را بزرگتر از آن می داند که بتوان او را وصف کرد.

تشهُّد

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ؛

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست. یکتاست و او را شریکی نیست.

وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ؛

و گواهی می دهم که محمّد بنده و فرستاده اوست.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛

بارخدایا بر محمّد و خاندان او درود بفرست!

نمازگزار با آن که در اذان و اقامه به توحید و نبوّت پیامبر شهادت داده است باز در پایان نماز نیز به این دو حقیقت بزرگ اعتراف می کند سپس بر پیامبر و خاندان پاک او صلوات و درود می فرستد.

او اعتراف می کند که پیامبر در پرتو عبودیّت و بندگی خدا به آن همه عظمت دست یافته است و این راه را به روی خود باز می یابد و تصمیم می گیرد همین راه را بپیماید.

سلام

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللّه ِ وَ بَرَکاتُهُ؛

ای پیامبر خدا! بر تو درود، و رحمت و برکات خدا بر تو باد!

اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلی عِبادِ اللّه ِ الصّالِحینَ؛

درود بر ما و بر بندگان شایسته خدا!

اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللّه ِ وَ بَرَکاتُهُ؛

درود بر شما (مؤمنین) و رحمت و برکات خدا بر شما باد!

نمازگزار که از مردم جدا شده و به پیشگاه خدا بار یافته و لحظاتی با او گرم راز و نیاز بوده اکنون که می خواهد دوباره به سوی آنان برگردد هنگام بازگشت ابتدا به پیامبر سپس به نمازگزاران و بندگان شایسته او آن گاه به خلق خدا سلام می کند. او به سوی خدا رفته و قلب خود را صیقل داده و از کینه و کدورت پاک شده و اینک به سوی مردم آمده است. او پیام صلح و صفا، و درود و سلام آورده است.

احکامِ «فراموش شده ها» در نماز

اشاره

با احکام نماز پیش از این آشنا شده اید. ما در این جا به ذکر احکام «فراموش شده ها» بسنده می کنیم. برای فراگیری این مطلب یادآوری این مطلب لازم است که واجبات نماز(۱) یازده تا هستند که عبارتند از:

واجبات رُکنی:

۱. نیّت

۲. قیام

۳. تکبیره الاحرام

۴. رکوع

۵. دو سجده

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۹۴۲.

واجبات غیر رُکنی:

۱. قرائت

۲. ذکر

۳. تشهّد

۴. سلام

۵. ترتیب

۶. موالات

قاعده کلّی

با فراگیری این قاعده کلّی، می توانید تمامی مسائل این بخش را حلّ کنید، قاعده کلّی این است که:

۱. گاهی واجب رکنی را فراموش می کنیم. در این جا دو صورت پیدا می کند:

الف: وارد رکن بعدی شده ایم. در این جا نماز – باطل است.

مثلاً رکوع را فراموش می کنیم و پس از رفتن به سجده متوجّه می شوم.(۱)

ب: وارد رکن بعدی نشده ایم، نماز، باطل نمی شود. باید برگردیم واجب را به جا آوریم و نماز را ادامه دهیم. مثلاً رکوع را فراموش کردیم و روانه سجده شدیم ولی قبل از آن که سر بر زمین بگذاریم، متوجّه شدیم، در این صورت باید برگردیم و به طور کامل بایستیم و به رکوع و سپس به سجده برویم و نمازمان صحیح است.(۲)

۲. گاهی واجب غیررکنی را فراموشی می کنیم. باز در این جا دو شکل پیدا می کند:

۱– ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۱۰۹.

۲– ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۱۱۰.

الف: وارد رکن بعدی شده ایم این جا نماز، صحیح است و آن را ادامه می دهیم. مثل آن که سوره را فراموش کرده و مشغول ذکر رکوع هستیم.(۱)

ب: وارد رکن بعد نشده ایم، در این جا نیز نماز، صحیح است برمی گردیم واجب را بجا می آوریم و نماز را ادامه می دهیم.(۲)

با حفظ این قاعده می توانید وظیفه نمازگزار را در حالت های زیر مشخّص کنید:

۱. سوره حمد را فراموش کرده و مشغول خواندن سوره توحید است.

۲. تشهّد را فراموش کرده و مشغول سلام دادن است.

۳. دو سجده را فراموش کرده و تشهّد بعد از آن را بجا می آورد.

احکامِ «فراموش شده ها» پس از نماز

اشاره

اگر آنچه در نماز فراموش شده، رکن باشد، نماز، باطل است و اگر رکن نباشد، نماز، صحیح است ولی اگر «تشهّد» یا «یک سجده» فراموش شده است در این جا نمازگزار وقتی پس از پایان یافتن نماز یادش آمد، بدون آن که صورت نماز را به هم بزند، آن تشهّد و یا یک سجده را بجا می آورد و پس از آن «دو سجده سهو» انجام می دهد.(۳)

سجده سَهو

گاهی اوقات، باید پس از تمام شدن نماز، دو سجده بجا آوریم که به آن «سجده سهو» می گویند.

* در دو مورد زیر، سجده سهو، واجب می شود:

۱. در بین نماز ناخودآگاه حرف بزنیم، یا مثلاً آخ یا آه بگوییم.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۱۱۱.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۱۱۲.

۳- ۳. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۱۸۰، مسأله ۱.

۲. یک سجده را فراموش کنیم و پس از وارد شدن به رکوع رکعت بعد یادمان بیاید.

* و در دو مورد زیر، احتیاط واجب بجا آوردن سجده سهو است.

۱. بی جا سلام دوم نماز یا سلام سوم و یا هرسه سلام را با هم بگوییم. مثلاً در رکعت دوم نماز ظهر و عصر و عشاء.

۲. تشهّد را فراموش کنیم.(۱)

طریقه بجا آوردنِ سجده سهو

پس از پایان یافتن نماز، فوری نیّت سجده سهو می کنیم و بدون گفتن تکبیره الاحرام به سجده می رویم و می گوییم:

بِسْمِ اللّه ِ وَ بِاللّه ِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

آن گاه می نشینیم و دوباره به سجده می رویم و ذکر بالا را می گوییم پس از آن می نشینیم و تشهّد و سلام می گوییم.(۲)

ولی چنانچه تشـهّد یا یک سـجده را فراموش کرده بودیم، پس از نماز ابتدا باید قضای آن تشـهّد یا سجده را بجا آوریم و بعد از آن دو سجده سهو را.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۲۳۶.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۲۵۰.

۱۳ سیر و سفر

قُلْ سیرُوا فِی الْاَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللّهُ یُنْشِئُ النَّشْاَهَ الْاخِرَهَ اِنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.(۱)

(ای پیامبر) بگو: «در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خدا [آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس [باز [خداست که جهان آخرت را پدید می آورد، خداست که بر هرچیز تواناست.»

از دوستان و آشنایان خداحافظی می کنیم، از آنان حلالیّت می طلبیم، اثاث و وسائل خود را برمی داریم. می خواهیم به مسافرت برویم. قرآن بارها ما را به سیر و سفر دعوت کرده است:

«در زمین بگردید و بنگرید چگونه (خدا) آفرینش را آغاز کرده است؟»

«در زمین بگردید آن گاه بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟»(انعام، ۱۱)

۱- ۱. سوره عنکبوت، آیه ۲۰.

«در زمین بگردید و بنگرید فرجام گناه کاران چگونه بوده است.»

(نمل، ۶۹)

«در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که پیشتر بوده و بیشترشان مشرک بودند چگونه بوده است.»

(روم، ۴۲)

«آیا در زمین گردش نکرده اند تا دل هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوشهایی که با آن بشنوند.»

(حج، ۴۶)

فراوان فوایدی که برای سیر و سفر و گردش و مسافرت هست، ما را گاه گاهی وامی دارد تا به مسافرت برویم.

برای ایمنی از حوادث، صدقه می دهیم، با نام خدا و توکّل بر او حرکت می کنیم، می خواهیم رفت و برگشت ما ۴۵ کیلومتر(۱) و یا بیشتر از آن باشد، اسلام برای ما تخفیف ویژه ای قرار داده است؛ نمازهای چهار رکعتی ما کوتاه (نصف) می شود و روزه گرفتن هم از عهده ما (در سفر) برداشته می شود.

اسلام با این حکم، حمایت خود را از مسافرین اعلام کرده است ولی هرگز با گناه موافق نیست، از این رو اگر سفر، حرام باشد مانند فرار از جبهه و یا سفر بدون رضایت والدین و یا سفر برای کار حرام، مانند سرقت، هیچ تخفیفی شامل مسافر نمی شود.(۲)

کم کم از اقامتگاه خود دور می شویم، دیگر به نقطه ای رسیده ایم که دیوارهای آنجا را نمی بینیم و صدای طبیعی اذان آنجا را نیز نمی شنویم یعنی به «حدّ ترخُّص» یا «مرز سفر» رسیده ایم(۳)، از این جا به بعد، حکم

۱- ۱. استفتائات، جلد ۱، ص ۱۹۴، سؤال ۲۳۸.

۲- ۲. توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط پنجم.

۳- ۳. توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط هشتم.

مسافر داریم، نماز خود را شکسته می خوانیم. و هنگام بازگشت وقتی به این نقطه رسیدیم از این جا تا اقامتگاه، حکم مسافر نداریم یعنی نمازمان را باید تمام بخوانیم.

وطن

اشاره

در وطن که هستیم نمازمان تمام است و روزه هم باید بگیریم ولی بعضی وقت ها نمی دانیم وطن ما کجاست؟

وطن ما کجاست؟

* زادگاه پدر و مادرم آنجاست من هم در همانجا به دنیا آمده ام ولی بزرگ شده آنجا نیستم، حالا نمی دانم وطن من هم همانجاست یا نه؟

* پدرم در آنجا خانه شخصی دارد، زادگاه او نیز همانجا بوده چند سالی برای تحصیل به آنجا رفته ام ولی خودم بزرگ شده جای دیگری هستم، وطنم کجاست؟

* پدر و مادرم می گویند ما از وطن خود، اعراض کرده ایم، یعنی برای همیشه آنجا را ترک کرده ایم، هروقت آنجا می روند نمازشان را شکسته می خوانند، نمی دانم وظیفه من چیست؟

* بعضی ها به من می گویند تا وقتی ازدواج نکرده ای، وطن تو همان وطن پدر و مادر توست از آن به بعد حقّ انتخاب وطن داری!

* می گویند دختران بعد از ازدواج، وطن آن ها همان وطن شوهرانشان است، آیا واقعیت دارد؟

وطنم کجاست؟

تشخیص وطن کار دشواری نیست، به این امور توجّه کنید:

۱. زادگاه شما، وقتی وطن شماست که بزرگ شده آنجا هم باشید.(۱)

ص: ۹۵

۱- ۱. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۶۶، سؤال ۴۳۲.

۲. زادگاه پدر و مادر شما وطن شما نیست.(۱)

۳. زادگاه همسر شما وطن شما نیست.(۲)

۴. جایی که پدر و مادر شما یا همسر شما به عنوان وطن انتخاب کرده اند، وطن شما نیست.

یعنی شـما در انتخـاب وطن و یـا اعراض از وطن تـابع دیگران نیستیـد، بایـد به تکلیف خود عمل کنید(۳) یعنی وطن شـما این جاست:

۱. زادگاه شما که در آنجا بزرگ شده اید.(۴)

۲. جایی که بعد از بالغ شدن، برای اقامت همیشگی انتخاب می کنید.(۵)

ما بعضی وقت ها، به سفر می رویم. ولی بعضی ها شغلشان مسافرت است مانند راننده قطار و ماشین های برون شهری، خلبان و ملوان، وظیفه این گروه چیست؟

۱. در سفرهایی که شغل آن هاست چنین عمل می کنند:

* در سفر اوّل، هرچند طول بکشد، نمازشان شکسته است.

* در سفرهای بعدی، نمازشان تمام است.(۶)

۲. در سفرهایی که مربوط به شغل آن ها نیست مانند سفرهای زیارتی سیاحتی نمازشان شکسته است.(۷)

بعضـی از دانش آموزان، دانشجویان، معلّمان، کارمندان، کارگران و... شغلشان مسافرت نیست ولی محلّ تحصیل، خدمت و یا شغل آنان جای دیگری است و به آنجا آمد و رفت می کنند حکم آنان چیست؟

به فتوای حضرت امام خمینی قدس سره این گروه حکم مسافر دارند و باید

۱- ۱. توضیح المسائل، ص ۲۶۷، سؤال ۴۳۴.

۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۶۵، سؤال ۴۳.

۳- ۳. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۶۴، سؤال ۴۲۸.

۴- ۴. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۶۶، سؤال ۴۳۲.

۵- ۵. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۶۵، سؤال ۴۳۱.

۶- ۶. توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط هفتم.

۷- ۷. توضیح المسائل، مسأله ۱۳۰۷.

مقرّرات آن را در نظر بگیرند. البتّه به فتوای مقام معظّم رهبری (دام ظلّه) و برخی از مراجع بزرگوار دیگر این گروه نیز مانند کسانی که شغلشان مسافرت است، نمازشان تمام است با توجّه به این سه مسأله:

۱. برای کارشان در کمتر از ده روز به محلّ کارشان سفر کنند.

۲. سفر به آنجا برای شغل و کارشان باشد نه به جهت دیگری.

۳. سفر برای تحصیل وقتی حکم سفر برای شغل دارد و مشمول این حکم است که تحصیل، در حکم کار و شغل باشد مانند کسانی که در سپاه و ارتش یا ادارات، برای تحصیل، مأمور می شوند. بنابراین شامل همه دانش آموزان و دانشجویان نمی شود.(۱)

قصد ده روزه

تازه به این جا آمده ایم، می گویند قصد ده کرده اید یا نه؟ یکی می گوید در این دو هفته ای که این جا هستیم من قصد نمی کنم، نظر شما چیست فکر می کنید چگونه باید قصد کرد؟

همین که می دانید یا قصد دارید که ده روز و یا بیشتر، در آنجا بمانید و در این مدّت از حدّ ترخّص آنجا خارج نشوید، قصد ده روز شما شکل گرفته، باید نمازهایتان را تمام بخوانید و اگر ماه مبارك رمضان است، روزه بگیرید.(۲)

* از روزی که به این جا آمده ایم هنوز نمی دانیم که ده روز کامل این جا می مانیم یا نه، تاکنون سی روز بلاتکلیف مانده ایم وظیفه ما چیست؟

تا روز سی ام نمازتان شکسته است پس از سی روز تا هرچه بمانید نمازتان تمام است.(۳)

۱- ۱. استفتائات، جلد ۱، سؤال ۶۵۴ و ۶۶۹.

۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۳۰.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۱۳۵۵.

* از ابتدا که این جا آمدیم قصد جدّی داشتیم ده روز کامل بمانیم، حالا تصمیم ما عوض شده یعنی می خواهیم کمتر از ده روز بمانیم و یا بلاتکلیف مانده ایم وظیفه ما چیست؟

۱. اگر پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی تصمیم شما عوض شده، نمازهایتان را باید شکسته بخوانید.

۲. اگر پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی تصمیم شما عوض شده تا هروقت که آنجا بمانید، نمازهایتان تمام است.(۱)

نیّت نماز شکسته

می خواهم نماز شکسته بخوانم نمی دانم چگونه نیّت کنم، بگویم مثلاً چهار رکعت نماز ظهر، شکسته می خوانم یا بگویم دو رکعت نماز ظهر شکسته شده؟

فرقی ندارد، اصلاً نیّت به گفتن و یا خطور دادن در قلب نیست همین که تصمیم داری نمازت را شکسته یعنی دو رکعتی بخوانی کافی است.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۳۴۶.

۱۴ آنجا کجاست؟

وَاَقیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصینَ لَهُ الدّینَ.(۱)

در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله [کنید و در حالی که دین خود را برای خدا خالص گردانیده اید وی را بخوانید.

آنجا کجاست؟

«پایگاه مقاومت» در برابر هوی و هوس، شیطان و اهرمن،

«میعاد» پیامبران، امامان و پاکان عالم،

«مجمع عمومی» مسلمانان و مستضعفان،

«میدان» نمایش وحدت مسلمانان علیه دشمنان اسلام،

«بازار» تقوا و ایمان، صلح و صفا، همدلی و همراهی،

فرشتگان چشم امید به آنجا دوخته اند،

و اهریمنان از رونق آن نگرانند.

۱- ۱. سوره اعراف، آیه ۲۹.

و به راستی آنجا کجاست؟ آنجا، مسجد است، خانه خدا، محلّ ارتباط خاک با افلاک، حلقه اتّصال هیچ با همه چیز، و چه زیباست که به آنجا بشتابیم، زیاد به آنجا برویم، زودتر از همه برویم و دیرتر از همه برگردیم، با لباس های تمیز به آنجا وارد شویم، در نظافت آن بکوشیم، و در برنامه های فرهنگی آن شرکت فعّال داشته باشیم.

بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره درباره اهمّیّت مساجد می فرماید:

«مساجد را پر کنید که مساجد سنگرند و محراب یعنی جایی که حرب (جنگ و مبارزه) از آنجا آغاز می شود و محلّ حرب است. شیطان ها از مساجد و نماز می ترسند، آن ها می خواهند از نماز جلوگیری کنند و بعد از خالی کردن سنگرها، حمله کنند.»(۱)

نماز جماعت

اشاره

اینان چه می کنند!

با هم می ایستند، با هم به رکوع می روند، با هم سر بر خاک می گذارند، با هم برمی خیزند، نظم و انضباط، وحدت و انسجام، صلح و صفا و یکدلی و یکرنگی از اجتماعشان پیداست. گویی در دل هاشان کینه و حسادتی نیست، قلب هاشان با هم پیوند خورده، همه با هم برادرند، اینان چه می کنند!

همه با هم در صفّ های منظّم و پشت سر هم، از یک نفر که پیشاپیش آن ها قرار گرفته پیروی می کنند. اینان، همه مسلمانند و با هم نماز را به جماعت می خوانند و شکوه خود را به نمایش می گذارند. اینان خار چشم دشمنان اسلام هستند. ندای اذان که به گوش تو می رسد تو را به این جمع

۱- ۱. صحیفه نور، جلد ۱۲، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

باشکوه دعوت می کند، منادی حقّ را لبّیک بگو. هرچه جمعیّت نمازگزار بیشتر شود، ثوابش افزون تر است. اگر عدد آن ها از ده بگذرد پاداشی نصیب آنان می شود که قابل بیان و شمارش نیست. اگر دنبال دوست خوب می گردی، و یا خواهان فردی دلسوز برای حلّ مشکلاتت هستی، اگر می خواهی با دیگران آشنا شوی، در حلّ مشکلات دیگران دخیل باشی، و از فردگرایی و خودخواهی به دیگرگرایی و خداخواهی روی آوری، در جماعت خواهران دینی خود به ویژه در نماز جماعت شرکت کن و اگر می خواهی تبعیّت از رهبری را تمرین کنی، باز هم در نماز جماعت حاضر شو!

برپایی نماز جماعت

یک نفر به عنوان «امام جماعت» جلو می ایستد، و حدّاقلّ یک نفر هم پشت سر او به عنوان «مأموم» می ایستد و به او اقتدا می کند نماز جماعت شکل می گیرد.

احکام نماز جماعت

۱. جایگاه امام جماعت نباید از جایگاه مأمومین بالاتر باشد.(۱)

۲. مأمومین می توانند در مکانی بالاتر از امام بایستند، مثلاً امام در صحن مسجد و مأمومین پشت بام بایستند ولی اگر ساختمان چند طبقه باشد، اشکال دارد.(۲)

۳. اگر نماز همه کسانی که در صفّ جلو هستند تمام شود یا همه آن ها نیّت فرادی نمایند، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد، نماز صفّ

۱- ۱. العروه الوثقی، ص ۷۷۶ و ۷۷۷.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۱۶.

بعد به طور جماعت صحیح است و اگر بیشتر از این مقدار باشد، فرادی می شود و صحیح است.(۱)

شرایط امام جماعت

۱. امام جماعت باید بالغ و عادل باشد و نماز را صحیح بخواند.

۲. اگر مأموم، مرد است امام جماعت نیز باید مرد باشد.

۳. و اگر مأموم، زن است بنابر فتوای حضرت امام قدس سره احتیاط واجب آن است که امام جماعت او، مرد باشد.(۲)

استفتاء از مقام معظّم رهبری

س - چه وقت زن می تواند امام جماعت باشد؟

ج - اگـر مأمومیـن تنـها زنان باشـند، امـام جماعت می تواند زن باشد.(۳)

وظیفه مأموم در نماز جماعت

۱. احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، مأموم تکبیر نگوید.(۴)

۲. مأموم باید غیر از حمد و سوره، همه چیز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اوّل یا دوم او، رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را (آهسته) بخواند.(۵)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۳۸.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۵۳.

۳- ۳. استفتائات، جلد ۱، سؤال ۶۰۶.

۴- ۴. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۶۷.

۵- ۵. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۶۱.

طریقه پیوستن به نماز جماعت

اگر در بین نماز جماعت خواستیم اقتدا کنیم باید توجّه داشته باشیم که فقط در دو حالت می توان به جماعت پیوست:

۱. وقتی که امام در حال قیام است و مشغول قرائت حمد و سوره یا تسبیحات اربعه و یا قنوت است.

۲. وقتی که امام در رکوع است.(۱)

چگونه اقتدا کنیم؟

اقتدا کردن و پیوستن به نماز جماعت حالت های مختلفی دارد که با کمی دقّت می توان آن ها را فراگرفت.

اگر امام جماعت رکعت اول نماز را می خواند اقتدا کردن به او، دو صورت پیدا می کند:

الف: امام جماعت، ایستاده و مشغول خواندن حمد و سوره است.

برای اقتدا کردن به او ابتدا نیّت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامشّ بدن می گوییم، حمد و سوره را نمی خوانیم و بقیّه اعمال را همراه او انجام می دهیم.

ب: امام جماعت در رکوع است.

برای اقتدا کردن به او ابتدا نیّت می کنیم آن گاه تکبیره الاحرام را با آرامشّ بدن می گوییم سپس به رکوع می رویم و ذکر رکوع را نیز با آرامش می گوییم آن را یک رکعت به حساب می آوریم و بقیّه نماز را همراه امام جماعت انجام می دهیم.

ص: ۱۰۳

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۴۲۷ و ۱۴۳۰.

اگر امام جماعت رکعت دوم نماز را می خواند باز هم اقتداکردن به اودو صورت پیدا می کند:

الف: امام جماعت، ایستاده و مشغول خواندن حمد و سوره و یا قنوت است.

برای اقتـدا کردن، ابتدا نیّت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامشّ بدن می گوییم؛ اگر امام جماعت حمد و سوره را می خوانـد، ساکت می مـانیم آن گـاه قنوت را همراه امام می خوانیم و رکوع و دو سجده را با او به جای می آوریم سپس وقتی امام، تشهّد می خواند، بنابر احتیاط واجب به صورت نیم خیز می نشینیم.

[تا این جا یک رکعت نماز خوانده ایم]

حال چنین عمل می کنیم:

اگر نماز امام جماعت، دو رکعتی است برمی خیزیم و بقیّه نماز را خودمان می خوانیم.

اگر نماز امام جماعت، سه یا چهار رکعتی است همراه او برمی خیزیم وقتی امام، مشغول خواندن تسبیحات اربعه است، آهسته حمـد و سوره و قنوت (و اگر وقت، کافی نبود حمد و سوره و اگر وقت محدودتر بود فقط سوره حمد) را می خوانیم، آن گاه همراه با امام جماعت به رکوع و سجده می رویم.

[تا این جا یک رکعت نماز خوانده ایم]

از این جا به بعد چنین انجام می دهیم:

اگر نماز امام جماعت، سه رکعتی است همراه او تشهّد را می خوانیم آن گاه:

الف: اگر نماز ما دورکعتی بود همراه با امام جماعت سلام نماز را می خوانیم و نماز را به پایان می بریم.

ب: اگر نماز ما سه یا چهار رکعتی بود برمی خیزیم و بقیّه نماز را

خودمان می خوانیم.

اگر نماز امام جماعت، چهاررکعتی بود، امام جماعت پس از سجده برای انجام رکعت چهارم برمی خیزد ولی ما می نشینیم و تشهّد نماز را می خوانیم.

آن گاه:

الف: اگر نماز ما دو رکعتی بود، سلام نماز را هم می خوانیم و نماز را به پایان می بریم.

ب: اگر نماز ما سه یا چهار رکعتی بود برمی خیزیم، تسبیحات اربعه را مثلّ همیشه سه بار (و اگر وقت، کافی نبود یک بار) می خوانیم آن گاه با امام، رکوع و سجود را انجام می دهیم.

[تا این جا سه رکعت نماز خوانده ایم]

اگر نماز ما سه رکعتی بود همراه امام، تشهّد و سلام را می خوانیم و نمازمان را به پایان می بریم.

اگر نماز ما چهاررکعتی بود می توانیم نیم خیز بنشینیم پس از تمام شدن تشهّد و سلام برخیزیم و نمازمان را ادامه دهیم و اگر نخواستیم می توانیم پس از به جا آوردن سجده بلافاصله برخیزیم و نمازمان را ادامه دهیم.

ب: امام جماعت در حال انجام رکوع رکعت دوم است:

برای اقتدا به او ابتدا نیّت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامشّ بدن می گوییم آن گاه به رکوع می رویم، ذکر رکوع را نیز با آرامش می گوییم آن را یک رکعت به حساب می آوریم و بقیّه نماز را (به همان شیوه ای که در قسمت الف گفتیم) به جا می آوریم.

اگر امام جماعت رکعت سوم یا چهارم نماز را به جا می آورد در این جا هم اقتدا کردن به او دو صورت پیدا می کند:

الف: امام جماعت ایستاده و مشغول خواندن تسبیحات اربعه است.

ص: ۱۰۵

برای اقتدا کردن باید ابتدا وقت را بسنجیم چنانچه برای خواندن حمد و سوره (و یا حمدّ تنها) وقت داریم می توانیم اقتدا کنیم ولی اگر وقت، کافی نیست بنابر احتیاط واجب باید صبر کنیم تا امام جماعت به رکوع رود آن گاه به او اقتدا کنیم.

اگر وقت، کافی بود برای اقتدا کردن ابتدا نیّت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامشّ بدن می گوییم آن گاه حمد و سوره (و اگر وقت، کم بود حمد را) آهسته می خوانیم سپس همراه با امام جماعت به رکوع می رویم و نماز را ادامه می دهیم (ادامه نماز را می توان از آنچه که قبلاً گفته شد به دست آورد و یا به توضیح المسائل مراجعه کرد.)

ب: امام جماعت در حال رکوع رکعت سوم یا چهارم است.

برای اقتدا کردن ابتدا نیّت می کنیم سپس تکبیره الاحرام را با آرامش بدن می گوییم آن گاه به رکوع می رویم و ذکر رکوع را نیز با آرامش می گوییم، آن را یک رکعت به حساب می آوریم و نماز را با امام جماعت ادامه می دهیم. (کیفیت ادامه نماز مثل قسمت الف می باشد.)(۱)

۱- ۱. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۲۷۱ و ۲۷۲، مسأله ۵، ۶ و ۸.

۱۵ سیلِ رحمت

یاآاَیُّهَا الَّذینَ امَنُوآا اِذا نُودِیَ لِلصَّلوهِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَهِ فَاسْعَوْا اِلی ذِكْرِ اللّهِ وَ ذَرُوا الْبَیْعَ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.(۱)

ای کسانی که ایمان آورده ایـد، چون برای نماز جمعه نـدا در داده شد، به سوی ذکر خدا بشـتابید، و داد و سـتد را واگذارید. اگر بدانید، این برای شما بهتر است.

باز هم آسـمان ابری است، باران می آید، آب در خیابان و کوچه پس کوچه ها به راه افتاده، آب ها به هم می پیوندند، خاك و خاشاك را با خود می برنـد، دیگر در و دیوار شـهر غبارروبی شـده است، درختان و گل ها با نشاط شده اند، پرندگان نغمه شادی سر می دهند. و بار دیگر چهره شهر زیبا و آراسته گردیده، چه خبر است؟!

باز هم روز جمعه است و این سیل خروشان امّت است که به «نماز

ص: ۱۰۷

۱- ۱. سوره جمعه، آیه ۹.

جمعه» می آیند، می آیند تا عظمت و شکوه اسلام را به نمایش بگذارند، خار و خاشاك شرك و نفاق را از جامعه بزدایند، بر چهره دشمنان اسلام سیلی بزنند، می آیند تا از اوضاع سیاسی اجتماعی کشور خود و جهان اسلام باخبر شوند و در حلّ مشکلات آن ها شریك گردند، می آیند تا راه های مقابله با دشمنان قسم خورده اسلام را فرا گیرند، می آیند تا دست در دست هم دهند و بر فرق استکبار جهانی بکوبند، روز جمعه است، کارهامان را رها کنیم و به این جمعیّت انبوه بپیوندیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هرکس سه جمعه پیاپی، بدون عذر، در نماز جمعه شرکت نکند بر دل او مُهری از نفاق (و دورویی) زده می شود.»(۱)

امام جمعه

اشاره

۱. امام جمعه از سوی ولیّ امر مسلمین (رهبر) منصوب می شود.(۲)

۲. شرایطی که درباره امام جماعت گفته شده، در امام جمعه نیز معتبر است.

۳. شایسته است امام جمعه این گونه باشد:

* از اوضاع سیاسی کشور و جهان اسلام باخبر باشد.

* مصالح اسلام و مسلمین را بشناسد.

* شجاع باشد.

* در اظهار حقّ و ابطال باطل، صریح باشد.

* از حبّ دنیا و ریاست، پرهیز کند.(۳)

برپایی نماز جمعه

۱- ۱. وسایل الشّیعه، جلد ۵، ص ۶.

۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، ص ۲۶۸، سؤال ۴۴۰.

۳- ۳. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۲۳۱ و ۲۳۴.

۱. نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسّط امام جمعه قبل از نماز بیان می شود.

۲. نماز جمعه دو قنوت مستحبّی دارد یکی در رکعت اوّل، پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوم پس از رکوع.

۳. نماز جمعه، از نماز ظهر کفایت می کند (خواندن نماز ظهر واجب نیست).

۴. نمازگزار جمعه، بنابر احتیاط واجب باید به خطبه ها گوش دهد.(۱)

اعتکاف

بستر خویش را برچیده، کمربند همّت را محکم بسته، از خانه و زندگی بیرون آمده و به سوی مسجد می آید او به این خلوتگاه برای عبادتی بزرگ می آید.

همه ساله ده روز آخر مبارک رمضان را به این امر اختصاص می دهد(۲)، در این ایّام کارش ارتباط با خداست، گاهی دعا می خواند، گاهی قرآن تلاوت می کند، گاهی به نماز برمی خیزد، روزها روزه می گیرد، از جلوه های زودگذر و فریبنده دنیا به دور است، از خواب و استراحت صرف نظر کرده و از غوغای کوچه و بازار فاصله گرفته است.

آن قدر به این عبادت علاقمند است که چون جنگ بدر در ماه مبارک رمضان واقع شد و نتوانست به مقصود و مراد خود برسد، سال آینده بیست روز آخر ماه مبارک را به آن اختصاص داد(۳).

به راستی او کیست؟ و این عبادت باعظمت کدام است؟

او محمّد صلی الله علیه و آله وسلم است و این عبادت، «اعتکاف» است.

۱- ۱. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۲۳۱ و ۲۳۵.

۲- ۲. بحارالانوار، جلد ۹۴، ص ۱۳۰.

۳- ۳. بحارالانوار، جلد ۹۴، ص ۱۳۰.

اعتکاف نه از صدر اسلام که در زمان پیامبران پیشین نیز مورد توجّه بوده است و خداوند به ابراهیم و اسماعیل امر می کند تا خانه او را برای اعتکاف کنندگان، پاك و پاکیزه کنند.(۱)

همه ساله در کشور ما در بیشتر شهرها مراسم اعتکاف برگزار می شود. شرکت جوانان در این مراسم، بر شور، حرارت، اخلاص و صفای آن می افزاید، شما نیز می توانید با گروهی از جوانان در مسجد جامع شهر خود گرد آیید و به این عبادت بزرگ بپردازید.

اعتکاف از اذان صبح شروع می شود و روز اوّل و دوم، روزه، مستحبّ است و روز سوم واجب می شود و اگر تا غروب روز سوم در مسجد بمانیم، کافی است.

در حال اعتکاف، برخی از کارها حرام است، مانند:

۱. خروج از مسجد جز برای کارهای ضروری.

۲. بوییدن عطر و گل.

۳. خرید و فروش.

۴. جدال در امور دنیایی و دینی برای غلبه بر دیگری و اظهار فضل و برتری بر او.(۲)

اعتکاف برنامه ای فشرده برای تهذیب نفس و خودسازی، دوری از شهوت ها و پیدا کردن اخلاق حسنه است اعتکاف را به تنهایی نیز می توان انجام داد و هم چنین در تمام اوقات سال می توان به این عبادت پرداخت (ولی باید در روزهایی که روزه گرفتن در آن ها حرام است، نباشد).

در ایّام البیض ماه مبارک رجب یعنی روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم این ماه برنامه باشکوه اعتکاف در بیشتر شهرهای کشورمان

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۲- ۲. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۳۰۴ و ۳۰۵.

برگزار می شود.

حضور جوانان در این برنامه عبادی بسیار چشم گیر و تحسین برانگیز است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره عظمت اعتکاف کنندگان فرمود:

«اعتکاف کننده، خود را از گناه باز می دارد، بنابراین ثواب کسی را دارد که همه خوبی ها را انجام داده است.»(۱)

۱- ۱. کنزالعُمّال، جلد ۸، حدیث ۲۴۰۱۲.

۱۶ در سُوگِ هجران

یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ.(۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شـما مقرّر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شـما بودند مقرّر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید.

مرواریدهای اشک بر چهره رخشانش پراکنده می گشت. نشسته بود و زانوی غم را در بغل گرفته بود.

اِنگـار جـانش بود که از کالبـد بیرون آمـده بود و می رفت و او در فراقش چنین می گریست. گـاهی بر می خاست و بی تابانه چند قدمی راه می رِفت، گاهی هم فروتنانه خود را به سجده می انداخت و زمزمه می کرد:

«درود بر تو، ای گرامی ترین وقت هایی که با ما مصاحب و یار بودی و

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۸۳.

ای بهترین ماه در روزها و ساعت ها!

درود بر تو، ای ماهی که آرزوها در آن برآورده است و کردار شایسته در آن فراوان!

درود بر تو، ای همنشینی که احترام و گرامیداشت تو هنگام آمدنت بزرگ است و غم هجران تو بس جانکاه!

درود بر تو ای همسایه ای که دل ها با آمدن تو نرم و فروتن گردید و گناهان در آن کاستی گرفت!

درود بر تو ای یاری دهنده ای که ما را بر چیره شدن بر شیطان یاری کردی، و ای همنشینی که راه های نیکی را آسان نمودی!

درود بر تو چه طولانی بودی بر گناه کاران و چه با هیبت و عظمت بودی در دل های اهل ایمان!

بارخدایا ما اهل این ماه هستیم...!(۱)

این نه یک بار که کار همه ساله او بود.

او امام سجّاد علیه السلام بود که در فراق ماه مبارک رمضان چنین می گریست.

روزه

برخی از آثار روزه

۱. اراده نیرومند

به دست آوردن ارزش های اخلاقی و تأمین سعادت آخرت همراه با تحمّل ناگواری هاست.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: اَلْمَکارِمُ بِالْـمَکارِهِ؛ ارزشهای والای انسانی با ناگواری ها بدست می آید.(۲)

کسی که می خواهد به قلّه تقوا صعود کند، باید همّتی عالی و اراده ای

۱- ۱. صحیفه سجّادیّه، ص ۳۰۳ و ۳۰۴.

۲- ۲. غررالحکم، جلد ۱، ص ۱۹، حدیث ۴۳.

پولادین داشته باشد که با روزه گرفتن، تا اندازه زیادی از آن برخوردار می شود.

۲. عزّت نفس

کسی که نزد دیگران خوار و ذلیل است و چشم طمع به دیگران دوخته است برای رسیدن به آب و نان برده این و آن می شود، و یا به حقّه بازی و فریب دیگران روی می آورد، او هرگز نمی تواند به سوی قلّه تقوا حرکت کند. او چون کبوتری است که در دست این و آن اسیر است.

انسان با روزه گرفتن، تا اندازه ای قلبش صاف و زلال می شود و به عظمت خود پی می برد و به خوبی درمی یابد که نباید بنده شکم بود. باید عزّت و شکوه خود را نگه داشت و از تنگناهای مالی با تحمّل گرسنگی و سختی ها پیروز و سربلند بیرون آمد.

۳. فروتنی

برای رسیدن به قلّه تقوا، باید از پرتگاه های خود بزرگ بینی و غرور و تکبر دور شد. انسان مغرور، همیشه تنهاست، هیچ کس دوست ندارد با او رفت و آمد کند؛ چرا که کسی حاضر نیست فخرفروشی او را تحمّل کند و خود را در نزد او کوچک نماید.

انسان مغرور، چون کسی است که از جمع قلّه پیمایان کناره گرفته و به عقب برمی گردد و حرف هیچ کس را گوش نمی دهد. او هرگز قلّه را فتح نخواهد کرد. روزه او را از غرور دور و به سوی کمال و قلّه پرهیزگاری رهنمون می سازد.

۴. دوری از گناهان

در مسیر قلّه تقوا، راهزنانی کمین کرده اند تا قلّه پیمایان را با وعده های شیرین و کاذب خود از مسیر برگردانند. راهزنان قلّه تقوا؛ شیطان، هوای نفس و دوستان ناباب هستند که راهیان قلّه تقوا را به گناه دعوت می کنند.

کسی که می خواهد به قلّه تقوا برسد باید از شیرینی ها و لذّت های زودگذر گناهان به راحتی صرف نظر کند و روح پاک خود را به آن ها نیالاید.

کسی که از هوس ها و لذّت ها و گناهان دوری می گزیند، کم کم قلب او نورانی و باصفا می گردد و با چشیدن لذّت های معنوی که نصیب او می گردد، راحت تر و آسان تر و با عشق و علاقه بیشتر به سوی قلّه تقوا حرکت می کند. روزه گرفتن ما را در این راه، یاری می دهد.

فواید روزه گرفتن بیش از این هاست که ذکر شد: برخوردار شدن از صحّت جسمی، همدردی با محرومان، یادآوری گرسنگی و تشنگی روز قیامت و ده ها فایده دیگر.

برای روزه گرفتن نیّت می کنیم؛ یعنی تصمیم می گیریم برای اطاعت فرمان خدا از اذان صبح تا اذان مغرب از کارهایی که روزه را باطل می کند پرهیز کنیم. عمده آن ها عبارتند از:

۱. خوردن و آشامیدن

۲. رساندن غبار غلیظ به حلق

۳. فرو بردن تمام سر در آب

۴. قی کردن

۵. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

۶. نسبت دادن دروغ به خدا و پیامبر و جانشینان او(۱).

اقسام روزه

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۵۷۲.

روزه گرفتن گاهی واجب است و گاهی حرام، مستحبّ و یا مکروه.

روزه های واجب مانند: روزه ماه مبارک رمضان، روزه قضا، روزه کفّاره، و روزه ای که به سبب نذر، عهد و یا سوگند بر انسان واجب می شود.(۱)

روزه های حرام مانند: روزه عید فطر، و عید قربان، روزه مستحبّی فرزند که سبب اذیّت و آزار پدر و مادر شود، و بنابر احتیاط واجب روزه مستحبّی زن که شوهر از آن نهی کرده باشد.(۲)

روزه های مستحبّی مانند: روزه پنجشنبه اوّل و آخر ماه و هر جمعه، روز مبعث، عید غدیر و عید نوروز.

روزه های مکروه مانند: روزه عاشورا، روزه مستحبّی مهمان بدون اجازه میزبان، و روزه مستحبّی فرزند بدون اجازه پدر.(۳)

جبران گذشته ها

کسی که در ماه مبارک رمضان روزه نگرفته است براساس شرایط خاصّی که داشته باید آن را جبران کند گاهی باید آن را قضا کند، گاهی علاوه بر قضا، کفّاره نیز بر او واجب می شود، گاهی هم باید کفّاره جمع بدهد و در برخی موارد مقداری طعام نیز باید به فقیر بپردازد.

قضای روزه

در برخی موارد انسان باید روزه ای را که نگرفته است قضا کند مانند:

۱. در اوایل بلوغ، بنا به توصیه پدر و مادر مبنی بر این که قدرت روزه گرفتن را نداری، روزه نگرفته است و گمان می کرده که اطاعت از این

۱- ۱. العروه الوثقی، جلد ۲، ص ۱۰۵.
۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۳۶، ۱۷۴۱.
۳- ۳. العروه الوثقی، جلد ۲، ص ۱۰۵، ۱۵۷ و ۱۵۸.

دستور، واجب است.

۲. اوایـل بلوغ، احتمـال می داده که بـالغ شـده است، تحقیق و بررسـی هم کرده و به این نتیجه رسـیده که بـالغ نشـده است، بر همین اساس روزه نگرفته و بعدها به اشتباه خود پی برده است.

۳. اوایل بلوغ روزه نگرفته است، چون مریض بوده و روزه گرفتن را مضرّ می دانسته است.

۴. غسل جنابت را فراموش کرده و با حال جنابت یک یا چند روز، روزه نگرفته است.

۵. در ایّام قاعدگی و یا نفاس بوده است و نمی توانسته روزه بگیرد.(۱)

موارد دیگر هم هست که در رساله ذکر شده است و توصیه می کنیم که حتماً به رساله رجوع کنید.

قضا و کفّاره

بعضی مواقع انسان باید روزه ای را که نگرفته است قضا کند و کفّاره نیز بپردازد مانند:

۱. با توجّه و آگاهی، روزه نگرفته است.

۲. اوائل بلوغ، احتمال می داده که بالغ شده است ولی در تحقیق سهل انگاری کرده و روزه هم نگرفته است.

۳. شب ماه مبارک رمضان جنب بوده و می دانسـته که اگر بخوابد تا صـبح بیدار نمی شود تا قبل از اذان، غسل کند و خوابیده و بیدار نشده است.

۴. با توجّه و آگاهی، روزه خود را باطل کرده است.

برای انجام کفّاره می توان یکی از این دو راه را انتخاب کرد:

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۶۸۸.

۱. دو ماه روزه گرفت به گونه ای که سی و یک روز آن پی در پی باشد.

۲. شصت فقیر را سیر کرد و یا به هریک از آن ها ۷۵۰ گرم گندم یا برنج و مانند آن داد.

البتّه کسی که هیچ یک از این دو برایش مقدور نیست هر اندازه که می تواند باید به فقیر طعام بدهد. و اگر اصلاً نمی تواند، باید استغفار کند.(۱)

قضا و اطعام

در برخی موارد باید علاوه بر قضای روزه در برابر هر روز ۷۵۰ گرم طعام به فقیر بدهد مانند:

۱. در ماه مبارک رمضان به خاطر عذر مثلاً- مسافرت یا بیماری روزه نگرفته است و پس از ماه مبارک رمضان با آن که عذرش برطرف شده است عمداً تا ماه رمضان سال آینده قضای روزه هایی را که خورده نمی گیرد.

۲. زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد و نمی تواند روزه بگیرد.

۳. زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای خودش ضرر دارد و نمی تواند روزه بگیرد (در این صورت قضای روزه بر او واجب است ولی اطعام به فقیر بنابر احتیاط واجب است.)

۴. زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد.

۵. زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای خودش ضرر دارد (در این صورت قضای روزه، واجب است ولی اطعام به فقیر بنابر احتیاط واجب است.)(۲)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۶۵۸ و ۱۶۶۰.
۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۰۵ و ۱۷۲۸ و ۱۷۲۹.

اطعام

اسلام دینی آسان گیر است و تمامی دستورات و فرامین آن با فطرت انسان ها هماهنگ است.

از این رو کسانی را که توان روزه گرفتن ندارند از انجام این فریضه واجب، معاف دانسته است که عبارتند از:

۱. سالخوردگان و پیران

سالخوردگان دو گروه هستند:

۱. سالخوردگانی که اصلاً توان روزه گرفتن ندارند.

۲. سالخوردگانی که روزه گرفتن برای آنان مشقّت و سختی دارد.

هر دو گروه در صورتی که پس از ماه مبارک نیز نتوانند روزه بگیرند، از روزه گرفتن معاف هستند البتّه گروه دوم باید در برابر هر روز ۷۵۰ گرم طعام به فقیر بدهند.(۱)

۲. بیماران

بیمارانی که روزه گرفتن برای آن ها ضرر دارد اگر بیماری آن ها تا ماه مبارک سال آینده طول بکشد، قضای روزه هایی که نگرفته اند بر آنان واجب نیست ولی باید در برابر هر روز ۷۵۰ گرم طعام به فقیر بدهند.(۲)

۳. بیماران مبتلا به تشنگی

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۲۵ و ۱۷۲۶.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۰۳.

بیمارانی که اگر روزه بگیرند زیاد تشنه می شوند این ها دو گروه هستند:

۱. بیمارانی که اصلاً توان تحمّل تشنگی را ندارند.

۲. بیمارانی که تحمّل تشنگی برای آنان مشقّت و سختی فراوان دارد.

هر دو گروه در صورتی که پس ازماه مبارک نیز نتوانند روزه بگیرند از روزه گرفتن معاف هستند، ولی بنابر احتیاط واجب در حال روزه نباید بیشتر از مقداری که ناچار هستند آب بنوشند.

البتّه گروه دوم باید در برابر هر روز ۷۵۰ گرم طعام به فقیر بدهند.(۱)

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۱۷۲۷.

۱۱۷ از سِر اخلاص

اشاره

وَ اعْلَمُوآا اَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَاَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکینِ وَ ابْنِ السَّبیلِ اِنْ کُنْتُمْ امَنْتُمْ بِاللّهِ.(۱)

و بدانید که هرچیزی را به غنیمت گرفتید (و یا از راه های دیگر بدست آورید) یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و از آنِ خویشاوندانِ او و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است اگر به خدا ایمان آورده اید.

حیران و سرگردان ایستاده بودم و به کوچه های مدینه نگاه می کردم. از نیشابور، این همه راه را با پای شوق آمده بودم؛ شوق دیدار امام.

ایستاده بودم و به شیعیان نیشابور فکر می کردم، به لحظه های به یادماندنی خداحافظی و بدرقه آنان. یادم آمد که چگونه از سر شوق (یک پنجم) اموالشان را به من می دادند و در حالی که چهره هاشان از عشق به امام می درخشید، می گفتند این ناقابل را تقدیم امام کن و سلام ما را به او

۱- ۱. سوره انفال، آیه ۴۱.

برسان.

پاکت های نامه هاشان را که پرسش هاشان را در آن نوشته و آن ها را مُهر کرده بودند به من می دادند تا پاسخ آن ها را از امام بگیرم و برای آن ها بیاورم.

این کار همه ساله آنان بود. ولی این بار خدا به من توفیق داده بود که به نمایندگی آنان به محضر امام شرفیاب شوم.

ایستاده بودم و از فکر «شطیطه» بیرون نمی رفتم. یک پارچه آورده بود که به دست خودش رشته بود با یک درهم.

گفتم: ای بانوی بزرگوار! من خجالت می کشم که این ناچیز را خدمت امام ببرم. اشک در چشمانش حلقه زد و گفت:

«آنچه بر عهده من هست همین مقدار است و نباید در عمل به احکام خدا حیا کرد.»

از صداقت و ایمان او شگفت زده شدم و آن ناچیز را از او تحویل گرفتم.

هنوز ایستاده بودم که ناگاه نگاهم به پسر بچه ای افتاد که به من می گوید: بیا خانه امام را به تو نشان دهم.

وقتی بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم فرمود: «پاسخ نامه ها را در کنار پرسش ها نوشته ام». آن گاه قبل از آن که از شیعیان نیشابور سخنی به میان آورد، نشانی های دِرهم و پارچه شطیطه را داد و آن ها را از من مطالبه کرد.

وقتی دِرهم و پارچه را برداشت، همان جمله ای را که شطیطه همراه با اشک دیدگانش گفته بود تکرار کرد.

آن گاه فرمود: «سلام من را به شطیطه برسان سپس چهل دِرهم با پارچه ای به من داد و فرمود این پارچه، پنبه اش از «قریه صیدا» قریه فاطمه زهرا علیهاالسلام است و خواهرم حلیمه آن را رشته، این ها را از جانب من به شطیطه هدیه کن.»(۱)

۱- ۱. منتهی الآمال، ص ۷۹۴ و ۷۹۵.

اَدای تکلیف

خمس نه فقط بر مردان و پسـران که بر بانوان و دختران نیز واجب است. از آن زمان که آدمی به سنّ بلوغ پا می گذارد و نماز و روزه بر او واجب می شود بایـد اهل حساب و کتاب باشـد و برای اموال و درآمد خود «سالّ خُمسـی» معیّن کند و سالی یک بار براساس قانون خمس، یک پنجم سود اموالش را حساب کنـد و به دفتر مرجع تقلید خود یا نماینده او تحویل دهد، و از کم بودن مبلغ آن نباید خجالت کشید.

البتّه دختران و بـانوانی که کـار و شـغل و درآمـدی از خود ندارنـد و پـدر و مادر خرج آن ها را می پردازنـد، خمس بر آن ها واجب نیست.

تهیّه جهیزیّه

جهیزیّه باید براساس ضوابط سال خمسی تهیّه شود و اگر پدر و مادر و دیگران نیز در تهیّه آن سهیم هستند آن ها نیز باید سال خمسی داشته باشند و براساس ضوابط سال خمسی آن را تهیّه کنند.

هم چنین مصارف شخصی، هدیّه ها، چشم روشنی ها و کادوها همه باید براساس ضوابط سال خمسی باشند.

سال خُمسی

سال خمسـی براساس ضوابط خاصّی شکل می گیرد و تاریخ شروع آن اختیاری نیست برای فراگیری آغاز سال خمسی باید به نکته زیر توجّه کرد:

کسانی که درآمدی دارند دو دسته اند:

۱. دسته ای، درآمدشان در تاریخ معیّنی به دستشان می رسد؛ مانند حقوق بگیران جامعه.

۲. دسته ای دیگر، درآمدشان به صورت تدریجی به دستشان می رسد؛ مانند تاجران و صنعتگران.

دسته اوّل، وقتی اوّلین درآمدشان به دستشان رسید، و دسته دوم از اوّلین روزی که شروع به فعالیت کردند و اوّلین سود را به دست آوردند سال خمسی شان آغاز می شود.(۱)

از آغاز اوّلین درآمد و سود تا گذشت یک سال کامل را «سال خمسی» می گویند.

قانون کلّی خمس

در بین سال، هر گونه درآمدی که از راه حلال بدست آیدو صرف هزینه های زندگی گردد از قانون پرداخت خمس معاف است؛ البتّه در صورتی که هزینه ها از شأن اجتماعی ما بالاتر نباشند و در آن ها اسراف و زیاده روی هم نکرده باشیم.(۲)

غیر از هزینه ها، هرچه هنگام فرا رسیدن سال خمسی موجود است باید بررسی و محاسبه گردد ما در این جا به صورت کوتاه و کلّی به وظیفه دسته اوّل (حقوق بگیران) اشاره می کنیم:

این دسته از مردم باید آنچه پول و موادّ مصرفی (خوراکیها، نوشیدنی ها و موادّ سوختی) در این تاریخ دارند همه را محاسبه کنند و یک پنجم (۲۰٪) آن را به عنوان خمس جدا کنند و به مرجع تقلید خود یا به یکی از نمایندگان او در استان ها و شهرستان ها تحویل دهند.(۳)

۱- ۱. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۳۵۷، مسأله ۱۰.

۲- ۲. استفتائات، جلد ۱، سؤال ۳۴، ۸۹، ۹۰ و ۱۰۶.

۳- ۳. استفتائات، جلد ۱، سؤال ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲ و ۱۴۳.

مسأله خمس، ریزه کاری هایی دارد که در این مختصر نمی گنجد.

شایسته است هر ساله نزد شخصی که از مسائل خمس آگاهی کامل دارد، رفته و به خمس اموال خود رسیدگی کنیم.

فرهنگ اقتصاد

مال را از چه راهی بدست می آوریم و در چه راهی مصرف می کنیم. اسلام می گوید باید در هر دو قسمت، مبتلا به حرام نشویم.

بعضی ها در بدست آوردن مال، حلال الهی را رعایت نمی کنند و خیال می کنند با مصرف آن در امور خیریّه و کمک به مستمندان، مستحَقِّ ثواب و پاداش هم می شوند، این یک برداشت اشتباه از احکام الهی است.

مصرف مال در راه های حلال وقتی ثواب دارد که از راه حلال بدست آمده باشد.

مثلاً اگر کسی پولش را به تاجری بدهد و بگوید ماهی فلان مبلغ سود به من بده، این «ربا» و حرام است و با مصرف این پول نمی توان به پاداش الهی رسید.

رشوه

هدف ما از تحصیل، باید خدمت به دین باشد. خدمت به جامعه هم وقتی مقدّس و ارزشمند است که براساس موازین اسلام و همراه با اخلاص باشد.

از هم اینک باید با مطالعه قرآن و کتاب های مذهبی، ایمان خود را تقویت کنیم تا فردا که در جامعه مشغول به خدمت می شویم از کم کاری و

گرفتن «رشوه» بپرهیزیم و دیگران را نیز از این کارهای ناشایست بازداریم.

حضرت علی علیه السلام به مسؤولان و تمامی خدمتگزاران جامعه می فرماید:

«هر مسؤولی که از رسیدگی به کارهای مردم خودداری ورزد، خداوند در روز قیامت او را ناکام و از خود دور خواهد ساخت، و اگر در برابر انجام وظیفه هدیّه ای بگیرد، گریبانگیر او خواهد شد و اگر رشوه بگیرد، به خدا شرک ورزیده است.»(۱)

رشوه، اگر چه به عنوان «هدیّه»، «پیشکش»، «شیرینی»، و «حقّ و حساب» و مانند آن باشد، حرام است.

بر رشوه گیر واجب است چیزی را که گرفته به صاحبش برگرداند.(۲)

۱- ۱. عقاب الاعمال، ص ۳۵.

۲- ۲. تحریرالوسیله، جلد ۲، ص ۴۰۶، مسأله ۶.

۱۸ فریادگر حق

اشاره

فَرَضَ اللّه ُ... الاْمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَهً لِلْعامَّهِ(۱)

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: «خداوند امر به معروف را برای مصلحت جامعه و عامّه مردم واجب کرده است.»

آرام امّا با متانت و وقار از خانه درآمد، زنان بنی هاشم گِرد وجودش را گرفتند و به سوی مسجد روان شدند.

مسجد غلغله بود.

مهاجرین و انصار از هم پیشی می گرفتند، اّنگار جمعیت می خواست دیوارهای مسجد را درهم بکشند. تنها پاره تن رسول خدا در میان زنان بنی هاشم به مسجد رسید و در پَسِ پرده ای که به دستور او آویخته بودند قرار گرفت.

نفس ها در سینه ها حبس شده بود و یادگار رسول خدا نیز ساکت و

۱- ۱. کشف الغُمّه، جلد ۲، ص ۱۱۰.

خاموش ایستاده بود، سکوتی که یک دنیا حرف در آن بود.

فاطمه علیهاالسلام به اجتماع مردم می آمد و از حقایق اجتماعی و سیاسی دفاع می کرد و همه این آمدن ها در باشکوه ترین جلوه های حیا، عفاف، وقار و متانت انجام می گرفت. رفتار و گفتار او و همه معصومان گواه این واقعیّت دینی است که امر به معروف و نهی از منکر بر بانوان نیز واجب است.

البتّه امر به معروف و نهی از منکر «واجب کفایی» است. یعنی اگر گروهی به قدر کافی به این کار همّت گمارند از عهده دیگران برداشته می شود.

بنابراین بهتر است بانوان در مواردی که مردان به تنهایی از عهده این واجب الهی برنمی آیند و یا مواردی که درباره بانوان است، اقدام کنند و بکوشند که در انجام این واجب الهی خود مرتکب گناهان دیگر نشوند.

معروف و منکر

در فرهنگ دینی به تمامی واجبات و مستحبّات «معروف» و به تمامی محرّمات و مکروهات «منکر» گفته می شود. بنابراین امر کردن افراد جامعه به کارهای واجب و مستحبّ «امر به معروف» و بازداشتن آنان از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» نامیده می شود.

البتّه تنها درباره واجبات و محرّمات ما موظّفیم امر به معروف و نهی از منکر کنیم. معروف ها مانند:

نماز – روزه – رعایت حجاب – اجرای عدالت – و احترام به والدین.

منکرها مانند: حرام خوری – ظلم و ستم – جلوه گری در برابر نامحرم – چشم چرانی – قماربازی – اذیّت و آزار والدین – دزدی – ارتکاب قتل و ریختن آبروی مؤمن.

جلوگیری از گناه در جامعه

ص: ۱۳۰

پیشگیری از بروز گناهان علنی در جامعه، از راه قوانین و مجازات ها به تنهایی کارساز نیست.

حضور مأمور در گوشه و کنار جامعه و نظارت همیشگی ناممکن است، بهترین راه برای پیشگیری و مقابله، ایجاد انگیزه عمومی بر این کار است. ابتکار اسلام در زمینه پیشگیری و مقابله با گناهان اجتماعی، از طریق نظارت مردمی «امر به معروف و نهی از منکر» نام دارد.

اهمّیت امر به معروف و نهی از منکر تا آنجاست که پیامبر خدا افراد یک جامعه را به سرنشینان یک کشتی تشبیه فرموده اند که اگر یکی از آنان گوشه ای از کشتی را سوراخ کند، نه تنها به خود، که به دیگران نیز آسیب می رساند و همگان باید از کار او جلوگیری کنند.

واکنش های نخستین

اگر گناهی در جامعه رخ داد باید قبل از برخورد با گناه کار از آلوده شدن خود جلوگیری کنیم در این باره به چند دستور ایمنی اشاره می کنیم:

۱. به مجلس گناه نرویم.

۲. در مورد انجام گناه از هیچ کس (حتّی از پدر و مادر) اطاعت نکنیم.

۳. رضایت قلبی از عمل بدکاران، نداشته باشیم.

۴. دوستی قلبی خود را از آنان قطع کنیم.

پس از مراقبت از خود، با سعه صدر و صبر و حوصله و با انگیزه اعتلای دین به امر به معروف و نهی از منکر مبادرت ورزیم.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر در مورد مستحبّات و مکروهات، واجب نیست بلکه در مورد واجبات و محرّمات واجب است و آن، در صورتی

است که شرایط زیر محقّق باشد:

۱. ابتدا، معروف (واجب) و منکر (حرام) را بشناسیم.

۲. اقدام ما بی نتیجه نباشد، لااقلّ احتمال تأثیر بدهیم.

۳. گناه کار، درصدد ادامه و تکرار آن کار باشد.

۴. اقدام ما، ضرر جانی، آبرویی یا مالی قابل توجّه برای خودمان یا نزدیکان یا یاران و همراهانمان و یا سایر مؤمنان نداشته باشد؛ مگر آن که مسأله، خطیر و حسّاس باشد.(۱)

فرهنگ امر و نهی

وا داشتن دیگری به کاری و یا بازداشتن او از کاری، ذوق، سلیقه، هنر و ابتکار می طلبد.

این لطافت روحی، ملایمت و نرمی و در عین حال صلابت و کوتاه نیامدن ماست که می تواند ما را به هدف مقدّس مان نزدیک کند بنابراین توجّه به نکته های زیر کارساز است:

۱. به جای تحقیر و توهین، ترغیب و تحسین کنیم.

۲. برای جلوگیری از منکر، خود دچار منکر نشویم.

۳. به جای پرخاش و عیب جویی، مهر و رأفت به خرج دهیم.

۴. مصلحت طرف را نادیده نگیریم.

۵. از خودخواهی و خودستایی بپرهیزیم.

۶. تنها خشنودی خدا را در نظر داشته باشیم.

۷. خود را منزّه از گناه و برتر از گناه کار نبینیم.

۸. این را بدانیم که چه بسا گناه کار دارای صفات و اعمال نیک بسیاری نیز باشد.

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۲۷۹۱ و ۲۷۹۲.

۹. در صورت نیاز، امر به معروف و نهی از منکر را تکرار کنیم.(۱)

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

حجابش خداپسند نیست، در برابر نامحرم خودنمایی و جلوه گری می کند، زینت و آرایش خود را از نامحرم، نمی پوشد و یا نسبت به نماز کاهّلی می کند، حلال و حرام را مراعات نمی کند، و یا مبتلا به گناهان دیگری است.

گناه هکار را بایـد امر به معروف و نهی از منکر کرد امّا از آن مهمّتر این است که کار ما منظّم و منطقی باشـد و مراحل زیر را یکی پس از دیگری اجرا کنیم:

۱. در مرحله نخست بـا گناه کار به گونه ای برخورد می کنیم که بفهمـد این طرز برخورد ما تنها، به خاطر گناه اوست. مثلاً از او چهره برمی گردانیم یا با چهره گرفته و برافروخته با او مواجه می شویم و یا رفت و آمد خود را با او قطع می کنیم.

۲. اگر از رفتارهای ما متأثّر نشـد به گفتار رو می آوریم و با زبان او را امر و نهی می کنیم البتّه با نرمی و رعایت ادب و احترام امّا با قاطعیّت و صلابت.

۳. مرحله بعد را به عهده نیروهای قضایی و انتظامی حکومت اسلامی می گذاریم تا در جامعه هرج و مرج ایجاد نشود.(۲)

دفاع همگانی

وَلَوْلا دَفْعُ اللّهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَواتٌ وَ

۱- ۱. تحریرالوسیله، جلد ۱، ص ۴۱۴، مسأله ۱۴.

۲- ۲. توضیح المسائل، مسأله ۲۸۰۵، ۲۸۱۳ و ۲۸۱۸.

مَساجِدُ يُذْكَرُ فيهَا اسْمُ اللّهِ كَثيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ اِنَّ اللّهَ لَقَوِيٌّ عَزيزٌ.(۱)

اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعض دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مساجدی که نام خدا در آن ها بسیار برده می شود، سخت ویران می شد، و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می کند،یاری می دهد، چرا که خدا سخت نیرومندِ شکست ناپذیر است.

دشمنان اسلام شب و روز نقشه می کشند که نور اسلام را خاموش کنند ولی خداوند نور اسلام را عالم گیر خواهد کرد و این با مبارزه و دفاع مسلمانانّ حقیقی محقّق خواهد شد.

بنابراین اگر دشمن به کشور اسلامی ما هجوم آورد بر همه افراد مملکت، چه مرد و چه زن، چه بزرگ و چه کوچک واجب است که دفاع کنند. اگر دیروز دشمن به خاک میهمن اسلامی ما حمله کرده بود و ما شجاعانه او را به عقب راندیم، امروز به شکل پیچیده تری به مرزهای ایمان و عقیده ما حمله کرده است.

ترویج فساد و ابتذال و سوق دادن پسران و دختران به بی بند و باری های اخلاقی از بارزترین نشانه های حمله دشمن است.

ردّپای دشمن را در فیلم های مستهجن، عکس ها، و برنامه های مبتذل بیابیم؛ دشمنی که می کوشد با برداشتن مرزهای حیا و عفاف، بانوان و دختران را به زشت ترین شکل، به صحنه های اجتماع بکشاند و تمام شرافت و حیثیت یک زن و دختر ایرانی مسلمان را به غارت ببرد. پس برای دفاع آماده باشیم و فریب خودباختگان فرهنگ غرب را نخوریم.

۱- ۱. سوره حجّ، آیه ۴۰.

۱۹ گُل پاک

اِنَّ الْمَرْأَهَ رَیْحانَهٌ.(۱)

حضرت علی علیه السلام فرمود: «زن (مانند) گُل است.»

یکی بامدادان به فصل بهار

جوانی به باغی فتادش گذار

به شاخی، گلی دید خوش رنگ و بو

که از جان و دل گشت مشتاق او

گلویش بیفشرد و کردش جدا

ز گل های دیگر به جور و جفا

چو آن گل جدا شد ز شاخ درخت

بیفتاد در دست آن تیره بخت

بکرد از طریق تحسّر نگاه

۱- ۱. نهج البلاغه، نامه شماره ۳۱، ص ۴۰۵.

به یاران و از دل برآورد آه

بگفتا که ای خواهران عزیز

برای شما هست این روز نیز

گذارید آرایش خود کنار

بگیرید در زیر برگی قرار

نمایید خود را از این دم نهان

که مانید ایمن ز غارتگران

* * *

اگر گل در پَسِ برگها مخفی نشود،

اگر گل مراقبت باغبان را نپذیرد، و اگر گل بر بیگانگان جلوه گری کند، به غارت خواهد رفت.

گل، ظرافت ها، لطافت ها و جلوه گری های خود را باید برای یک قهرمان نگه دارد.

او امانتدار لطافت ها و ظرافت هاست و آن گاه است که می تواند با این خود نگه داری ها یک قهرمان را به آستان خود بکشاند و در دست یک قهرمان قرار گیرد نه در زیر پای غارتگران!

زن، گل است و یک گل دانا و پاک هرگز نمی پسندد چهره و موی و اندام خود را در اختیار نگاه های هوس آلود قرار دهد؛ در پَسِ برگ های حجاب و حیا می ماند و حیثیت و شخصیّت خود را پاسبانی می کند.

غنچه تا در پرده است از دست گلچین ایمن است

گر صیانت از جفا خواهی حیا می بایدت

مصونیّت نه محدودیّت

حجاب، مصونیّت است نه محدودیّت!

زن با خودداری و خود نگه داری های ظریفانه خود نه تنها شخصیّت خود را حفظ می کند که به مرد نیز شخصیّت می دهد.

متفکّر و اندیشمند فرزانه استاد شهید مرتضی مطهّری در این زمینه می نویسد:

«مرد، بسیاری از هنرنمایی ها و شجاعت ها و دلاوری ها و نبوغ ها و شخصیّت های خود را مدیون زن و خودداری های ظریفانه زن، مدیون حیا و عفاف زن می داند.

زن همیشه مرد را ساخته و مرد اجتماع را، آن گاه که حیا و عفاف و خودداری زن از میان برود و زن بخواهد در نقش مرد ظاهر شود اوّل به زن مُهر باطله می خورد و بعد مرد مردانگی خود را فراموش می کند و سپس اجتماع منهدم می گردد.»(۱)

حضرت امام رحمه الله این انسان شناس و اسلام شناس بزرگ قرن می فرماید:

«زن مربّی جامعه است... زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می کند.(۲)»

اعتراف دانشمندان

دانشمندان و جامعه شناسان مُنصف و باریک بین همه به این حقیقت اعتراف دارند که عظمت و شکوه زن در حیا، حجاب و خود نگه داری های اوست.

ویل دورانت می گوید:

«... زنان دریافتند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند.

۱- ۱. نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مطهّری، ص ۲۳۴.

۲- ۲. پوشش زن در اسلام، محمّد اشتهاردی، ص ۷۶.

... مرد جوان به دنبال چشمان پراز حیا است و بی آن که بدانـد حسّ می کنـد که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقّت عالی خبر می دهد.»

برتراند راسل می گوید: «مایه تأسّف است که به آسانی بتوان به زنان دست یافت.» از همه شگفت آورتر سخنی است که یکی از مجلّات زنانه از آلفرد هیچکاک - که به قول آن مجلّه به حسب فنّ و شغل فیلم سازی خود درباره زنان تجارب فراوان دارد - نقل می کند او می گوید:

«زنان شرقی تا چنـد سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روبندی که به کار می بردند خود به خود جذّاب می نمودند و همین مسأله جاذبه نیرومنـدی به آن ها می داد، امّا به تدریـج با تلاشـی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می دهند حجاب و پوششـی که دیروز بر زن شـرقی کشـیده شده بود از میان می رود و همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می شود».

خلأ عشق

امروزه یکی از خلأهایی که در دنیای اروپا و آمریکا وجود دارد خلأ عشق است. در کلمات دانشـمندان اروپایی این نکته زیاد به چشم می خورد که اوّلین قربانی آزادی و بی بنـد و باری امروز زنان و مردان، عشق و شور و احساسات بسـیار شدید و عالی است. در جهان امروز هرگز عشق هایی از نوع عشق های شـرقی از قبیل عشق های لیلی و مجنون، و خسرو و شیرین رشد و نموّ نمی کنـد. از داسـتان های لیلی و مجنون، و خسـرو و شـیرین و ماننـد آن می توان فهمیـد که زن بر اثر دور نگهداشـتن خود از دسترسـی مرد تا کجا پایه خود را بالا برده است و تا چه حـدّ سرّ نیاز مرد را به آسـتان خود فرود آورده است. قطعاً درک زن، این حقیقت را در تمایل او به پوشش بدن خود و حفظ کردن خود به صورت یک راز،

تأثیر فراوان داشته است.(۱)

ص: ۱۳۹

۱- ۱. مسأله حجاب، استاد شهید مطهّری، ص ۵۲ تا ۵۷.

۱۲۰الگوی بانوان

اَلْحَیاءُ حَسَنٌ وَ لکِنْ فِی النِّساءِ اَحْسَنُ(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «حیا، پسندیده و نیکوست، ولی در زنان، پسندیده تر و نیکوتر است.»

گِرد ماه وجودش حلقه زده بودیم،

من بودم و دیگر یاران او،

دوست داشتیم او بگوید و ما گوش باشیم؛ ولی مثل بعضی وقت های دیگر از ما پرسید. هر کسی چیزی گفت، ولی هیچ یک از پاسخ ها را نپسندید.

با خود گفتم پاسخ را باید از فاطمه بشنوم. نزد همسرم فاطمه آمدم.

فاطمه جان! پدرت، رسول خدا، از ما سؤالی پرسید، کسی نتوانست پاسخ دهد. «چه چیز برای زن بهترین است؟»

۱- ۱. نهج الفصاحه، حدیث ۲۰۰۶.

علی جان!

«بهترین چیز برای زن آن است که مرد (نامحرمی) را نبیند و مرد (نامحرمی) نیز او را نبیند.»

چون پاسخ فاطمه را به پیامبر گفتم، پیامبر پاسخ او را پذیرفت و از صمیم جان فرمود:

«پاسخ فاطمه، صحیح است، او پاره تن من است!»(۱)

منطق فاطمه این است که زن، گوهری گران بها و فرشته ای آسمانی است که هرچه پوشیده تر و محجوب تر باشد نزد خدا محبوبتر است و این، با فطرت او کاملاً سازگار است.

منطق فاطمه این است که خودآرایی و خودنمایی زن نباید در برابر چشم نامحرمان باشد، خداوند این هنر را به زن داده است تا قلب شوهرش را فتح کند و چنان قلب او را پر کند که به زن های دیگر هیچ اعتنا نکند و طمع وصال آنان را در سر نپروراند.

امّا کسانی که افسار شهوت و هوس را رها کرده اند و تن به لذّات حیوانی داده و غرق در دنیا گشته اند فرهنگ زندگی آن ها چیز دیگری است:

«خودآرایی، خودنمایی و چشم چرانی؛ و در یک کلمه: آزادی حیوانی»

آنان شخصیّت زن را در این ها می دانند.

از نگاه آنان زنی که با مدرن ترین آرایش ها و زیباترین لباس ها خود را می آراید و با دلرباترین شیوه ها در جامعه جلوه گری می کند و چشمانش به دنبال خواسته های نفسانی اش می چرخد، زنی با فرهنگ، امروزی، مترقّی و خوشبخت است؛ ولی واقعیت چیز دیگری است:

۱- ۱. مستدرک الوسایل، جلد ۱۴، حدیث ۲، ص ۲۸۹.

مهار حرص و هوس را اگر رها کردی مدام در هوسی و دوام در دردی

پوشش اسلامی

اشاره

زن مرواریدی گران بهاست که باید در صدف حجاب و پوشش، خود را به کامل ترین شکل حفظ کند. بنابراین واجب است موها و تمام اندام خود را از نامحرم بپوشاند. خواه نامحرم به قصد لذّت و هوسرانی به او نگاه کند و یا بدون قصد لذّت، البتّه پوشاندن صورت و دست ها تا مچ واجب نیست اگرچه بهتر است و به تقوا نزدیک تر است بنابراین:

۱. بیرون گذاشتن مقداری از موها به هر انگیزه ای که باشد حرام است و ناپسند.

۲. نمایان گذاشتن روی پا، کف پا، و پاشنه پا، ناپسند و حرام است.

۳. جوراب های نازک و پانما کافی نیست و باید پاها را کاملاً بپوشانیم.(۱)

چهره و دست ها

چهره دختران یکی از دلرباترین اعضای آن هاست بکوشیم در حدّ توان آن را از نامحرمان بپوشانیم. در محیط هایی که اکثر جوانان عادت دارند که با چشم های آلوده و تند به ما نگاه کنند و در مسیر هرزگی و سبکسری و آزار و متلک گفتن گام برمی دارند، روا نیست که با چهره ای باز و متبسّم و خندان رفت و آمد کرد.

درباره چهره و دست ها به نکته های زیر توجّه کنیم:

۱. مقنعه یا روسری باید اطراف چهره، گلو و زیر چانه را بپوشاند.

۲. قدری پایین تر از مچ دست ها را باید پوشاند.

۱- ۱. احکام بانوان، محمّد وحیدی، ص ۱۲۴.

۳. دست ها و چهره باید خالی از هرگونه آرایش، زیور و زینتی باشد و گرنه پوشاندن آن ها نیز واجب است.

۴. کسی با قصد لذّت به دست ها و چهره ما نگاه نکند وگرنه پوشاندن آن ها واجب می شود.

۵. کسی که چهره طبیعی او به گونه ای است که باعث مفسده می شود باید چهره خود را نیز بپوشاند.(۱)

پوشش کامل

برخی گمان می کننـد که پوشـش اسـلامی، همان پوشـش بدن است و در اسـلام چیزی فراتر از این وجود ندارد، این برداشتی نـاقص از دین است. اسـلام علاـوه بر پوشـش بـدن، پوشـش زیـور و زینت را نیز واجب می دانـد. در سـوره نـور به این مطلب تصریح شده است.(۲)

بنـابراین هرچه در نظر مردم زینت به حساب می آیـد بایـد از نامحرم پوشانـده شود؛ ماننـد النگو، لاک ناخن، سـرمه چشم و از همه مهم تر آراستگی چهره.(۳)

معیارهای انتخاب لباس

لباسی که می خواهیم آن را در برابر نامحرمان بپوشیم باید دارای ویژگی های زیر باشد:

۱. نازک و بدن نما نباشد.

۲. بنابر احتیاط واجب لباسی که باعث شهرت و انگشت نما شدن ما در میان نامحرمان می شود نباشد.

۱- ۱. العروه الوثقی، جلد ۱، ص ۳۹۰ و ۳۹۱.

۲- ۲. سوره نور، آیه ۳۱.

۳- ۳. العروه الوثقی، جلد ۱، ص ۳۹۱.

۳. بنابر احتیاط واجب از لباس های ویژه مردان نباشد.

۴. از لباس هایی که مه_یّج است و توجّه نامح_رم را جلب می کند نباشد.

۵. از لباس هایی که از حیث دوخت و شکل و یا از نطر رنگ، ترویج و تقلید از فرهنگ مهاجم غیرمسلمین است نباشد.(۱)

جلب نامحرم

تنها پوشش اندام و زیور و زینت کافی نیست، بلکه باید پوشش ما به گونه ای باشد که نامحرم را جلب نکند؛ به چند نکته در این زمینه توجّه کنید:

پوشیدن لباسی که برجستگی های بدن را به گونه ای ظاهر می سازد که باعث سوق دادن زن به گناه و جلب نظر نامحرم است، جایز نیست.(۲)

استفاده از کفش هایی که هنگام راه رفتن به گونه ای صدا می دهند که نامحرمان را متوجّه می سازند و باعث گناه می شوند، جایز نیست.(۳)

برخی در عین این که چادر می پوشند ولی با گرفتن و رها کردن آن و ژست های رنگارنگی که با آن می گیرند، نشان می دهند که اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند و از این که مورد بهره برداری چشم ها قرار بگیرند ناراحت نمی شوند.

آن ها باید بدانند که صرف استفاده از چادر، ارزش نیست بلکه باید به گونه ای از چادر استفاده کرد که بانوان عفیف از آن استفاده می کنند آنان که آهنگ چادرشان به نامحرمان «دورباش» می گوید و ناپاکدلان را مأیوس می کند.(۴)

ص: ۱۴۵

۱- ۱. توضیح المسائل، مسأله ۸۴۵ و ۸۴۶.

۲- ۲. احکام خانواده، عبدالرّحیم موگهی، ص ۲۸۵.

۳- ۳. احکام خانواده، عبدالرّحیم موگهی، ص ۳۰۳.

۴- ۴. مسأله حجاب، استاد شهید مطهّری، ص ۱۵۸.

بعضی ها موهای جلو و یا عقب سر خود را به گونه ای برجسته می کنند که حتّی از روی چادر به خوبی نمایان است.

آنان به گمان خود می خواهند شیک باشند ولی باید بدانند هر کاری که باعث جلب توجّه نامحرم و گناه شود نارواست و از آن باید پرهیز کرد.

ص: ۱۴۶

۲۱ در حریمِ عفاف

اشاره

اَفْضَلُ الْعِبادَهِ الْعَفافُ.(۱)

حضرت علی علیه السلام ، همواره می فرمود: «بالاترین عبادت عفّت است.»

درّ خانه را می کوبید،

«ابن امّ مکتوم» آن مرد نابینا بود، می خواست به خانه من وارد شود،

به عایشه و حفصه گفتم برخیزید و به اتاق دیگر بروید.

گفتند: او که نابیناست و ما را نمی بیند!

گفتم: اگر او شما را نمی بیند، شما او را می بینید!

همانجا به یاد فاطمه ام افتادم:

وقتی نابینایی می خواست بر من وارد شود، بی آن که به او چیزی بگویم، در پَس پرده رفت به او گفتم: این مرد، نابیناست و تو را نمی بیند!

گفت: «گرچه او من را نمی بیند ولی من او را می بینم و او بوی من را

ص: ۱۴۷

۱- ۱. وسایل الشّیعه، جلد ۱۱، ص ۱۹۸۲.

استشمام می کند». این جا بود که از سرّ حقیقت، احساساتم اوج گرفت و گفتم:

«گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی!»(۱)

ما نیز بایـد از رفتار رسول خدا صـلی الله علیه و آله وسـلم و فاطمه زهرا علیهاالسـلام درس بگیریم و منزل ما و رفت و آمدهای خانوادگی و فامیلی ما به گونه ای باشد که حریم مرد و زن در آن رعایت گردد.

نامحرم، نامحرم است اگرچه از نزدیکان و وابستگان ما باشد، ما نباید با او همانند یک محرم رفتار کنیم.

فرهنگی که از طریق بیشتر فیلم ها و برخی از برنامه های سیما به آن بها داده می شود با فرهنگ ناب اسلامی فاصله ها دارد.

نشسـتن در کنار هم بـدون مراعات کامل پوشـش اسـلامی و گفتن و خندیدن و شوخی کردن بدون مراعات محرم و نامحرمی کاری ناروا و ناشایسته است.

اختلاط دختر و پسر

پیامبر خود از اختلاط زن و مرد جلوگیری می کرد، به دستور ایشان در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان مجزّا شد.

پیامبر برای این که برخورد و اصطکاکی رخ ندهد دستور می داد مردان از وسط و زنان از کنار کوچه ها بروند؛ زیرا فتنه ها از اختلاط ها برمی خیزد.(۲)

پیامبر خطاب به جامعه اسلامی می فرماید:

«نگذاریـد بین مردان و زنان اختلاط برقرار شود، چه آن که اگر بین آن ها اختلاط و آمیختگی باشـد دردی بی درمان شـما را فرا خواهد گرفت.»(۳)

۱- ۱. مستدرک الوسایل، جلد ۱۴، ص ۲۸۹.

۲- ۲. مسأله حجاب، استاد شهید مرتضی مطهّری، ص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۳- ۳. مرآت النّساء، ص ۱۴۰.

جامعه اسلامی به ویژه دانشگاه ها بایـد به این سـمت سوق داده شونـد که از اختلاط زن و مرد بکاهنـد. اختلاط، اگر مفاسـد دینی و اخلاقی به همراه داشته باشد زیانبار است.

حضرت امام رحمه الله درباره ادامه تحصیل دختران می فرمایند:

«ادامه تحصیل در رشته های حلال اشکالی ندارد ولیکن تسترّ(۱) از اجـانب و خودداری از اختلاـط با آن ها لازم است و اگر ادامه تحصیل مستلزم اختلاط با اجانب باشد و مفاسد دینی و اخلاقی در بر داشته باشد ترک کند.»(۲)

خلوت با نامَحرم

جـاذبه جنسـی بین زن و مرد، و دختر و پسـر آن قـدر نیرومنـد است که غلبه بر آن در هنگـام خلوت بـا نامحرم، تقوایی در حدّ معصومین علیهم السلام می خواهد. «اگر دختر و پسر یا زن و مرد در محلّ خلوتی باشند که کسی در آنجا نباشد و دیگری هم نمی تواند به آنجا وارد شود چنانچه بترسند که به حرام بیفتند باید از آنجا بیرون بروند.»(۳)

مکالمه با نامَحرم

قرآن به دختران و بانوان هشـدار می دهـد که با صـدای نازک و ناز و کرشـمه با نامحرم سـخن نگوینـد مبادا بیماردلی به آنان طمع ورزد.(۴)

بنابراین مسـتحبّ است در مواقعی که ضـرورتی نـدارد، با نامحرم سـخن نگوییم و چون خواستیم سـخن بگوییم باید با متانت و سنگینی در فضایی

۱- ۱. پوشش کامل.

۲- ۲. احکام بانوان، محمّد وحیدی، ص ۱۵۱.

۳- ۳. توضیح المسائل، مسأله ۲۴۴۵.

۴- ۴. سوره احزاب، آیه ۳۲.

سالم و به دور از هوس سخن بگوییم و از شوخی و خنده بپرهیزیم و در عین حال به نامحرم خیره نشویم و پوشش کامل خود را در برابر او حفظ کنیم.

مراجعه به نامَحرم

امید است که جامعه اسلامی هرچه سریعتر به جایی برسد که دختران و بانوان به راحتی بتوانند کارهای خود را بدون مراجعه به نامحرم انجام دهند.

بنابراین تا جایی که امکان دارد شایسته نیست به پزشک مرد و یا عکّاس مرد و... مراجعه کنیم.

و در مواقع اضطرار باید پوشش خود را در حدّ امکان حفظ کرده و تمامی مسائل مربوط به نامحرم را مراعات کنیم.

در این زمینه مسائل فراوانّ لازمی وجود دارد که شما را به توضیح المسائل مراجع عظام تقلید ارجاع می دهیم.

نگاه به نامَحرم

چشم، از مناظری که می بیند، فیلم و عکس تهیّه، و در مخزن خیال بایگانی می کند. گاهی هم در سالن خیال می نشیند و به تماشای آن ها می پردازد.

مراقب باشیم که چشمان ما از مناظر شهوت آلود فیلم و عکس تهیّه نکند و اگر به این خطا و گناه دچار شدیم فوری آن منظره را با اشک و آه و توبه از ص خیال خود پاک کنیم.

نگاه آلوده به هیچ چیز و هیچ کس جایز نیست.

در فرهنگ اسلام این تنها مردان نیستند که موظّفند نگاه های خود را مهار کنند بلکه قرآن صریحاً زنان را نیز به رعایت این نکته فرمان می دهد.(۱)

۱- ۱. سوره نور، آیه ۳۱.

مَحرم و نامَحرم

شاید بعضی ها خیال کنند که نامحرم یعنی غریبه و ناآشنا، و محرم یعنی قوم و خویش و آشنا، ولی در فرهنگ اسلام فرقی بین غریبه و آشنا نیست.

کسانی که به دخترها و زن ها محرمند عبارتند از: پدر، پدربزرگ، پسر، نوه، برادر، خواهرزاده (پسر خواهر)، برادرزاده (پسر برادر)، عمو (عموی خود و عموی پدر و مادر)، و دایی (دایی خود و دایی پدر و مادر).

این گروه به سبب خویشاوندی نَسَبی، محرم هستند؛ گروهی دیگر نیز به سبب ازدواج، بر دخترها و زن ها محرم می شوند که عبارتند از:

شوهر، پدر و پدربزرگ شوهر، پسر شوهر (هر چند فرزند خود انسان نباشد) و نوه او، شوهر مادر(۱)، و شوهر دختر (داماد).

کسان دیگر هرچند خویش و آشنا باشند نامحرم به شمار می آیند و باید همه احکام مربوط به نامحرم را درباره آنان رعایت کرد.

بنابراین پسر دایی، پسرعمو، پسر خاله، پسر عمّه، شوهر خاله، شوهر عمّه، شوهر خواهر و برادر شوهر همه نامحرم هستند.(۲) و باید در روابط خانوادگی و فامیلی آنان را نامحرم دانست. ممکن است این نکته برای آنان ناخوشایند باشد ولی رضایت و خشنودی خدا را باید بر رضایت و خشنودی آنان مقدّم داشت و آخرت خود را به بهای اندک دنیا نفروخت. ولی می توان با نرمی و ملایمت مسأله را برای آن ها روشن ساخت.

روابط دختر و پسر

ص: ۱۵۱

۱- ۱. محرم بودن شوهر مادر شرایطی دارد که در توضیح المسائل آمده است.

۲- ۲. تحریرالوسیله، جلد ۲، ص ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۷ و ۲۸۰.

اسلام کوشیده است تا روابط دختران و پسران را به گونه ای تنظیم کند که احتمال بروز هر گونه آلودگی و تباهی از میان برداشته شود.

روح حاکم بر روابط پسران و دختران باید روح پاکی و عفاف باشد. جوامعی که روابط دختران و پسران را تا اندازه ای آزاد گذاشته اند تجربه تلخی را متحمّل گشته اند و به اشتباه خود اعتراف دارند.

دین مترقّی اسلام می گوید: قلب با نگاه های آلوده، برخوردهای ناسالم و غیرعفیفانه کم کم تاریک می گردد، یاد خدا از قلب بیرون می رود، جاذبه نیرومند تمایلات جنسی بر آدمی غالب می شود، و چه بسا جوان دچار بلای خانمان سوز عشق و محبّت نابجا گردد.

مفضّل می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره عشق نابجا پرسیدم فرمود:

«قلب هایی هستند که از یاد خدا خالی می شوند، خدا نیز (عشق) و محبّت غیر خود را به آنان می چشاند.»(۱)

و اگر کسی به این بلای خانمان سوز دچار شد باید با عفّت و پرهیز و خود نگه داری خود را نجات دهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«برگزیدگان امّت من کسانی هستند که چون به بلایی دچار شوند عفّت می ورزند پرسیدند: آن کدامین بلاست؟

فرمود: عشق (نابجا).»(۲)

دستورات و احکام اسلامی در زمینه روابط دختران و پسران همه، حکیمانه و عادلانه است، اسلام نمی خواهد بی جهت برای کسی محدودیّتی قائل شود و او را در تنگناهای اجتماعی قرار دهد.

همه این احکام که به ظاهر محدود کننده هستند جهت حفظ آبرو و احترام انسان هستند.

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۷۳، ص ۱۵۸.

۲- ۲. کنزالعُمّال، جلد ۳، ص ۷۷۹.

البتّه اسلام در کنار این احکام، با جدیّت فراوان، دختران و پسران را به ازدواج ترغیب و تشویق کرده است. اسلام می خواهد دختران و پسران در بحبوحه جوانی و نشاط، اساس زندگی آینده خود را پی ریزی کنند و با گرمی و طراوت به زندگی ادامه دهند.

متأسّفانه بهانه گیری ها، سخت گیری ها، چشم و هم چشمی ها، و تجمّلات، جوانان ما را تهدید می کند.

با بالا ـ رفتن سنّ ازدواج و پدید آمدن بحران جوانی، جامعه نیز دچار مشکلات فراوانی می گردد که گاه غیرقابل تصوّر و تحمّل است.

چاره کار در دست ما و خانواده های ماست. بیاییم تصمیم جدّی بگیریم که هرگاه جوانی متدیّن، خوش اخلاق و با ایمان به خواستگاری ما آمد و مورد پسند قلبی ما بود او را بپذیریم و به بهانه ادامه تحصیل و یا چیزهای دیگر خود را به بحران آزاردهنده جوانی سوق ندهیم.

در همه کارها و به ویژه در امر مقدّس ازدواج به خدا توکّل کنیم و از توهّم های بیجا بپرهیزیم.

ص: ۱۵۳

۲۲ بنیانی مقدّس

اشاره

ما بُنِیَ بِناءٌ فِی الْاِسْلامِ اَحَبُّ اِلَی اللّه ِعَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّزْویجِ.(۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هیچ بنا و بنیانی نزد خداوندِ عزیز و بلندمرتبه دوست داشتنی تر از ازدواج نیست.»

وقتی پیامبر مرا دید تبسّم کرد و گفت:

ای اباالحسن به چه کاری بدین جا آمده ای؟

از قرابت و نزدیکی خود با او، از پیشی گرفتن خود در اسلام، از یاری کردن او، و از جهادم سخن به میان آوردم.

فرمود: «علی جان تو از آنچه گفتی بالاتر و برتری.»

سپس از حیا سرم را به زیر انداختم و نگاهم را به زمین دوختم.

«من امروز به خواستگاری دخترت فاطمه آمده ام.»

فرمود: علی جان پیش از تو کسانی به خواستگاری فاطمه آمده اند

۱- ۱. وسایل الشّیعه، جلد ۱۴، حدیث ۴، ص ۳.

چون از آنان نزد او سخن گفتم چهره اش گرفته شد، دانستم به این کار راضی نیست.

علی جان بنشین تا برایت خبر آورم.

پیامبر بر فاطمه وارد شد، فاطمه مثل همیشه تمام قد در برابر پدر بلند شد و از وی دلجویی کرد.

فرمود: فاطمه جانم!

«فضائل و خوبی های علی بن ابی طالب را می دانی، من از خدا خواسته ام تو را به ازدواج برترین و محبوبترین خلقش درآورد، علی از تو سخن به میان آورده، نظر تو چیست؟»

فاطمه ساکت ماند، چهره برنگرداند و نشانه کراهت در چهره اش دیده نشد.

پیامبر برخاست و گفت: «اللّه اکبر، سکوت او نشانه رضایت اوست(۱).»

فاطمه بر چه مبنایی علی را پذیرفت؟

آنچه روشن است علی از مال و منال دنیوی بهره چندانی نداشت، شمشیری داشت که با آن در راه خدا جهاد می کرد، شتری که با آن نخلستان را آبیاری می کرد و یک زره که آن را کابین فاطمه قرار داد.

ملاک و محور انتخاب، دین و اخلاق و پاکی بود.

پیامبر خطاب به دختران و اولیاء آنان می فرماید:

«هنگامی که کسی نزد شما آمد که از اخلاق و دین او راضی هستید او را بپذیرید وگرنه فتنه و فساد بزرگی در زمین رخ خواهد داد.»(۲)

در احادیث و روایات ما به نکته های مهمّ اخلاقیّ یک جوان ایده آل اشاره شده است: «او با تقوا، پاکدامن و بخشنده است. چشمش پاک

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۴۳، حدیث ۴، ص ۹۳.

۲- ۲. وسایل الشّیعه، جلد ۱۴، حدیث ۲، ص ۵۱.

است. به پـدر و مادرش نیکی می کنـد و بار زندگی خود را به دوش دیگران نمی اندازد.»(۱) بنابراین اگر جوانی اهل پاکی و تقوا نیست و چشم چران و بی بنـد و بـار است و از سـایر فضائـل اخلاقی بی بهره است، نبایـد گول مقام و ثروت او را خورد و زمام زندگی خود را به دست او داد.

خواستگاری

رسم خواسـتگاری یـک تـدبیر ظریف و عاقلانه و برای حفظ حیثّیت و احترام زن است، خلاف حیثّیت و احترام زن است که به دنبال مرد بدود.

زن که می خواهـد محبـوب و معشوق و مورد سـتایش باشـد و بر سراسـر وجود مرد حکومت کنـد قابـل تحمّـل و موافق غریزه نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احیاناً جواب ردّ بشنود و سراغ مرد دیگری برود.(۲)

از طرف دیگر آراسـتن خود و جلوه گری در کوچه و بـازار برای جلب جوانـان هم گناه است و هم از ارزش دختر نزد جوانان می کاهد.

دختر باید سـنگین، با حیا و وقار زندگی کند و عفّت خود را نگه دارد. بانوانی که او را می شناسند از حالات و خصوصیّات او در خانه های خود سـخن به میان خواهنـد آورد و جوانان پاک، شـیفته او خواهنـد شـد و به خواسـتگاری او خواهنـد آمـد. این بهترین روش برای حفظ حیثّیت، احترام و عظمت یک دختر است.

اجازه پدر

زن اسیر محبّت است. آن چیزی که او را از پا درمی آورد و اسیر می کند

ص: ۱۵۷

۱- ۱. وسایل الشّیعه، جلد ۱۴، حدیث ۲، ص ۱۸.

۲- ۲. نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مطهّری، ص ۴۷ و ۴۹.

این است که نغمه محبّت و صفا و وفا و عشق از دهان مردی بشنود، خوش باوری او در این جاست.

مردها نیز به این نکته کاملاً ـ واقفند و برای صید دختران به خوبی از آن استفاده می کنند. بنابراین زن تا مادامی که دوشیزه است به سهولت زمزمه های محبّت مردان را باور می کند. این جاست که لازم است دختر ناآزموده با پدرش که از احساسات مردان بهتر آگاه است مشورت کند و لزوماً موافقت او را جلب کند.

این نکته را نیز به خاطر بسپاریم که اجازه مادر و برادر لازم نیست.(۱) گرچه جلب رضایت آنان امری است پسندیده و صفابخش زندگی آینده و موافق احتیاط.

مهریّه

قانون مهریّه هماهنگی با طبیعت است. از این رو که نشانه و زمینه آن است که عشق از ناحیه مرد آغاز شده و زن پاسخگوی عشق اوست و مرد به احترام او هدیّه ای نثار او می کند.(۲)

سخن از معامله و خرید و فروش نیست، سخن از رقابت و چشم و هم چشمی نیست.

شاید برخی تا توان دارند مهریّه را بالا می برند تا همسرشان را پای بند به زندگی کنند هرگز چنین نخواهد بود، او می تواند با کاهش محبّت و توجّه خود به زندگی، زن را در تنگنایی قرار دهد که مهریّه خود راببخشد و بگوید: «مهرم حلال، جانم آزاد.»

بنابراین میزان پای بندی شوهر به زندگی به میزان تقوا، اخلاق و دین او

۱- ۱. رساله توضیح المسائل، مسأله ۲۳۷۶.

۲- ۲. نظام حقوق زن در اسلام، استاد مطهّری، ص ۲۴۴.

بستگی دارد وگرنه سنگینی مهریّه نه تنها ضامن بقاء زندگی نیست بلکه مایه کینه و کدورت شوهر است چون او همیشه فکر می کند همسرش خود را به او فروخته است.

از این رو اسلام، هم به انتخاب شوهر خوش اخلاق و متدیّن و باتقوا سفارش نموده است و هم پایین بودن مهریّه را سفارش کرده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «بهترین زنان امّت من کسانی هستند که مهریّه هاشان کمتر است.»(۱) و باز از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که فرمود:

«مهریّه زنان را بالا نبرید که موجب دشمنی می گردد.»(۲)

دوران نامزدی

دو کبوتر بی سر و سامان در آستانه سامان گرفتن اند. دو دلداده پس از سالها انتظار، یکدیگر را یافته اند.

آنان می خواهند به زودی شالوده یک زندگی ایده آل را پی ریزی کنند. می خواهند یک عمر با هم و در کنار هم با تفاهم و همدلی زندگی کنند.

دوران نامزدی شیرین ترین ایام زندگی است. نگاه ها، کلام ها، برخوردها، و رفت و آمدها همه شیرین و به یادماندنی است.

دورانی است که دختر و پسر بیشتر با هم انس می گیرند و از افکار و عقاید و سلیقه های یکدیگر مطلع می شوند.

نکته اساسی که باید مورد توجّه ما قرار گیرد این است که تا زمانی که صیغه عقد دائم یا موقّت خوانده نشده است، دختر و پسر با هم نامحرم هستند و تمامی احکام مربوط به نامحرم را باید مراعات کنند پس بهتر است که تا امکان دارد بین دوران نامزدی و عقد فاصله نیندازیم.

مواظب باشیم قبل از عقد با داماد عکس برنداریم و از عکس های

۱- ۱. دعائم الاسلام، جلد ۲، ص ۱۹۷.

۲- ۲. مستدرک الوسایل، جلد ۱۵، ص ۶۶.

خود که حجاب شرعی در آن ها مراعات نشده است به او ندهیم.

و پس از آن نیز از هر رفتاری که خلاف عفّت عمومی جامعه و حفظ حرمت و غیرت یک خانواده مسلمان است بپرهیزیم مانند فشردن دست یکدیگر و راه رفتن در خیابان، یا دست در گردن یکدیگر انداختن در اماکن عمومی و تاکسی و... که این گونه اعمال گاهی موجب تحریک جوانان می شود و گناه است.

مراسم ازدواج

سعی کنیم مراسم ازدواج را آسان بگیریم، خرید بازار، و خرید لباس و طلا، همه در حدّ معمولی و متعارف باشد.

پیمانی که اساس آن بر محبّت و یگانگی است نه بر اساس رقابت نباید با بهانه گیری ها و تحمیل ها ضربه ببیند. محبّت، شیشه ای است شفّاف و نازک، شیشه ها را غبارآلود نکنیم و آن ها را نشکینم.

بدانیم که به مصلحت زندگی ما نیست که با احساسات مردی بازی کنیم که از او انتظار داریم ما را از صمیم قلب دوست داشته باشد و نسبت به ما فداکاری کند و سعادت ما را سعادت خود بداند. از چشم و هم چشمی جدّاً بپرهیزیم.

عروسی

کوچه های مدینه نور باران می شد، پیامبر از جلو، جبرئیل از راست، میکائیل از چپ و هفتاد هزار فرشته از پی او، همه تسبیح گوی و تکبیر گوی، و دختران عبدالمطلّب و زنان مهاجر و انصار همراه او، شعر می خواندند، شادی می کردند، تکبیرگویان و حمد کنان.

آنان عروس را به خانه علی علیه السلام می بردند.

ص: ۱۶۰

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به آنان فرموده بود که در مراسم بردن عروس به خانه همسر: «شادی کنید، شعر بخوانید، تکبیر بگویید، حمد کنید ولی چیزی که خدا راضی نیست نگویید.»(۱)

یعنی اصول مراسم عروسی این هاست:

«شادی، شعور، شرافت»

با کمال تأسّف حتّی بعضی از مؤمنان و مذهبی ها در مراسم عروسی، دین و آخرت خود را فراموش می کنند و از هر برنامه شاد و محرّکی استقبال می کنند.

آنان می گویند یک شب که هزار شب نیست، بعد از عمری انتظار می خواهیم شاد باشیم و... ولی فراموش کرده اند که: یک شب گناه، می تواند هزاران روزِ انسان را تیره کند، بلکه آخرت انسان را.

بنابراین سعی کنیم که مراسم عروسی ما آلوده به گناه نشود و در مراسم عروسی دیگران نیز اگر همراه با گناه است شرکت نکنیم حتّی اگر از ما کینه به دل بگیرند.

استفتاء از مقام معظّم رهبری:

شرکت نکردن در مجالس عروسی که نوعاً همراه با لهو ولعب است، باعث دشمنی و خصومت بین اقوام و فامیل می شود وظیفه چیست؟

شرکت کردن در مجالس حرام در هر صورت جایز نیست و امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است.(۲)

برنامه های عروسی

همه دوست دارند که برنامه های عروسی شاد، و دلنشین باشند.

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۴۳، ص ۱۱۵.

۲- ۲. ویژه نامه فرهنگ اسلام، بهار ۱۳۷۸، ص ۳.

اسلام نیز این مطلب را تأیید می کند ولی به ما هشدار می دهد که این برنامه های شاد نباید آلوده به گناه و معصیت باشند.

بنابراین تلاش کنیم از اختلاط زن و مرد و دختران و پسران جوان جلوگیری کنیم، و در مراسم عروسی از اجراء برنامه هایی که خداوند راضی نیست، بپرهیزیم.

در این زمینه به چند استفتاء از مقام معظّم رهبری (دام ظلّه)بسنده می کنیم:

۱. زدن دست در مراسم عروسی، رقص مرد برای مردان در مراسم عروسی، رقص زن برای زن در مراسم عروسی چه حکمی دارد؟

- «کف زدن به نحو متعارف معمول مجالس جشن و سرور مانع ندارد و رقص اگر موجب تحریک و تهییج شهوت و یا مستلزم ارتکاب حرام باشد جایز نیست.»(۱)

۲. زدن دایره و تنبک در مراسم عروسی و خرید و فروش آن، آیا جایز است؟

- «اگر از آلات لهو محسوب باشد خرید و فروش و نگهداری و استعمال آن جایز نیست.»(۲)

۳. فیلمبرداری و عکّاسی از برخی مجالس عروسی که به علّت لاابالی گری، مسائل محرم و نامحرم احیاناً رعایت نمی شود توسّط عکّاس زن که شغلش این کار است، چه حکمی دارد؟

- «مراعات کامل حجاب اسلامی در برابر نامحرم در هر حال لازم است و فیلمبرداری از مجالس زنانه یا از مجالس مختلط اگر مستلزم نظر حرام و موجب اشاعه فساد و ترتّب مفاسد باشد جایز نیست.»(۳)

۱- ۱. احکام هنری، ص ۶، سؤال ۳۹.

۲- ۲. احکام هنری، ص ۶، سؤال ۴۶.

۳- ۳. احکام هنری، ص ۱۰، سؤال ۷۵.

۲۳ بر قُلّه خوشبختی

عاشِرْ اَهْلَ الْفَضْلِ تَسْعَدْ وَ تَنْبُلْ.(۱)

حضرت علی علیه السلام فرمود: «با انسان های بافضیلت زندگی کن تا خوشبخت و بزرگ گردی.»

آفتاب یثرب بر خانه گِلی و کوچکی می تابید که دو گوهر پاک و نایاب را در بر گرفته بود.

خانه ای که یک قطعه حصیر و یک پوست گوشه ای از آن را مفروش کرده بود و اکثر ظرف هایش گِلی بود.

خانه ای که در آن از مظاهر فریبنده دنیا خبری نبود، خود خانه را هم «حارثه بن نُعمان» به آنان بخشیده بود.

با این همه سادگی و کوچکی، دریایی ژرف از مهر و محبّت و عاطفه را در خود جای داده بود.

ص: ۱۶۳

۱- ۱. غررالحکم، جلد ۴، ص ۳۵۶.

اینک اوّلین لحظه های نخستین زندگی آن دو آغاز می شد که کسی از پشت در سلام می کرد و اجازه ورود می طلبید.

«اسماء» آمد و در را گشود.

پیامبر بود که با شوق وافری به سوی داماد و عروس آمده بود.

- علی جان همسرت را چگونه یافتی؟

و علی با آهنگی سپاس آمیز پاسخ گفت:

«او بهترین یار و یاور من در مسیر زندگی است.»

فاطمه جانم! تو همسر خود را چگونه دیدی؟

و فاطمه با لحنی لبریز از حیا و محبّت پاسخ داد:

«او بهترین همسر است.»(۱)

و زندگی مشترک آغاز شد، پیامبر کارها را تقسیم کرد.

کارهای خارج از منزل را به علی و کارهای داخل منزل را به فاطمه سپرد.

فاطمه از این بابت بسیار مسرور و خوشحال گشت. چون کار داخل منزل او را از برخورد با نامحرمان و اختلاط با آن ها برکنار می داشت.

و زندگی آن دو در کمال بی آلایشی و دور از تجمّلات ادامه یافت. آنان خوشبختی را در بندگی خدا و فتح مرتفع ترین قلّه های تقوا و کمال می دانستند.

اصول همسرداری

غالباً زندگی با شیرینی، آرامش و صفا آغاز می گردد ولی گاهی دیری نمی پاید که احساس ها و عاطفه ها، عشق ها و علاقه ها فرو می کاهد. تشنّج، درگیری و کشمکش بالا می گیرد و چه بسا کانون گرم زندگی به سردی و

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۴۳، حدیث ۲۴، ص ۱۱۷.

خاموشی می گراید. برای جلوگیری از این پدیده ناگوار دو تدبیر بایسته است:

۱. در انتخاب همسر دقیق باشیم، سعی کنیم با تحقیق و گفتگو در چارچوب شرع همسر آینده مان را تا اندازه زیادی بشناسیم. اگر اختلاف نظر و سلیقه ما با او زیاد است، تن به ازدواج ندهیم.

۲. اصول و روش های همسرداری را فرا بگیریم و بکار بندیم.

فاطمه از آن روز که آمد تا آن لحظه که با همسرش بدرود گفت اصول زندگی را کاملاً مراعات کرد فاطمه در آخرین لحظه های زندگی اش به علی گفت:

«ای پسر عمو! من را دروغگو و خائن نیافتی و در این مدّت از تو سرپیچی نکردم.»(۱)

و علی تصدیق کرد، یعنی اصول زندگی این هاست:

«راستگویی، امانتداری، فرمانبری»

۱. راستگویی

مسائل را از همسرمان کتمان نکنیم و به او دروغ نگوییم، ممکن است از ما کاری سر زده باشد که اگر واقعیّت را بگوییم ما را سرزنش و یا تنبیه کند، این بهتر از آن است که مسأله را از او کتمان کنیم و به او دروغ بگوییم، او با پی بردن به کتمان و دروغگویی ما روز به روز اعتمادش کم می شود و بنیان زندگی متزلزل می گردد.

۲. امانتداری

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۴۳، حدیث ۲۰، ص ۱۹۱.

الف: زیبایی ها و لطافت ها

شوهر بـا پیمـان ازدواج تمـام زیبـایی ها، دلبری ها، طنّازی ها، خوشـمزگی ها و همه لطافت ها و ظرافت های زن را مالک می گردد و زن دیگر خود را امانتدار شوهر می داند، بنابراین باید نسـبت به مردان بیگانه جدّاً اجتناب کند. شوهر نمی تواند تحمّل کند که مرد بیگانه ای به همسـرش نگاه آلوده کند یا با او بگوید و بخندد و شوخی کند و چنین عملی را تجاوز به حقّ مشروع خویش می داند.

شوهر اگر ببینـد همسـرش زیبایی هایش را در معرض دیـد مردان بیگانه قرار می دهـد بسـیار ناراحت می شود، همواره پریشان خاطر و بدبین است. و محبّت و صفایش نسبت به خانواده تدریجاً کم می شود.(۱)

ب: اسرار زندگی

صفا و صمیمیّت، و یکرنگی و یکدلی که بر روابط زن و شوهر حاکم است شوهر را وا می دارد که تمام یا بیشتر اسرار خود را با همسرش در میان بگذارد و به او سفارش کند که این ها را به کسی نگوید. شرط دوستی و صفا در این است که زن راز نگه دار باشد و در این زمینه نیز در امانتداری کوتاهی نکند.

ج: اموال و دارایی

خانه، اموال و دارایی شوهر به امانت در دست زن قرار می گیرد. همسـر بایـد مقرّرات و احکام امانتـداری را مراعات کند و در حفظ و نگهـداری آن ها بکوشد و از اسـراف و زیاده روی در مصـرف بپرهیزد، و از هرگونه تصـرّفی که بدون رضایت شوهر است دوری کند و با رضایت شوهر در اموال او تصرّف کند.

۳. فرمانبری

ص: ۱۶۶

۱- ۱. آیین همسرداری، ابراهیم امینی، ص ۶۴ و ۶۵.

تردیدی نیست که باید بین اعضای یک خانواده تفاهم کامل و تعاون و همکاری وجود داشته باشد لیکن مسؤولیّت اداره منزل باید برعهده یک نفر باشد وگرنه اوضاع منظّم و رضایت بخشی نخواهد داشت، خداوند حکیم و سنجیده کار این مسؤولیّت بزرگ را بر دوش شوهر نهاده است.

پیامبر فرمود: «زن خوب، به حرف شوهرش گوش می دهد و مطابق دستوراتش عمل می کند.»

هم چنین فرمود: «بدترین زن ها، زن لجباز و یک دنده است.»(۱)

فرمانبری زن از شوهر باعث گرمی و صفای کانون خانواده است.

شغل بانوان

اشاره

روحیّه لطیف و نازک زن برای خانه داری، همسرداری، و تربیت فرزند متناسب است. او با این کارها هم به غریزه خدادادی خود پاسخ مثبت می دهد و هم شالوده سرای آخرت خویش را می ریزد.

بانوان خوش سلیقه و فداکار می توانند خانه را به صورت بهشت برین و مهد پرورش کودکان خوب و استراحتگاه شوهران مجاهد و پرتلاش خویش درآورند.

رسول خدا فرمود: «جهاد زن، خوب شوهرداری است.»(۲)

امّ سلمه از رسول خدا پرسید: کار کردن زن در خانه چه مقدار فضیلت دارد؟

فرمود: «هر زنی که به منظور اصلاح امور خانه چیزی را از جایی بردارد و در جای دیگر بگذارد خدا نظر مرحمت به او خواهد کرد و هرکس که مورد نظر خدا واقع شود به عذاب الهی گرفتار نخواهد شد.»

امّ سلمه عرض کرد: ای رسول خدا، پدر و مادرم به قربانت برای زنان

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۱۰۰، ص ۲۳۵.

۲- ۲. بحارالانوار، جلد ۱۰۰، حدیث ۲۸، ص ۲۴۷.

ثواب های بیشتری بفرمایید:

فرمود: «هنگامی که زن آبستن می شود خدا به او اجر کسی را می دهد که با جان و مالش در راه خدا جهاد می کند، هنگامی که بچه اش را بر زمین نهاد به او خطاب می رسد: گناهانت آمرزیده شد، اعمالت را از سر بگیر و هنگامی که بچه اش را شیر می دهد در برابر هر مرتبه شیر دادن ثواب آزاد کردن یک بنده در نامه عملش نوشته می شود.»(۱)

بنابراین شغل اصلی و اساسی زن، خانه داری، همسرداری و تربیت فرزند است. خانم خانه داری که به خوبی از عهده این مهمّ برآید در فرهنگ اسلام، بانویی مترقّی، با فرهنگ، سرفراز و با شخصیّت است. جامعه سالم و پویا از افراد سالم و با فرهنگ شکل می گیرد و افراد سالم در خانه توسّط بانوان پرورش می یابند. بنابراین یک زن خانه دار در تمام جامعه نقش فعّال دارد اگرچه حضور فیزیکی نداشته باشد.

معیارهای انتخاب شغل

اسلام با آن که شغل اساسی زن را خانه داری، همسرداری، و تربیت فرزند می داند ولی هیچگاه از حضور سالم او در اجتماع و در دست گرفتن مشاغل گوناگون جلوگیری نکرده است.

اسلام می خواهد زن عنصری فعّال، پرتحرّک و نقش آفرین و در عین حال عفیف، پاک و پیراسته باشد بنابراین محیط کار زن باید به گونه ای باشد که یا با مردان معاشرت نداشته باشد و یا اگر ناگزیر از معاشرت است روابط، بسیار سالم و عفیفانه باشد.

از این رو برای انتخاب شغل معیارهای زیر را مدّنظر قرار دهیم:

۱. بدون اجازه شوهر شغل نگیریم که آرامش و صفای زندگی را به هم

۱- ۱. بحارالانوار، جلد ۱۰۰، ص ۲۵۱.

می زند، این حقّ شوهر است که اجازه بدهد یا ندهد.

۲. شغلی را انتخاب کنیم که از نظر احکام اسلامی، حلال، مُباح و پاکیزه باشد.

۳. شغل انتخابی ما با طبع لطیف و مهربان ما تناسب داشته باشد.

۴. شغل مورد نظر ما نیازی به اختلاط و معاشرت با مردان بیگانه نداشته باشد و یا کمتر داشته باشد.

و چون برای شغل خود بیرون رفتیم نکته های زیر را رعایت کنیم:

۱. ساده، بی آرایش، سنگین و متین از منزل خارج و در محلّ کار تا حدّ امکان از معاشرت با مردان بیگانه بپرهیزیم. لباس های زیبا، آرایش، و زر و زیور را در خانه و برای همسرمان بگذاریم.

۲. از کار خانه داری، شوهرداری، و بچه داری نیز غفلت نکنیم. به این امر توجّه داشته باشیم که مرد می خواهد کانون خانوادگی برای او کانون آسایش و رفع خستگی و فراموشخانه گرفتاری های بیرونی باشد، این نیاز و احساس شوهر را نادیده نگیریم.(۱)

اخلاق همسرداری

زن، فرشته انس خانواده است و با نشاط، طراوت، صفا و صمیمیّت او همسر و فرزندان در کمال آرامش و شادابی زندگی خواهند کرد.

بنابراین زن باید با ظرافت های اخلاقی خود همیشه کانون خانه و خانواده را گرم و پر حرارت نگه دارد.

در این جا از میان صدها حدیث گران بها که در این زمینه وجود دارد با ذکر چند حدیث از پیامبر، سخن را به پایان می رسانیم:

۱. «حقّ مرد بر زن این است که زن ملازم خانه باشد و به شوهرش

۱- ۱. آیین همسر داری، ابراهیم امینی، ص ۱۸۰ تا ۱۸۴.

دوستی و محبّت و مهربانی کنـد و از خشم او دوری نمایـد و آنچه را که مورد رضایت اوست انجام دهد و به پیمان ها و وعده های وی وفادار باشد.»(۱)

۲. «برای زن شایسـته نیست که بیش از توانایی شوهرش، او را مجبور کند و شایسـته نیست که از شوهرش نزد دیگران شکایت برد، چه از نزدیکان باشند و چه از غریبه ها.»(۲)

۳. «هر زن شوهرداری که به مردان نامحرم چشم بـدوزد، مورد خشم شدید پروردگار واقع می شود و خداوند پاداش اعمالی را که انجام داده است از بین می برد.»(۳)

۴. «بهترین زنـان شـما آن زنی است که بیشتر (از دیگران) برای شوهرش آرایش و زینت می کنـد، امّـا از بیگانگان خود را می پوشاند.»(۴)

۵. «هر زنی که بـا ثروتش بر شـوهرش منّت گـذارد و به او بگویـد: «تو از ثروت من ارتزاق می کنی»، اگر این ثروت را در راه خدا صدقه بدهد خدا از او نمی پذیرد تا آن که شوهرش از او راضی شود.»(۵)

برای تضـمین زنـدگی فردای خود از هم اکنون خود را مهیّا سازیم. کتاب های مـذهبی و علمی معتبر را مطالعه کنیم. از تجربه ها و اندوخته های افراد موفّق و ناموفّق بهره بگیریم و مراکزی را که به عنوان مشاور و راهنمای ازدواج و یا خانواده وجود دارد شناسایی کرده و از راهنمایی آنان بهره مند گردیم. به امید فرداهای سبز سبز و زندگی شیرین شیرین.خدا یار و نگهدارتان باد

۱- ۱. مستدرک الوسایل، جلد ۱۴، حدیث ۲، ص ۲۴۴.

۲- ۲. مستدرک الوسایل، جلد ۱۴، حدیث ۲، ص ۲۴۲.

۳- ۳. وسایل الشّیعه، جلد ۱۴، حدیث ۲، ص ۱۷۲.

۴- ۴. بحارالانوار، جلد ۱۰۰، حدیث ۲۷، ص ۲۴۷.

۵- ۵. مکارم الاخلاق، ص ۲۰۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹